|  |
| --- |
|  |

انتشارات انصار امام مهدى (خدواند در زمين تمكينش دهد)

متشابهات

جلد سوّم

جانشين و فرستاده ى امام زمان ڠ

سيد احمدالحسن ڠ

مختصر تعريفى از صاحب كتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام و درود خداوند بر محمد و خاندان پاكش، امامان و مهديين که امرمان تسلیم آنها است.

سيد احمد الحسن، وى احمد فرزند اسماعيل فرزند صالح فرزند حسين فرزند سلمان فرزند محمد المهدىڠ فرزند حسن العسكرىڠ فرزند على الهادىڠ فرزند محمد الجوادڠ فرزند على الرضاڠ فرزند موسى الكاظمڠ فرزند جعفر الصادقڠ فرزند محمد الباقرڠ فرزند على السجادڠ فرزند حسين الشهيدڠ فرزند على امير المؤمنينڠ فرزند ابيطالب مى باشد. كه درود و سلام خدا بر آن ها باد.

او جانشين و فرستاده امام مهدى (محمد فرزند حسن عسکری) برای عموم مردم، يماني موعود نزد شيعيان، و طبق عقيدۀ اهل سنت همان مهدى ای است که رسول خدا به تولد ايشان در آخر الزمان مژده داده بودند؛ و معزي براى پيامبران خدا و فرستادگانش كه پيامبر خدا حضرت عيسى وعدۀ او را در انجيل داده است، و نجات دهنده ای كه پيامبر خدا ايليا، وعدۀ ظهورشان را به یهودیان داده بودند.

سال 1999 ميلادى (1378 هـ. ش) در عراق پايتخت دولت عدل الهى همراه با دعوت بزرگ خداوند ظهور كردند و دعوتشان توسط دلايل و احتجاجاتش نزد مردم همانگونه كه پيامبران و فرستادگان خداوند از قبل بر قومشان احتجاج مى كردند، در كل عالم انتشار پيدا كرد. دلايل ايشان شامل: چندين متن (عين وصيت جد بزرگوارشان پيامبر اكرم، كه اسم و شأن و منزلتشان در آن اشاره شده است. و همچنين ده ها متن معتبر ديگر نزد مسلمانان، مسيحيان و يهوديان) - علمى كه با آن به مبارزه و مناظره بزرگان اديان و كل طوائف برخاستند- پرچم بيعت خدا و دعوت به حاكميت خداوند و نيز همراه با تأييد خداى پاك و منزه در ملكوت توسط صدها رؤياى صادقه پيامبران و اوصيايى كه به آن شهادت مى دهند.

و همانا با خط مباركشان مجموعه اى از كتاب هايى كه شامل بسيارى از مسايل خداشناسى بودند را در ميان مردم منتشر كردند. از آن ها مى توان به: كتاب توحيد، متشابهات، روشنگری از دعوات فرستادگان، سفر حضرت موسی به مجمع البحرین، نبوت خاتمه، فتنۀ گوساله، جهاد درب بهشت، حاكميت خدا نه حاكميت مردم، گزیده ای از تفسیر سورۀ فاتحه و چندين كتاب ديگر اشاره كرد.

اما هدف دعوت ايشان، همان هدف دعوت نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمد (درود خداوند بر آن ها باد) است تا همانا توحيد و يگانگى در تمامى نواحى جهان انتشار پيدا كند. هدف پيامبران و فرستادگان هدف اوست و بيان تورات و انجيل و قرآن و آنچه را که در مورد آن دچار اختلاف شده اند، پر شدن زمين از عدل و داد همانگونه كه از جور و ستم پر شده است، مى باشد؛ تا گرسنگان را سير کند و تنگدستان را در نيازمندى باقى نماند. تا يتيمان را پس از غم و اندوه طولانيشان شاد گرداند و زنان بيوه از آنچه كه نيازهاى مادى دارند، با احترام دريافت كنند. تا... تا... و تا آنچه از عدل و رحمت و راستى در شريعت است تحقق بخشد.

همانا بسيارى از مؤمنان پراكنده شده در مناطق زيادى از جهان به اين دعوت مبارك و فرخنده پيوسته اند. لطفاً جهت كسب اطلاعات بيشتر به سايت رسمى انصار امام مهدى و اتاق گفتگوى صوتى در پالتاك مراجعه نماييد.

\*\*\*\*\*\*

اهداء

تقدیم به کلیم الله...

تقدیم به مسکین الله

و به یتیم و قائم آل ابراهیم ڠ

تقدیم به شکافنده دریا موسی بن عمران ڠ

این کلمات را درحالی تقدیم می کنم ومن

جز نقل کننده ای از قائم آل محمد امام مهدی ڠ نیستم.

این کلمات را به سرورم موسی بن عمران ڠ تقدیم می کنم در حالی که ای کلیم الله قلبم سرشار از توحید خداوند و محبت شما است.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَآ إِنَّ اللّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾

( گفتند ای عزیز همه اهل خود به فقر و قحطی گرفتار شدیم و با متاعی ناچیز و بی قدر به حضور تو آمدیم محبت فرما و به قدر احسانت بر ما بیفزا و از ما به صدقه ای دستگیری کن که خدا صدقه بخشندگان را نیکو پاداش می دهد).([[1]](#footnote-1))

\*\*\*\*\*



حمد و سپاس خداوند عالمیان راسزاست:

﴿وَكَذَلِكَ مَكَّنِّا لِيُوسُفَ فِي الأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ وَاللّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ﴾.([[2]](#footnote-2))

(بدين گونه ما يوسف را در سرزمين تمکین بخشيديم و به او تاويل خوابها را بياموزيم و خدا بر كار خويش چيره است ولى بيشتر مردم نمى‏دانند).

حضرت عیسی بن مریم ڠ فرمود: (ای مجمع حواریون نزد شما حاجتی دارم آنرا برای من انجام دهید) گفتند: آن را انجام شده بدان: ای روح الله. پس بلند شد و شروع به شستن پاهای حواریون نمود. گفتند: این کار بر ما سزاوارتر بود تا اینکه ای روح خدا شما این کار را انجام دهید؟ فرمود: (همانا من مستحق ترین مردم نسبت به خدمت خلق هستم، و همانا من تا این حد با شما متواضع بودم تا بعد از من شما نیز با مردم این گونه متواضع و فروتنى كنيد) سپس عیسی ڠ فرمود: (حکمت با تواضع آباد می شود نه با تکبر، و همچنین گیاه، بر روی زمین نرم می روید و نه بر تخته سنگ کوه).

برادران عزیز گیاه بر زمین نرم می روید نه بر تخته سنگ کوه ، به آن کس که بر روی زمین است رحم کنید تا کسی که در آسمان ها است به شما رحم کند، بر روی زمین متواضع باشید تا در آسمانها شناخته شوید، و بدانید که خلق، خانواده خداوند هستند، و محبوب ترین شخص نزد خداوند، مهربان ترین شخص با خانواده اش است. در میان یکدیگر با رحمت رفتار کنید و با کفار با شدت و قاطعيت برخورد كنيد.

خداوند می فرماید: ﴿مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاء عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاء بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾.

(محمد  پيامبر خداست و كسانى كه با اوهستند بر كافران سخت گير و با همديگر مهربانند آنان را در ركوع و سجود مى‏بينى و فضل و خشنودى خدا را خواستارند علامت یا مشخصه آنان بر اثر سجود در چهره‏هايشان است اين صفت ايشان در تورات و مثل آنها در انجيل چون كاشته‏اى است كه جوانه خود برآورد و آن را مايه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‏هاى خود بايستد و دهقانان را از انبوهى آن به شگفت آورد، خداوند كافران را به خشم دراندازد خدا به كسانى از آنان كه ايمان آورده و كارهاى شايسته كرده‏اند آمرزش و پاداش بزرگى وعده داده‏ است).([[3]](#footnote-3))

تعالیم انبیاء را بیاموزید و به آن عمل کنید که اعمال شما را خداوند و انبیاء و مرسلین و رسول خدا محمد مصطفى و ائمه و بندگان صالح خداوند ڠ خواهند دید، ﴿وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى \* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى \* ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاء الْأَوْفَى﴾ (و اينكه براى انسان جز حاصل تلاش او نيست \* و نتيجه كوشش او به زودى ديده خواهد شد \* سپس هر چه تمام تر وى را پاداش دهند).([[4]](#footnote-4))

یقین داشته باشید و بدانید که بنی آدم با یقین می تواند از رحمت خداوند برداشت کنند و آن را شامل حال خود کند و این گفتار حضرت نوح پیامبر و ابراهیم خلیل و موسی کلیم و عیسی مسیح و محمد بن عبدالله و ائمه اطهار ۏ است که: (به اندازه ی یقینت برداشت خواهی کرد) و اینکه انسان به مقدار سعی و تلاشی که می کند نتیجه خواهد گرفت، اولیاء خداوند با قدرت یقین مردگان را زنده می کردند و بيماران را شفا می دادند، دوستان عزیز باید بدانید که همانا یقین کلید دروازه ی عظیم الهی است.

هر کس یقین پیدا کند، هیچ قدرتی نیست مگر قدرت، فراعنه این زمان (آمریکا و هم دستان فرونشانده اراذل انها) به چشم او بسیار ناچیزتر پشه و مگسی خواهند بود. وچگونه برای کسی که در قلعه ودژ مستحکم الهی پناه گرفته باشد چنین نباشد.

نفس خود را نسبت به حق و باطل بسنجید تا از مقدار یقینی که به آن رسیده اید آگاه شوید، و ببیند که آیا شما امروز آمادگی این را دارید که جان و مال خود را در راه حسین بن علی ڠ فدا کنید. یا اینکه در این کار تردید داشته و در ظلمات دنیای بی ارزش و عشق به زندگی و جاه و مقام و ثروت و فرزند غوطه ور هستید؟!

دوستان عزیز بدانید که همانا امام حسین ڠ ذبیح الله و راه حسین ڠ همان قلعه مستحکم الهی است، دوستان بسیاری از مردم این زمان به امام حسین ڠ زمان نامه نوشتند و گفتند: ای فرزند رسول خدا به سوی ما بیا که همچون سربازانی جان بر کف در انتظار شما نشسته ایم؛ و هنگامی که به سوی آنها آمد و آنها را با اندکی از امور دنیوي وبا ترس از دجال بزرگ (آمریکا) امتحان کرده گفتند: ﴿فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلاإِنَّاهَاهُنَاقَاعِدُونَ﴾.  
(تو و پروردگارت برويد و جنگ كنيد كه ما همين جا مى‏نشينيم).([[5]](#footnote-5))

و گفتند: ﴿لاَ طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنودِهِ﴾.

(امروز ما را ياراى مقابله با جالوت و سپاهيانش نيست).([[6]](#footnote-6))

و باز هم در این زمان اهل کوفه تاریخ را تکرار کردند، شرم باد انچه که با دست خویش عمل نموده و با زبان خود از باطل گفتند، آنان بازماندگان قاتلين امام حسين ڠ هستند.

و به خدا قسم به سوی آنها نیامديم مگر بعد از اینکه هر صبح و شام ما را به سوي خود با تزرع و زاری فرا مي خواندند و از ظلم و جور ظالمین و فراعنه به تنگ آمده بودند، و هنگامی که در میان آنها آمديم با ما به ستیز پرداخته و شمشیر های خود را با ایمانشان بر علیه ما نشانه کردند و یاور دشمن علیه اولیاء خود شدند، پس آتش دوزخ نصیب آن کس باشد که دشمنانش در قیامت، اولیاء او باشند؛ در واقع دشمن آنها جدّم رسول الله  خواهد بود، ما به حكمیت خداوند راضی هستیم و قیامت وعده ماست و جهنم در انتظار آنها خواهد بود و در آن خواهند شد ننگ بر وارد شدگان ان باد.

ای انصار الله، ای انصار انبیاء و مرسلین، ای یاران امام حسین ڠ ، ای انصار امام مهدی ڠ تقوا پیشه کنید و یقین خود را استوار گردانید و ببینید که درغیاب امام مهدی ڠ چگونه از امانت ایشان نزد خودتان نگهداری می کنید ﴿قَالُواْ يَا أَبَانَا مَا لَكَ لاَ تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ \* قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَن تَذْهَبُواْ بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾.

( گفتند اى پدر تو را چه شده است كه ما را بر يوسف امين نمى‏دانى در حالى كه ما خيرخواه او هستيم \* گفت اگر او را ببريد سخت مرا اندوهگين مى‏كنید و مى‏ترسم از او غافل شده و گرگ او را بخورد).([[7]](#footnote-7))

حمد و سپاس خدای را: ﴿إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لاَّ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَهُم بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ \* وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَآئِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللّهِ مِن شَيْءٍ ذَلِكَ مِن فَضْلِ اللّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَشْكُرُونَ﴾.

(من آيين قومى را كه به خدا اعتقاد نداشته و منكر آخرت هستند رها كرده‏ام \* و آيين پدرانم ابراهيم و اسحاق و يعقوب را پيروى نموده‏ام براى ما سزاوار نيست كه چيزى را شريك خدا كنيم اين از عنايت‏خدا بر ما و بر مردم است ولى بيشتر مردم سپاسگزارى نمى‏كنند).([[8]](#footnote-8))

**مذنب مقصر**

**احمد الحسن**



سپاس مخصوص پروردگار جهانیان، مالک جهان هستی،جریان دهندۀ کشتی ها، رام کنندۀ بادها، شکافنده ی صبحگاهان، بر قرار كننده ی دیانت، پروردگار جهانیان. سپاس مخصوص خداوند است؛ کسی که از ترس او آسمان و ساکنان آن به خروش درآمده و زمین وهر آنکه به آبادی آن مشغول است به لرزه می اُفتد، واقیانوسها وهر آنچه که در اعماق آنها شناور است موّاج می گردند.

خداوندا بر محمد وآل محمد کشتی روان در گردابهای بی پایان درود فرست، هر کس برآن کشتی درآید در امان است، وهر که آنها را ترک کند غرق گردد، و هر کس از آنها پیش اُفتاده در ضلالت است، وآنکه از آنها پیروی نکند نابود شده، و کسی که آنها را همراهی کند به آنها ملحق می شود.

\*\*\*

سؤال /69: معنی این سخنان که در دعای سمات آمده چیست:

(... و به مجد و بزرگیت که بر طور سینا ظاهر گشت و بوسیله آن با بنده و رسول خود موسی بن عمران ڠ سخن گفتی و به طلوعت در ساعیر و به ظهورت در کوه فاران و در منازل مقدسین و سربازان صف کشیده ملائکه و خشوع ملائکه تسبیح گوی....)؟.

جواب: ساعیر سرزمین عبادت و توحید همان سرزمین مقدس است، یعنی بیت المقدس و هر آنچه اطراف آن است، و فاران جایگاه استغفار و توبه که همان مکه و اطراف آن می باشد، و پیامبری که در ساعیر مبعوث شد عیسی ڠ و پیامبری که در فاران مبعوث شد محمد  است.

اما آن مجد و بزرگی که بر طور سینا ظاهر گشت و به واسطه آن خدای تبارک و تعالی با موسی ڠ سخن گفت علی بن ابی طالب ڠ است و علی ڠ دروازه ی نزول فیض الهی است که بر خلق نازل می شود و علی ڠ مکلّم موسی ڠ و عصای موسی ڠ است و حقیقت عصای موسی ڠ صرفاً یک عصا نبود بلکه عصای حقیقی موسی ڠ که با آن دریا را شکافت و کلمات الله است: و در قران امده (همانا خدای من همراه من است و مرا هدایت خواهد نمود)([[9]](#footnote-9)) همان یقین راسخی که در قلب موسی ڠ بود، کلمات خداوند ویقین، علی بن ابی طالب ڠ است.

و اما (طلوعت در ساعیر): یعنی طلوع الله تبارک و تعالی در ساعیر و خدای تبارک و تعالی در ساعیر به واسطه عیسی بن مریم ڠ طلوع کرد، و طلعت به معنی در آمدن و ظهور جزئی و غیر کامل است و عیسی ڠ مثال الله تبارک و تعالی در خلق است لیکن به شکلی غیر کامل، و به این دلیل بعثت عیسی ڠ طلعت الله تبارک و تعالی توصيف شده است، به این ترتیب عیسی ڠ زمينه ساز بعثت محمد  بود چرا که طلعت از ظهور سبقت دارد.

(و ظهورت در کوه فاران): یعنی ظهور الله تبارک و تعالی، و این ظهور بعثت محمد  بود، و رسول اعظم محمد  [تجلي كامل] خود الله در خلق است، به این خاطر است که امام ڠ در دعای سمات از بعثت محمد  به عنوان ظهور الله تبارک و تعالی یاد می کند، و امام ڠ همانا با این دعا می خواهد بگوید که محمد  خود الله در خلق است و همانا بعثت او ظهور الله است و هر کس محمد  را بشناسد خداوند سبحان را شناخته و هر کس محمد  را بنگرد به خداوند نگریسته است و هر کس به محمد  نظر کند به خداوند نظر کرده است، و این حقایق امروز شروع به ظاهر شدن کرده و به فضل امام مهدی ڠ در حال روشن شدن است. خداوند می فرماید: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا \* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا \* وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ (سوگند به خورشيد و تابندگى‏اش \* سوگند به ماه چون پى خورشيد رود \* سوگند به روز چون آنرا روشن گرداند).([[10]](#footnote-10))

آفتاب: رسول الله محمد  و ماه: علی بن ابی طالب ڠ است که بعد از رسول الله  و پیرو ایشان است. و روز: حضرت قائم ڠ است، و اوست که فضل و مقام حقیقی و عظیم رسول الله  را جلی و آشکار می سازد. اگر به ظاهر آيه بنگريم، طبق روال طبیعی این عالم جسمانی، خورشید است که روز را ظاهر و روشن می سازد، اما خداوند در این سوره می فرماید: (و قسم به روز هنگامی که آفتاب را روشنى بخشد)، این به این دليل است که: درست است که امام مهدی ڠ ازرسول الله  و از نسل ایشان، ظاهر و تجلی پیدا کرده و لیکن او ست که در آخر الزمان حقیقت رسول الله  را برای مردم ظاهر و آشکار می سازد.

\*\*\*

سؤال/70: معنی این دو آیه چیست؟ ﴿قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ \*... يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ﴾؟

(كشته باد دروغگويان (و مرگ بر آنها) \*همانها كه در جهل و غفلت فرو رفته‏اند، \*و پيوسته سؤال مى‏كنند: «روز جزا چه موقع است»).([[11]](#footnote-11))

جواب: كشته باد دروغگويان (و مرگ بر آنها) \* یعنی کسانی که خواستار تغیر سرنوشت ، بر ضد تقدیر خداوند هستند، قطعاً هر تقدیری که مخالف تقدیر خداوند باشد تقدیری باطل و کاذب است، و اینها همان مخالفان تقدیر الهی هستند که به تقدیر و امر الهی دروغ می بندند و همان هایی هستند که امر قائم ڠ را دروغ می پندارند و به او ایمان ندارند چرا که آنها می خواهند که قائم ڠ طبق تقدیری که آنها دوست دارند بیاید نه طبق چیزی که خدای تبارک و تعالی برای ایشان مقدر ساخته است.

﴿الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ (آنان که در ضلالت و غفلت زیستند): یعنی همانا این قوم فریب دنیا را خورده و از آخرت و غیب و ملکوت غافل مانده اند و آنها از قائم ڠ غافلند و سرگرم دنیا و دویدن دنبال آن هستند. و هیچ فکر و ذکری جز دنیا ندارند، و آنها مخالف قائم ڠ و جهاد در رکاب ایشان و زحمت و تلاش در راه اعتلای کلمة الله هستند. آنها فقط به فکر دنیا هستند و در غفلت و فریب آن غرق شده اند و دین و قائم ڠ صرفاً کلماتی هستند که آنها را بر زبان خود می چرخانند و به واسطه آن با مردم سخن می گویند.([[12]](#footnote-12)) لکن حاضر نیستند او را یاری دهند چرا که مخالف آنها بوده و حیات مادي و مصالحشان را به خطر می اندازد.

﴿یَسألونَ ایّانَ یَومَ الدیّن﴾ (می پرسند پس این روز جزا کی خواهد بود): و این عذری خبیث است که به آن پناه می برند، و می گویند هنوز زمان قیام قائم ڠ نرسیده و هنوز زمان زیادی مانده است، و می گویند که هنوز دین پا بر جااست، هنوز ظلم و جور و فساد در همه جا منتشر نشده.([[13]](#footnote-13))

و تا آن روز زمان بسیار زیادی مانده است، و انگار نمی بینند که دنیا با آمریکا و پیروان او بلکه با خود آنها پر از ظلم و جور و ستم شده است؛ کسانی که ادعای سیر در صراط مستقیم را دارند.

- و مى‏پندارند كه كار خوب انجام مى‏دهند- ([[14]](#footnote-14)) و فسادشان آنها را تا حد دشمنی با قائم ڠ رسانده است، در حالی که به فضل و برکت ایشان و در سایه اسم مبارکش ڠ زنده اند؛ آنها نیک می دانند که قیام قائم ڠ یعنی پایان ریاء و دین باطل آنها و تقدیس آنها توسط جاهلان، به اين خاطر است كه سعی دارند مردم را از روی آوردن به قائم ڠ و یاریش منصرف ساخته و در واقع آنها همان کسانی هستند که در دعای ﴿اِنَّهُم یَرَونَه بَعیداً﴾ (آنها آن روز را بسیار دور می بینند)([[15]](#footnote-15)) از آنها یاد شده، می پرسند آن روز کی خواهد بود؟.

\*\*\*

سؤال/71: سید خمینی (ره) در اربعین می فرماید: (همانا که عبادات ما نزد خداوند از گناهان بزرگ است) این گفته تا چه حد صحت دارد؟.

جواب: اگر قصد ایشان نفس عبادت بوده، صحیح نیست. اما اگر مقصود ادای طاعت باشد، بله درست است. به این دلیل که گناه مردم در نوع ادای طاعت است و آنها در واقع نمی دانند که چه کسی را عبادت می کنند، بلکه بیشتر مردم از خداوند تبارک و تعالی غافل مانده و در حالی که هنگام نماز در حضور خداوند ایستاده اند، افکار گوناگون همانند امواج آنها را به این طرف وآن – شما و جنوب - طرف می برند.

برای این که این مسئله برای شما واضح تر شود مثالی برایتان می آورم؛ اگر شما در حضورشخصی مهم و بسیار بلند مرتبه باشید و با او صحبت کنید و آرزو داشته باشید که به شما توجه کند و با شما صحبت کند، درست وقتی که این شخص به شما روی کند و بخواهد با شما صحبت کند، شما از او روی برگردانید و خود را با چیزی بسیار بی ارزش مشغول کنید آیا این شخص از شما خشمگین نمی شود؟؟ و اگر خشمگین شد آیا دیگران به وی حق نمی دهند؟ و شما را سرزنش کرده و سفیه نمی خوانند؟

همچنین حتی کسی که در حضور خداوند دچار افکار گوناگون نمی شود و با نهایت خضوع و خشوع در نمازش از هر چه غیر خداوند است جدا می شود نیز به طریقی ديگر از خداوند روی گردان است و آن به میزان جهلش نسبت به خدای تبارک و تعالی[و معرفت حقيقى خداوند] مى باشد.

\*\*\*

سؤال/72: آیا ارتباطی بین اصحاب کهف و داستان موسی ڠ و آن عالم ربانی ڠ و یا بین ذوالقرنین و حضرت قائم ڠ یا علامات ظهور و زمان ظهورش یا یاران و انصار و دشمنان ایشان وجود دارد؟

جواب: داستان اصحاب کهف معروف است و به طور مختصر، داستان مردان مؤمنی است که تعدادشان هفت نفر بوده که از طاغوت زمان خود نافرماني كردند، و این طاغوت متشکل از دو جهت بود:

**اول**: حاکم ظالم جائر و کافر.

**دوم**: علمای گمراه دین، که دین خدا و شریعت را تحریف کردند.

و هر یک از این طاغوت ها خود را به عنوان خدایی منصوب کرد که می بایست به جای خداوند عبادت شود. حاکم ظالم به جای خداوند خود را الهی که در امور دنیا و معاش بندگان و سیاست آنها عبادت می شد منصوب کرد.

و علمای گمراه و غیر عامل به جای خداوند خود را به عنوان خدایی که در امور دین و شریعت عبادت می شد منصوب کردند. به این ترتیب این هفت جوان خود را از عبادت طاغوت رها کرده و به آن کفر ورزیدند.

و این کفر به طاغوت خود ( ابتدای هدایت) به حساب می آید. خداوند نیز از طریق شناساندن راه خود و راه ایمان و راه تلاش برای اعتلای کلمه ي الله بر هدایت آنها افزود.

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدى﴾.

[آنها جوانانى بودند كه به پروردگارشان ايمان آوردند، و ما بر هدايتشان افزوديم].([[16]](#footnote-16))

﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقاً﴾

[و (به آنها گفتيم) هنگامى كه از آنان و آنچه جز خدا مى‏پرستند كناره‏گيرى كرديد، به غار پناه بريد; كه پروردگارتان (سايه) رحمتش را بر شما مى‏گستراند; و در اين امر، آرامشى برای شما فراهم مى‏سازد].([[17]](#footnote-17))

و اصحاب کهف در زمان قیام قائم ڠ ، جوانانی در کوفه و بصره هستند.([[18]](#footnote-18)) طبق روایات اهل بیت ۏ سر امام حسین بن علی ڠ بعد از شهادت بارها به حرف در آمده ([[19]](#footnote-19))، و بیشتر از یک بار شنیده شد که این آیه را تکرار می کند: ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَباً﴾.

[آيا گمان كردى اصحاب كهف و رقيم از آيات عجيب ما بودند]؟.([[20]](#footnote-20)) **و نیز شنیده شد که از این آیه فقط این قسمت را می خواند**:(**آیا قصه اصحاب کهف و رقیم واقعه عجیبی است**).

و آن به خاطر این است که اصحاب کهف، که از اصحاب قائم ڠ نیزخواهند بود، آن کسانی هستند که انتقام خون امام حسین ڠ را می گیرند وسلطه ي ظالمین را به یک باره زیرورو می کنند و به این خاطر است که از سر امام حسین ڠ این جمله شنیده شد: ﴿وَ سَیَعلَمُ الَّذینَ ظَلَموُا ايَّ مُنقَلَبٍ یَنقَلِبوُن﴾.

همچنین اصحاب قائم ڠ قومی عابد و مخلص خداوند تبارک و تعالی هستند که قدرت را جز در خداوند نمی بینند. به خدا ایمان دارند و به او توکل کرده اند و با بزرگترین و قویترین قدرت ظلم و استکبار بر روی زمین روبرو می شوند که این قدرت مملکت آهنین است که تمام ممالک روی زمین را زیر پای خود قرار داده، همان گونه که دانیال نبی ڠ از آن خبر داده است و این قدرت و دولت شیطان به نام آمریکا معروف است.

به این خاطر است که سر امام حسین ڠ این آیه را می خواند: ﴿لا قُوَّةَ اِلاّ بِالله﴾ (قدرتی وجود ندارد جز در خداوند) چرا که انتقام خونش را نخواهد گرفت مگر آنان که مصداق این آیه کریمه باشند ﴿لا قُوَّةَ اِلاّ بِالله) در روایتی آمده است که: (وقتی سر امام حسین ڠ را از تنش جدا کردند آنرا بر درختی آویزان کردند شنیده شد که آن سر به حرف در آمده و می گفت: ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ﴾ ([[21]](#footnote-21)) (آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست).

و نیز صدایش در دمشق شنیده شد که می گفت: هیچ نیرو و قدرتی وجود ندارد جز در خداوند. و شنیده شد که می گفت: آیا قصه اصحاب کهف و رقیم واقعه ی عجیبی است. و در روایت آمده است که زید بن ارقم به او می گفت: که امر تو به خدا عجیب تر است ای پسر رسول خدا).([[22]](#footnote-22))

شیخ مفید (ره) روایت می کند که زید بن ارقم شنیده است که سر امام حسین ڠ به سوره کهف به حرف در آمده و منهال بن عمرو می گوید که سر حسین ڠ می فرمود: از اصحاب کهف عجیب تر قتل من و حمل من.([[23]](#footnote-23))

اما روایتی که ذکر می کند که اصحاب کهف همراه قائم ڠ مبعوث می شوند همچنين بعضی از اصحاب مخلص رسول الله  و امیر مؤمنین ڠ همچون مالک اشتر و... در ركاب امام زمان خواهند بود،مقصود در این جا خود آنها نمی باشد بلکه مراد در این روایات این است که افرادی نظیر آنها، اصحاب قائم ڠ هستند یعنی مردی از اصحاب قائم ڠ وجود دارد که در شجاعت و بصیرت و فرماندهی و شدت يقيين در ذات خداوند و طاعت خداوند و اخلاق کریمه و بسیاری از صفاتی که مالک اشتر از آنها برخوردار بود، نظیر مالک اشتر است، پس به این خاطر ائمه ۏ او را به مالک اشتر تشبیه می کنند.

و این امر از اهل فصاحت و بلاغت و سادات آنها اهل بیت ۏ بعید نیست مانند یکی از شعرای حسینی که ورود علی اکبر را به میدان مبارزه را به ورود محمد  به میدان تشبیه می کند آن هم به خاطر شباهت زیادی است که علی اکبر در خُلق و خلقت به حضرت محمد  دارد با اینکه عده ای از اصحاب ائمه ۏ که با اخلاص تمام همراه حق بوده اند در زمان بعد از دوازده مهدی و در زمان رجعت دوباره برمی گردند و با کفر می جنگند، در زمان آخرین مهدی که آخرین قائم به حق از آل محمد  است، امام حسین ڠ رجعت مى كند و بر جسدش حضور می یابد چرا که او فرزندی نخواهد داشت.([[24]](#footnote-24))

اما قصه عبد صالح ڠ با حضرت موسی ڠ این است که موسی ڠ در علمی که خداوند به او عطا فرمود دچار خود بزرگ بينى شد، بعد از اینکه بر طور سیناء با وی سخن گفت. خدای تبارک و تعالی به جبرئیل ڠ امر فرمود: او را به اتباع عالِم ڠ امر کند. موسی ڠ نیز همراه یوشع ڠ در طلب عالِم ڠ به راه افتاد و این داستانی است که در قرآن آمده و در آن سه امر مهم وجود دارد که:

**1 –** قصه آن کشتی و صاحبان آن:

که ملك عده ای از مؤمنین مخلص بوده که مساکین الله بودند یعنی مسکین در طاعت و عبادت خداوند و این مؤمنین و مسکینان الله در حال تضرع و دعا به سوی خداوند بوده که آنها را از پادشاه ظالم و سربازانش که کشتی ها را به زور به خدمت پادشاه برای کارهای شیطانیش در می آوردند دور سازد و این مؤمنین نمی خواستند کمکی به این طاغوت باشندتا شريك جرم او گردند، هنگامی که کشتی آنها را به خدمت کارهای شیطانی خود در می آورد و نیز از طرفی نمی خواستند کشتی خود را از دست بدهند بنابراین خداوند دعای آنها را مستجاب کرده و آن عالِم ڠ را نزد آنها ارسال کرد که آنها و کشتی را از دست طاغوت نجات دهد عالِم ڠ هم عیبی ظاهری در کشتی ایجاد کرد که سبب رها کردن کشتی از دست پادشاه و ترک آن در دریا شود.

**2 –** قصه جوان كشته شده:

جوانی بود که والدین او مؤمنانی صالح و مخلص برای خداوند بودند و همیشه نزد خداوند بسیار تضرع و دعا می کردند که به آنها ذریت و نسلی صالح و بی گناه عطا فرماید و آنها را از شر فرزند ناخلف برهاند. و این جوان در ظاهر جوانی صالح بود چون فرزند افرادی مؤمن و از حیث طهارت ظاهری شبيه به آنان بود. و به این خاطر بود که موسی ڠ درباره او گفت: ( نفس زکیه) ، چرا که او در حال حاضر فرزند افراد مؤمنی بود و هنوز کفر و فساد او ظاهر نشده لکن خدای تبارک و تعالی می دانست که در نفس او چه – منیت - و تکبر بر امر خداوند و حجتهایش وجود دارد.

و این نفس خبیث از دشمنان انبیاء و مرسلین ۏ است و به این خاطر خداوند آن عالِم ڠ را ارسال فرمود که آرزوی والدین مؤمن را در داشتن فرزند مؤمن و صالح برآورده کند و هیچ راهی برای جداکردن آن جوان از والدینش وجود نداشت مگر با کشتن او به دستور خداوند و به استجابت دعای والدینش. و در شرایع سابق پدر اجازه قربانی کردن فرزندش را داشت، قصه حضرت ابراهیم ڠ که می خواست فرزندش را قربانی کند و قصه عبدالمطلب ڠ که وصی بود و می خواست فرزندش را در راه خدا قربانی کند بسیار مشهور است. سپس بعد از آمدن اسلام این حکم منسوخ شد و پدر حق نذر کردن فرزند را ندارد اكنون نيز قاتلی قصاص می شود به جز پدری که پسرش را کشته باشد، بنابراین کسی که طلب قتل آن جوان را کرد پدرش بود طوری که خود او هم نمی دانست که در واقع دعایش موجب هلاکت فرزندش شده است، پس کسی که دستور قتل جوان را صادر کرد خداوند بودو کسی که دستور را به انجام رسانید عالِم ڠ بود و در این مسئله هیچ اختلافی در شریعت ظاهری وجود ندارد در صورتی که خیلی ها دچار توهم شده و فکر می کنند که این مسئله قصاص قبل از جنایت است چرا که قتل آن جوان به طلب پدرش انجام شد در صورتی که نمی دانست که دعایش به قتل پسرش خواهد انجامید.

همان طور که عده ای از امور وجود دارد که دانستن آنها شاید سؤالات زیادی را در مورد قصه موسی ڠ با عالِم ڠ پاسخ دهد که عبارتند از:

1 – شخص عالِم ڠ توانایی دیدن حال و آینده را در باطن افراد داشت ولی موسی ڠ باطن را فقط در زمان حال می دید.

2 – شخص عالِم ڠ اگر آن جوان را جلوی انظار مردم به قتل می رساند مردم به او اجازه رفتن نمی دادند ولى مردم عالِم ڠ را آن گونه که موسی ڠ می دید نمی دیدند.

3 – مسئله قتل آن جوان همانند قبض روح شخصی به دست ملک الموت است اگر كسي به دليل حادثه اى بميرد ما مى توانيم بگوييم كه ملك الموت مسؤل اين مرگ است و هر دو دليل صحيح است.

4 – امری که از جانب خداوند به شخص عالِم ڠ داده شد اجمالی بوده و تفصیلی نداشت. برای مثال امر این گونه است که: ( کشتی را برای این مساکین حفظ کن) و خداوند او را به حفظ کشتی به واسطه معیوب کردن آن امر نفرمود و اين تصميم خود آن عبد صالح بود، به این دلیل است که عیب را به خود نسبت می دهد، خداوند می فرماید: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.([[25]](#footnote-25))

[اين عطاى ما است، به هر كس مى‏خواهى (و صلاح مى‏بينى) ببخش، و از هر كس مى‏خواهى امساك كن، و حسابى بر تو نيست (تو امين هستى)! و در روایتی از پیامبر  آمده است که: (همانا خداوند از بدو خلقت اجسام به آنها نظر نکرده است).

**3 –** قصه دیوار فروريخته:

دیوار مذكور ديوار خانه دو پسر یتیم بود (یعنی اینکه اشخاص صالحی بودند) و یتیم به کسی گفته می شود که در میان قوم خود تنها است و کسی در اصلاح و تقوی و طاعت خداوند به پایش نمی رسد؛ و گنجی از اموال و جواهرات که زیر دیوار مدفون شده بود كه آن را پدرشان برای آنها به جای گذاشته بود و نیز نصیحتی برایشان نوشته بود و آن را همراه آن گنج پنهان کرده بود،در واقع آن نصیحتی که از پدر برای فرزندان به جا مانده بود گنج واقعی است نه مال و ثروت. و آن نصیحت بنا به فرموده امام صادق ڠ چنین بوده: (همانا من خدایی هستم که خدایی جز من نیست، هر کس به مرگ یقین پیدا کند دیگر نخواهد خندید، و هر کس به روز حساب اقرار کرد قلبش شاد نخواهد شد، و هر کس به تقدیر ایمان پیدا کند جز از خدایش از کسی نخواهد ترسید).([[26]](#footnote-26))

و این حکمت و نصیحت در واقع نبردی بر علیه بخل و تنگ نظری اهل آن روستا بود که حاضر نشدند آنها را اطعام کنند و دلیلی دیگر برای بنای دیوار.

و برای متوسمین [آنان كه بينش را از خدا طلب مي كنند]- ال محمد ڠ - آیتی دیگر در ساخت آن دیوار وجود دارد، و آن هم این است که ديوار مانع و حصاری بود بین اهل آن روستا و اخلاق کریمه یا گنج دو پسرک یتیم. و در حقیقت عاملی که باعث ساخت آن دیوار شد همان بخل و تنگ نظری اهل آن روستا بود، و در ساخت دیوار آیاتی وجود دارد که جز عالمان آنها را درک نمی کنند.

پس باید بدانیم که: همانا عمل آن عالِم ڠ همچون عمل ملائکه بوده که: در سخن از او پیشی نمی گیرند و به امر او عمل می کنند صرفاً مجری امر الهی بود و آن سه عملی را که انجام داد به امر خدای تبارک و تعالی بوده که به طلب صاحبانشان و به استجابت دعایشان بوده است. پس کشتی به طلب صاحبانش سوراخ شد و آن جوان به طلب والدینش به قتل رسید و دیوار هم به طلب پدر آن دو پسرک یتیم بنا شد. و همه این اعمال در پاسخ دعا و تضرع افرادی مؤمن و مخلص به خداوند انجام گردید.

و همه کارهای عالم ڠ نتیجه بسیار با برکتی برای صاحبانش داشت. آن کشتی برای صاحبانش حفظ شد و دیگر مجبور نبودند که به پادشاه ظالم کمک کنند و آن جوانی که باطنی سیاه و پلید داشت کشته شد و خداوند به والدینش به جای او دختری عطا فرمود که دارای فطرتی پاک بود و بعدها فرزندانی به دنیا آورد که به پیامبری رسیدند. و دیوار از مال و ثروت و حکمت محافظت کرد که به کسی غیر از اهل آنها نرسند.

در این باره امام صادق ڠ می فرماید: (همانا مثال کشتی در شما و ما همچون گذشتن حسین ڠ از بیعت برای معاویه بود و مثال آن جوان در شما گفته حسن بن علی ڠ به عبید الله بن علی است که به او گفت: لعنت خدا بر تو باد ای کافر که به او گفته شد او را کشتی ای ابا محمد و مثال دیوار در شما علی و حسن و حسین ڠ است).([[27]](#footnote-27))

و در زمان قائم ڠ هم کشتی و جوان و دیواری که زیر آن گنجی نهفته است وجود دارد، کشتی همان امر اصحاب قائم ڠ است که عیب دار می شود که از دست طاغوتها در امان باشد (در میان شبهه ظهور می کند که آشکار شود)([[28]](#footnote-28))، اما جوان کشته شد چون باطنی سیاه داشت و به درد ابلیس (لع) دچار بود: (من از او بهترم) و در روایات اهل بیت ۏ آمده است که قائم ڠ یکی از اصحاب نزدیک خود را که تحت امر اوست به قتل می رساند. و گنج هم از زیر آن دیوار خارج شده و بین مردم پخش می شود که همان علم آل محمد  است.

امام صادق ڠ در روایتی می فرماید: (تمام علم بر بیست و هفت حرف می باشد و تمام علمی که همه فرستادگان آورده اند بر دو حرف است و تا امروز مردم بر غیر از دو حرف از علم مطلع نیستند که اگر قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر علم را خواهد آورد و آن را به دو حرف قبل اضافه خواهد کرد که آن را بر بیست و هفت حرف بگستراند).([[29]](#footnote-29))

اما داستان ذوالقرنین را اهل بیت ۏ در روایات آشکار کرده اند و مهمترین جای این داستان این است که ذوالقرنین در زمان ما خود حضرت قائم ڠ است.

از امیر المؤمنین ڠ در باره ذوالقرنین پرسیده می شود که آیا پیامبر بوده یا فرمانروا؟ امام فرمود: (نه پیامبر و نه فرمانروا، بلکه بنده ای بود که خداوند را دوست داشت و خداوند نیز او را دوست می داشت در راه خشنودی خداوند پای نهاد خداوند هم برایش خوش خواست؛ و او را به سوی قومش مبعوث کرد. قومش هم با او بد کردند و به اصطلاح ضربه ای بر شاخ راستش زدند او هم مدت زمان زیادی و به اندازه ای که خداوند خواست از قومش دور شد، سپس خداوند دوباره او را به سوی قومش مبعوث کرد و این بار نیز قومش با او بد کرده و ضربه ای بر شاخ چپش زدند، این بار هم به اندازه ای که خداوند خواسته بود از قومش دور شد و بعد برای بار سوم خداوند او را براي هدايت مردم فرستاد و او را در زمین تمکین داده که در شما هم مثال او وجود دارد).([[30]](#footnote-30))

روایتی از امام باقر ڠ نقل مى شود كه می فرماید: (همانا ذوالقرنین بین دو نوع ابرمخیّر گردید که او (ذلول) [ابر با طوفان ضعیف و کوچکتر] را برگزید، و(الصعب)[ابر باطوفان بزرگتر و قویتر]، برای صاحبتان ذخیره گردید به ایشان گفته شد: که (الصعب) به چه معنا است؟ ایشان فرمود: (یعنی طوفانی که در آن رعد و برق و صاعقه باشد که صاحبتان بر آن سوار می شود. او سوار بر باد شده و در اسباب بالا خواهد رفت، اسباب هفت آسمان و هفت زمین که پنج تای آن آباد و دوتای آن خراب است).([[31]](#footnote-31))

فرموده امیرالمؤمنین ڠ (و مثال او در شما هست) یعنی حضرت قائم ڠ که مردم را دعوت می کند و به او می گویند( برگرد ای فرزند فاطمه) سپس بار دیگر مردم را دعوت می کند و نیز بار دوم هم به او می گویند که ( برگرد ای فرزند فاطمه) و در بار سوم خداوند او را بر کشتن آنها تمکین می دهد و آنقدر از آنها می کشد تا خداوند از او راضی و خشنود گردد و تا آنجا پیش می رود که یکی از کسانی که بسیار به او نزدیک است به او می گوید: که شما مردم را به هراس می اندازید مانند هراسان کردن گوسفندان ممكن است مردم بگویند که این شخص از آل محمد ۏ نیست اگر از آل محمد ۏ بود به مردم رحم می کرد و این بنا بر روایاتی است که از اهل بیت ۏ بر جای مانده است.

امیدوارم مسائلی که ذکر کردم برای مؤمنین مفید واقع شود با اینکه در این سه داستان اسرار فراوانی وجود دارد که آنها را روشن نکردم. و نتیجه ای را که می خواهم بیان کنم این است که این سه داستان ارتباط بسیار محکمی با حضرت قائم ڠ و اصحاب او و علامات ظهور او دارد.

\*\*\*

سؤال/73: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْأِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [جن و انس را نيافريدم جز براى اينكه عبادتم كنند (و از اين راه تكامل يابند و به من نزديك شوند)]([[32]](#footnote-32)) يعني چه؟ در روایات اهل بیت ۏ آمده که: (الا لِیَعبُدون: یعنی: لیعرفون) یعنی اینکه من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا بشناسند. مراد از این معرفت چیست و چگونه صورت می پذیرد؟.

جواب: معرفت: یعنی معرفت خدای تبارک و تعالی: و این معرفت از طریق عبودیت صورت می پذیرد. و انسان از طریق عبودیت به سوی ربوبیت عروج می کند، و از طریق ربوبیت است که می توان ربوبیت را شناخت. چگونه می توانید آتش را بشناسید مگر اینکه خود آتش شويد پس بنده نمی تواند از طریق عبودیت ربوبیت را بشناسد مگر اینکه خود رب باشد، یعنی اینکه خود وجه خدای تبارک و تعالی باشد، و ربوبیت از طریق عبودیت شناخته نمی شود، و همانا حاصل عبودیت همان معرفت ربوبیت است.

\* \* \*

سؤال/74: معنی این آیه چیست: ﴿... أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلاثَ وَرُبَاعَ﴾.([[33]](#footnote-33))

(فرشتگان را رسولانى قرار داد داراى بالهاى دوگانه و سه‏گانه و چهارگانه. سپس اینکه داشتن سه بال ملائكه را دچار اختلال توازن نمی کند)؟.

جواب: شناختی که ما از بال داریم و نزد ما متعارف است آن است که پرنده توسط آن پرواز کرده و در هوا ارتفاع می گیرد همچنین ملائکه ۏ توسط بالهایشان در آسمان ارتقاء می یابند و هر چه بالهایشان بیشتر شود بیشتر ارتقاء پیدا کرده و مقاماتشان بالا می رود، و هر بال برای ملائکه در واقع نامی از نامهای خدای تبارک و تعالی است.

فطرت ملائکه بر شناخت بعضی از اسماء خداوند است نه همه آنها: همانند احوال انسان. پس فرشته ای که یکی از نامهای خداوند را بشناسد یک بال دارد که با آن ارتقاء می یابد و آنکه دو نام از نامهای خداوند می شناسد دارای دو بال و آنکه سه نام بشناسد دارای سه بال می باشد.

\*\*\*

سؤال/75: معنی ﴿إِنَّ لَكَ فِي اَلنَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾ [و تو در روز تلاش مستمر و طولانى خواهى داشت]([[34]](#footnote-34)) چیست؟

جواب: یعنی اینکه در طول روز كارهاي زیادی برای شما در نشر دعوت توحید و اعتلای کلمه ي الله و تسلیم برای خدای تبارک و تعالی وجود دارد، پس در این عمل و جهاد در راه خداوند از بیداری شب یاری بطلب، نه با خواب بنا به تصویر غلط بعضی افراد غافل.

\*\*\*

سؤال/76: معنی این آیه چیست؟ ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾.

(سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهايى كه داشته‏ايد بازپرسى خواهيد شد).([[35]](#footnote-35))

جواب: این نعمتها در واقع محمد و آل محمد ۏ هستند همان گونه که در روایات اهل بیت ۏ آمده است([[36]](#footnote-36))، سؤال درباره آنها در روز قیامت، به خاطر شأن و منزلت بزرگ آنها نسبت به انبیاء و مرسلین است که قبل از آنها آمده بودند. و انبیاء و مرسلین و محمد و آل محمد ۏ انواری هستند که راه را برای امتهای خود روشن کردند، و توسط آنها راه خداوند شناخته می شود، و حق و باطل با سیرت و راه و روش و حکمت و گفته ها و اعمال آنها از هم متمایز می شوند، و محمد و آل محمد ۏ نور خدای تبارک و تعالی هستند.([[37]](#footnote-37))

آنها مانند خورشید هستند که راه را برای این امت اسلامی روشن کردند، متأسفانه این امت از آنها جدا شده و به سیرت آنها اقتداء نمی کنند. اما بقیه انبیاء و مرسلین ۏ به نسبت محمد و آل محمد ۏ مانند شمعهستند که راه را برای ملتهای خود روشن نمودند خداوند سبحان تهدید می کند که از این امت درباره محمد و آل محمد ۏ سؤال خواهد کرد.

چرا که راهی که با شمع روشن گردد هرگز به روشنی راهی نسیت که با خورشید روشن می شود، و کسی که سرگردان شود و راهش را گم کند در حالی که این راه با خورشیدی روشن و سوزان روشن شده باشد اولی تر است که مورد حساب و عقاب قرار گردد.

از امیر المؤمنین ڠ درباره کسانی که نعمت خدا را با کفر عوض کردند پرسیده شد, فرمود: (بگذارید در بدیهایشان بمانند که آنها مردم قریش هستند).([[38]](#footnote-38))

و در زمان رسول الله  قریش: همان کسانی بودند که اطراف کعبه و در ام القری و در مکه زندگی می کردند و در زمان قائم ڠ قریش: آنهایی هستند که گردا گرد ضریح امام علی ڠ در ام القری این زمان که نجف است زندگی می کنند، و از قریش در این زمان بعضی از علمای دین هستند، آنهایی که حضرت قائم ڠ پانصد نفر از آنها را گردن خواهد زد و این کار را شش مرتبه تکرار می کند.([[39]](#footnote-39))

همان گونه که در روایات اهل بیت ۏ آمده قائم ڠ شهر نجف را فتح می کند همانند مکه که با شمشیر فتح شد و جنگجویان آن را به قتل می رساند و در نجف آنقدر از آنان می کشد تا خداوند از او راضی و خشنود گردد.([[40]](#footnote-40))

\*\*\*

سؤال/77: در دعا آمده است: (خداوندا طلبم از تو این است که جمیع خیر دنیا و جمیع خیر آخرت را به من عطا فرمايي ، و طلبم از تو این است که جمیع شر دنیا و شر آخرت را از من دور فرمايی) چرا گفته می شود (جمیع خیر آخرت)؟ و در شر می گوید (شر آخرت) و نمی گوید جمیع شر آخرت)؟

جواب: خیر آخرت مراتب بسیاری دارد از جمله جنات و مقامات و درجات و هر انسانی به میزان سعی خود در تحصیل این مقامات و جنات و درجات آنها به دست می آورد. ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى \* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى \* ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى﴾.([[41]](#footnote-41))

[اينكه براى انسان بهره‏اى جز سعى و كوشش او نيست \* و اينكه تلاش او بزودى ديده مى‏شود \* سپس به او جزاى كافى داده خواهد شد].

کسی که این دعا را می خواند جمیع این مقامات و جنات را طلب می کند، چرا که تفاوت بین یک بهشت و بهشتی دیگر و بین مقام و و مقامی دیگر بسیار زیاد است. و هر کس که بهشتی در آسمان دوم برای او نوشته شد سعی می کند که بهشتی در آسمان سوم برای او نوشته شود، به این ترتیب که امید داشته باشد و بالاترین مقامات را که رضای خداوند سبحان است طلب کند.

اما شر آخرت: جهنم است، و وارد جهنم نمی شود مگر آنکه مورد غضب خدای تبارک و تعالی واقع شود پس آن کس که دوری از شر آخرت را طلب می کند که همان جهنم و غضب الهی است می خواهد که مطلقاً در آن پای نگذارد یعنی همه طبقات آن و جمیع درجات عذاب آن، و جهنم در واقع شری واحد است و اول و آخر آن یکسان است چرا که جهنمی نخواهد بود مگر از جانب غضب الهی و عذاب او بر بنده او، بنابراین کافی خواهد بود که بنده از شر آخرت به خداوند پناه ببرد بدون اینکه کثرت آن را بیان کند، و در حقیقت این شر، شری است که اندک آن هم بسیار است و شری واحد است برای آنکس که آنرا شناخته بدون آنکه در آن پای بگذارد، و از جهتی دیگر چیزی به نام سجل حیات وجود دارد که ملائکه نامهای اهل بهشت را در آن ثبت می کنند، و هر کس که نامش در سجل حیات ثبت شود برنده خواهد بود و از خداوند می طلبد که او را در مقامات و بهشتها بالاتر ببرد و جاي دهد اما آن کس که نامش در این سجل ثبت نشود از اهل آتش خواهد بود، و نوشتن اسم در این سجل بر درجات و مقامات مختلفی خواهد بود پس طلب دعا کننده برای تحصیل جمیع این درجات و مقامات است، اما عدم نوشته شدن اسم در این سجل همان شر آخرت است که امری واحد است پس طلب دعاکننده برای دور کردن اوست از این امر واحد.

\*\*\*

سؤال/78: در دعای کمیل آمده است: (پروردگارا حکمی را بر من جاری ساختی، که در آن از هوای نفس خود تبعیت کردم، و در آن مواظب زيبا جلوه دادن گناه از سوي دشمن خود نبودم، و مرا با آنچه که دوست دارم فریب داد، در چیزی که از او بر من جار ی گشت از بعضی حدود تو تجاوز کردم، و بعضی از اوامر تورا مخالفت کردم، و بر من در جمیع آنها حجت از آن توست، و در چیزی که از قضاوت تو بر من جاری شد حجتی برای من نیست، و حکم تو و بلای تو مرا ملزم ساخت،و به سوی تو آمدم،خداوندا، بعد از تقصیرم، و اسرافم بر نفس خود، در طلب بخشش آمدم پشیمان و شکسته دل وگريه كنان به طلب استغفار آمده ام، دست به دامان تو شده ام و اقرار کنان و اذعان كننده به خطاي خود و اعتراف کننده آمده ام، و از اعمالی که از من سرزده است راه فراری نمی یابم، و نه یاری دهنده ای که در امر خود به سوی او بروم، غیر از اینکه تو عذر مرا بپذیری و مرا در سعه ای از رحمت خود داخل سازی).

1 – معنی این کلمات در دعا چیست؟

2 – همانا دعا کننده امیر المؤمنین ڠ است، چگونه ممکن است این تجاوز و مخالفت خداوند از وی سر بزند؟ در حالی که ایشان سید اوصیاء و جداکننده اهل آتش و بهشت است و معصوم از تجاوز و مخالفت با امر خداوند است؟

جواب: (جاری نمودی) در اینجا از جریان آب گرفته شده، که اگر جریان آب به سوی شما در حرکت باشد ناگزیر شما را با خود خواهد برد. (و حکم كردى) یعنی انجام شدن – قضا- یا پیمودن بعد از قدر و تقدیری که قبل از آن بود، و (هوای نفس و دشمن) همان قرین است که همان نقطه سیاهی است که در فطرت انسان وجود دارد([[42]](#footnote-42))، یا همان شائبه ظلمت در وجود انسان، و **(حکم اجرا شده)** همان قبول این نقطه سیاه یا شائبه ظلمت در وجود انسان توسط خود اوست، یعنی رضایت انسان از وجود خود یا قبول این وجود افتراضی، و (**از حدود تو تجاوز کردم..... و او امر تو را مخالفت کردم)** یعنی قبول کردن وجود خود که از شائبه یافتن ظلمت در این وجود تحقق می یابد، پس من از حدود تو تجاوز کردم و امر تو را مخالفت کردم در حالی که این تجاوز و مخالفت همان گناهی است که هرگز از انسانیت انسان جدا نمی شود و بدون آن چیزی جز خداوند واحد قهار باقی نمی ماند، و این تجاوز و مخالفت به این معنی است که: من به اندازه ی محمد  برای برطرف کردن این شائبه عدم تلاش نکردم.

حضرت علی ڠ در رتبه ای پایین تر از رسول الله محمد  است، و محمد  کسی است که حجاب لاهوت برایش برداشته شد و خداوند این گونه ایشان را مورد خطاب قرار داد: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً\* لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾.([[43]](#footnote-43))

(ما براى تو پيروزى آشكارى فراهم ساختيم \* تا خداوند گناهان گذشته و آينده‏ كه به تو نسبت مى‏دادند ببخشد (و حقانيت تو را ثابت نموده).

و این گناه همان شائبه ظلمت و عدم است و همان مخالفت و تجاوز اول است.

اما امیر المؤمنین ڠ فرمود: (اگر حجاب برای من برداشته شود...)([[44]](#footnote-44)) و این حجاب لاهوت برایش برداشته نشد مگر با محمد  پس علی ڠ خداوند را با محمد  می شناسد یعنی اینکه علی ڠ خداوند را با الله در خلق که محمد  است می شناسد.

دلیل آن هم این است:

چرا که من در رسیدن و همراهی محمد  در همه احوالش مقصر بودم، و حضرت محمد  را حالتی با پروردگارش بود که امیر المؤمنین ڠ آن حالت را نداشت بلکه هیچ یک از انبیاء و مرسلین ۏ را از این حالت نصیبی نبود. و رسول الله  به اینکه قرینش مسلمان شد اختصاص پیدا کرد، چرا که در لحظات کشف حجاب و فتح المبین از شائبه ظلمت و عدم چیزی باقی نمی ماند، و از محمد  نیز چیزی باقی نمی ماند، بلکه جز خدای واحد قهار چیزی باقی نمی ماند، نوری که هیچ ظلمتی در آن نبود پاک و منزه باد خدای تعالی از شرک مشرکان.

در چیزی که از قضاوت تو بر من جاری شد حجتی برای من نیست و حکم تو و بلای تو مرا ملزم ساخت: پس حجت بر من از آن توست، و هیچ یک از بندگانت حجتی بر تو ندارد، پس حکم و قضا و بلای تو بر بندگانت به واسطه تقصیر آنها در نظر کردن به نفس خود و توجه به آن جاری می شود، سید موحدین علی ڠ می فرماید: (خداوندا همانا با نظر کردن به نفس خود بر آن ستم کردم پس وای بر آن اگر مورد مغفرت تو واقع نشود یعنی (و به سوی تو آمدم خداوندا، بعد از تقصیرم و اصرافم بر نفس خود و نظر و توجهم به آن، در طلب بخشش... از تو مي طلبم كه عذر مرا بپذیری و مرا در سعه ای از رحمت خود داخل سازی).

یعنی اگر لیاقت ندارم که الله در خلق باشم مرا الرحمن در خلق قرار بده و اگر مناسب این نیستم که شهر علم باشم مرا دروازه آن قرار بده: ﴿ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيّاً مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾.([[45]](#footnote-45))

(بگو: « الله ‏» را بخوانيد يا «رحمن‏» را، هر كدام را بخوانيد، (ذات پاكش يكى است; و) براى او بهترين نامهاست).

و در واقع طلب امیر المؤمنین ڠ محقق گردید و ایشان دروازه الله در خلق می باشد و نیز ایشان الرحمن است در خلق: ﴿وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيّاً﴾.([[46]](#footnote-46))

(و از رحمت خود به آنان عطا كرديم; و براى آنها نام نيك و مقام برجسته‏اى (در ميان همه امتها) قرار داديم).

\*\*\*

سؤال/79: معنی این آیه چیست؟: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾.

[سخنان پاكيزه به سوى او صعود مى‏كند، و عمل صالح را بالا مى‏برد].([[47]](#footnote-47))

جواب: جعفر بن محمد می فرماید: (الکَلم الطَیّب: همان قول مؤمن لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله و خلیفه ی رسول الله است.

و نیز امام صادق ڠ فرمود: عمل صالح، اعتقاد در قلب مؤمن است به این که همان حق است از خداوند و شکی در آن نیست از جانب خدای عالمیان آمده است).([[48]](#footnote-48))

علی بن موسی الرضا ڠ می فرماید: ( کلمه ي نیکو يي كه به سوی خدا بالا می رود: گفتن لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله و خلیفه محمد رسول الله  به حق است و خلفای او خلفای خداوند هستند و عمل نیک خالص آن را بالا می برد: یعنی یقین داشتن در قلب است به اینکه این کلمات را که به زبان آوردم صحیح می باشد).([[49]](#footnote-49))

شاید بعضی افراد دچار توهم شده که مقصود از کلم طیب همان (الفاظ) است یعنی لفظ لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، و این خطاست. و قصد امام ڠ از گفتن لا اله الا الله این است که می خواست فرد مؤمن این جمله را با عمل خویش به اثبات برساند نه فقط آن را به زبان بیاورد یعنی اینکه در راه معرفت لا اله الا الله سعی و عمل کند و در راه کلمه لا اله الا الله مجاهدت کند و برای اعتلای آن عمل کند و اگر خداوند شهادت را روزی او گردانید از کسانی باشد که با خون خود لا اله الا الله را شهادت می دهند. و کلمه لا اله الا الله به معنی این است که مُلک از آن خداست نه مردم، و شریعت از آن خداست نه مردم و قانون از سوی خداست نه مردم پس خدای تبارک و تعالی است که مَلک[حاکم] را تعیین می کند و حدود و شریعت را بنیان می گذارد و قوانین را وضع می نماید و مردم بايد بی چون و چرا قبول کنند نه این که با حاکم تعیین شده از سوی خداوند مخالفت کرده و شریعت را تحریف كنند و قوانینی مخالف قوانین خداوند سبحان وضع نمايند.

اما افسوس که امروزه حقیقت واقع این است که مردم می گویند این ما هستیم که با انتخابات حاکم خود را انتخاب می کنیم و انگار که کلام خداوند را نمی شنوند که می فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ﴾ [بگو: بارالها! مالك حكومتها تويى; به هر كس بخواهى، حكومت مى‏بخشى]([[50]](#footnote-50)) یعنی به آنها بگو ای محمد  که همانا خداوند خود مالک ملک است نه مردم، و تعیین حاکم صرفاً در حیطه اختیارات اوست و مردم حق هیچ گونه اعتراضی بر حکم او را ندارند چرا که او می داند که صلاح دنیا و آخرت آنها در چیست. متأسفانه مردم می خواهند که خودشان قوانین را به وفق هواهای نفسشان و طبق چیزی که با خواسته هایشان موافق است وضع کنند و از قوانین خداوند آنچه را که بر وفق مرادشان است قبول کرده و آنچه مخالف خواسته هایشان رد می کنند و مثل این است که کلام خداوند را نمی شنوند که می فرماید:

﴿وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُون﴾.

[و آنها كه به احكامى كه خدا نازل كرده حكم نمى‏كنند، كافرند].([[51]](#footnote-51))

به راستی که باید در این زمان بر مسلمین فریاد حسرت سرداد که یهودیان در زمان طالوت ڠ به مراتب از مسلمانان امروز بهتر و افضل تر بودند چرا که آنها وقتی خواستند برای خود حاکمی برگزینند خودشان این حاکم را منصوب نکردند و به پیامبرشان گفتند که از خداوند طلب کند که برایشان حاکمی برگزیند:

﴿إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكاً﴾.([[52]](#footnote-52))

(به پيامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهى) براى ما انتخاب كن).

پس کلام لا اله الا الله همان: کلمه توحید است. و هر کس غیر از خدا را در مُلک خدا شریک بداند مشرک و غیر موحّد است، حتی اگر لا اله الا الله را به زبان بیاورد. و به این دلیل است که امام ڠ قول لا اله الا الله را با قول محمد رسول الله  و علی ولی الله ڠ قرین فرمود، چرا که علی ڠ خلیفه خداوند سبحان است، و پادشاهی است که از جانب خداوند تعیین شده پس هر کس مخالف او یا مخالف هر یک از خلفای الهی یا پادشاهی برگزیده از جانب خدای تبارک و تعالی باشد مانند کسی است که مخالف قول لا اله الا الله باشد، برای این است که امام رضا ڠ می فرماید: به شرطها و شروطها.([[53]](#footnote-53))

و نیز ڠ فرمود: و من از شروط آن هستم، یعنی قبول من به عنوان ولی الله و خلیفه خداوند بر روی زمین و پادشاهی برگزیده از جانب خدای تبارک و تعالی خود شرطی از شروط توحید است.

اما عمل صالح: اخلاص در عمل که بايد فقط برای خدای تبارک و تعالی باشد.

(**نية المرء خير من عمله**)([[54]](#footnote-54)), و نیت شخص از عملش بهتر است.

و (**لكل امرئٍ ما نوى**)([[55]](#footnote-55)). و برای هر شخصی آنچه در نیت دارد به حساب می آید.

پس معنی آیه: ( کلام نیکو به سویش بالا می رود) یعنی اين كه کلمات نیکو به سوی خداوند، در آسمانها و ملکوت او بالا می رود، که كلمات در واقع تصویر و مثالی از هر عمل و قول نیکو و کریم است که خداوند از آن راضی باشد، و این کلمات نیکو بالا نمی روند مگر اینکه عمل صالحی همراه آنها باشد یعنی اینکه عملی خالص در راه خداوند باشد و در این عمل بنده عامل، انتظار هیچ چیز جز رضای خداوند را نداشته باشد بلکه این کلمات نمی تواند واقعاً نیکو باشد مگر اینکه در راه خداوند سبحان دارای اخلاص باشد. پس هر کس بگوید لا اله الا الله و در عمل مشرک باشد این کلمه او را لعنت می کند (**كم من قارئ للقرآن والقرآن يلعنه**)([[56]](#footnote-56)) و چه بسیار قاریان قرآن که قرآن آنها را لعنت می کند چرا که قرآن را می خوانند ولی به آن عمل نمی کنند بلکه خلاف آن عمل می کنند.

\*\*\*

سؤال/80: وزیر و خلیفه و وصی امام مهدی محمد بن حسن ڠ آیا هاشمی است یا غیر هاشمی، و از لحاظ افضلیت آیا اصحاب امام مهدی ڠ برترند یا اصحاب رسول الله  و اصحاب ائمه ۏ و اصحاب امام حسین ڠ ، یا اینکه اصحاب امام حسین ڠ برترند؟

جواب: وصی امام مهدی ڠ باید هاشمی و از ذریه و نسل علی و فاطمه ﮋ باشد، بلکه باید به خصوص از نسل امام حسین ڠ باشد و حتماًباید از نسل امام مهدی، حضرت محمد بن حسن ڠ باشد و لاغیر. چرا که نور خلافت و وصیت به صلب امام مهدی محمد بن حسن ڠ منتقل گردید پس قطعاً این نور باید به فرزندان و نسل ایشان منتقل گردد و وصیت در شخصی که خداوند بخواهد ظاهر شود و او را وصی امام مهدی ڠ گرداند.

و در روایات آمده است که بعد از امام مهدی ڠ دوازده مهدی خواهند بود که از فرزندان امام مهدی ڠ می باشند همان گونه که در دعای (اللهم ادفع عن ولیک) که از امام رضا ڠ روایت شده آمده است که امام ڠ می فرماید: (الهی به وی عطا فرما در نفس و اهل و فرزندش و ذریه و امت او و جمیع رعیتش چیزی را که چشمش به آن روشن گردد و نفسش به آن مسرور شود و ملک همه ممالک وسرزمین ها را برایش جمع گردان).([[57]](#footnote-57))

و در نماز امام مهدی ڠ که در روایت آمده: (و درود بفرست بر ولی عهدت و ولی عهدان او، و ائمه از فرزندانش را عمر طولانی عطا فرما و بر آجال آنها بیفزا و بزرگترین آرزوهای آنها را در دین و دنیا و آخرت برآورده فرما).([[58]](#footnote-58))

همه ائمه ۏ یا پدر بوده اند و یا فرزند و در آنها برادری وجود ندارد همان گونه که در حدیث اهل بیت ۏ آمده که همانا امامت بعد از امام حسن ڠ و امام حسین ڠ در دو برادر جمع نخواهد شد،([[59]](#footnote-59)) و این دوازده مهدی خود امامان هدایتگر و هدایت شده ای هستند و لکن همچون ائمه از آل محمد ۏ نیستند.

و بعد از امام مهدی ڠ حكومت عدل الهى توسط این مهدیین که دوازده تن می باشند پا بر جا خواهد ماند، و بدون وجودشان زمین نابود خواهد شد(**لو خليت الأرض من إمام لساخت بأهلها**)([[60]](#footnote-60))، طبق روایاتی که از اهل بیت ۏ بر جا مانده که همانا اگر زمین بدون امام بماند با اهل خود نابود خواهد شد.

و آنها بعد از امام مهدی ڠ حجت بالغه خدای تبارک و تعالی هستند. و احادیث درباره آنها بسیارند.

و از جمله روایتی از ابی بصیر که می گوید: به امام صادق جعفر بن محمد ڠ گفتم: ای پسر رسول الله  از پدرتان شنیدم که فرمود: (بعد از قائم ڠ دوازده امام خواهند بود) ایشان فرمود: (همانا فرمودند دوازده مهدی و نفرمودند دوازده امام،لکن آنها قومی از شیعیان ما هستند که مردم را به پیروی از ما و شناخت حق ما دعوت می کنند).([[61]](#footnote-61))

و از امام صادق ڠ روايت می نمايند که به نقل از پدرانش و آنها نیز به نقل از امیر المؤمنین ڠ که فرموده است: (رسول الله  فرمودند: در شبی که در آن وفاتشان بود به علی ڠ فرمود ای ابا الحسن برایم صحیفه (کاغذ) و جوهری حاضر کن، پس رسول الله  وصیت خود را املاء فرمودند: تا این که بدان جا رسید که فرمودند: همانا بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهد بود، و تو ای علی اولین دوازده امام هستی و حدیث ادامه یافت تا آنجا که فرمودند: امام حسن عسکری آنرا به فرزندش محمد مستحفظ[نگاه داشته شده ی] آل محمد  تسلیم می کند که به این ترتیب دوازده امام خواهند بود، بعد از آنها دوازده مهدی خواهند بود که اگر زمان وفاتش فرا رسید. یعنی (محمد بن حسن عسکری) آنرا به فرزندش که اولین مهدیین است تسلیم می کند که سه نام دارد نامی همچون نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است و نام سوم او مهدی است و او اولین مؤمنین است.([[62]](#footnote-62))

و نیز روایت است از امام صادق ڠ که: (همانا از[نسل] ما بعد از قائم ڠ دوازده مهدی از فرزندان حسین ڠ خواهند بود).([[63]](#footnote-63))

و این قائم ڠ در این روایت همان امام محمد بن حسن العسکری المهدی ڠ است.

و روایت است از امام صادق ڠ که: (همانا از ما بعد از قائم ڠ یازده مهدی از فرزندان حسین ڠ خواهند بود).([[64]](#footnote-64))

و این قائم ڠ که در این روایت آمده است امام مهدی محمد بن حسن ڠ نمی باشد بلکه این شخص وزیر و وصی امام ڠ و اولین مهدیین بعد از او خواهد بود چرا که بعد از امام مهدی ڠ دوازده مهدی از فرزندان امام ڠ خواهند بود که به صورت سلسله وار و نسل به نسل خواهند بود و بعد از او اولین این دوازده مهدی یازده مهدی خواهند بود که از فرزندان مهدی اول می باشند و سلسله نسلشان همگی از پدر به پسر خواهد بود.

و حمد و سپاس فقط از آن خداوند است و برای اوست، اول و آخر، و ظاهر و باطن، لعنت خداوند بر ابلیس و سربازانش از انس و جن باد، و لعنت خداوند بر دشمنان آل محمد ۏ از اولین و آخرین، و لعنت خدا بر دشمنان امام مهدی ڠ و لعنت خدا بر دشمنان فرزند امام مهدی ڠ باد، و لعنت خدا بر دشمنان انصار امام مهدی ڠ باد.

اما در مورد بقیه اصحاب امام مهدی ڠ ، سیصدو سیزده نفر همانا که آنها: خالص ترین خلق از زمانی که خداوند آدم ڠ را آفرید تا زمانی که قیام ساعت بر پا شود، هستند، آن گونه که سید موحدین و امیر مؤمنین ڠ درباره آنها می فرماید: (پدر و مادرم به فدایشان که آنها عده ای هستند که نامهایشان در آسمان معروف است و بر روی زمین مجهول می باشند که نه اولین ها [پيشينيان]می توانند در عمل از آنها پیشی بگیرند و نه آخرین ها[مردم آخر الزمان] به پایشان می رسند).([[65]](#footnote-65))

و آنها قطعاً برتر از اصحاب رسول الله  و برتر از اصحاب امام حسین ڠ می باشند، بلکه همان طور که در روایت درباره آنها آمده که این سیصد و سیزده نفر که از امت محمد  هستند در روز قیامت از جلوی بقیه امتها می گذرند و امتها می گویند این ها كيستند كه همه پیامبرند.

و در باره آنها رسول اکرم  فرموده است که: اشتیاق دیدارشان را دارم (**اللهم لقّني أخواني**)([[66]](#footnote-66)). خداوندا مرا با برادرانم روبرو کن و امام جعفر بن محمد صادق( ع) بیشتر از هزار سال قبل برای آنها گریه نمود و دعا کردند. و لوط پیامبر ڠ هزاران سال قبل تمنا نمود كه جايگاه آنان را داشته باشد و همانا زمینی که از آن می گذرند از اینکه قدمهایشان را به آن گذاشته اند افتخار کرده و به خود می بالد.([[67]](#footnote-67))

پس بهشت نصیبشان باد و چه پایانی نیکی خواهند داشت و در واقع این، شرف عظیم و فضیلت حقیقی است از خداوند می خواهم که ما را از اولیاء و انصار آنها و از کسانی که همراه آنها در راه اعتلای کلمه ي الله جهادمی کنند گرداند.

\*\*\*

سؤال/81: آیا قرآن مخلوق است یا خالق و آیا حادث است یا قدیم؟، و در روایتی از اهل بیت ۏ آمده است که مخلوق است و در روایتی دیگر به عنوان خالق آمده و نیز در روایتی آمده که کلام خداوند است نه خالق است و نه مخلوق؟!

جواب: در روایتی از ابن خالد که می گوید: به امام رضا ڠ عرض کردم ای پسر رسول خدا مرا از قرآن آگاه فرما که خالق است یا مخلوق؟ فرمود: (**نه خالق است و نه مخلوق بلکه کلام خداوند عزوجل است**).([[68]](#footnote-68))

و از یقطینی آمده است که گفت: ابو الحسن سوم، امام هادى ڠ برای بعضی از شیعیانش در بغداد نوشتند: بسم الله الرحمن الرحیم خداوند ما و شما را از فتنه در امان دارد که اگر این کار را کند نعمت عظیمی به ما عطا فرموده و اگر نکند همان هلاکت واقعی است، ما جدال در قرآن را بدعتی می بینیم که سؤال کننده و جواب دهنده در آن شرکت دارند. و سؤال کننده چیزی را که به او ارتباطی ندارد مطرح نموده و جواب دهنده هم کاری که وظیفه او نیست را تقبل کرده است و خالق کسی نیست جز الله و هر چه غیر از اوست مخلوق است و قرآن کلام خداوند است و از جانب خود اسمی برای قرآن منظور نکن که از جمله گمراهان خواهي بود و خداوند ما و شما را از کسانی که در غیب از پروردگارشان می ترسند و در قیام ساعت مورد شفقت قرار می گیرند قرار دهد).([[69]](#footnote-69))

و در روایتی از امام صادق ڠ آمده است: (قرآن کلام خداست، حادثي است كه مخلوق نيست و غیر ازلی است كه همراه خداوند تعالی بوده است، و و خداوند از اين سخنان برتر است. خدای عزوجل بوده و هیچ چیز غیر از خداوند معروف و مجهول نبوده، خدای عزوجل بوده، نه متکلم و نه مرید و نه متحرک و نه فاعل، پس جمیع این صفات اتفاق افتاده (حادث) است بدون انجام هیچ فعلی از جانب خدا جل جلاله و قرآن کلام الله است، نه مخلوق و در آن اخبار آنان که قبل از شما بوده اند آمده وآنچه که بعد از شما خواهند بود در آن وجود دارد، از جانب خداوند بر رسولش محمد  نازل شده است).([[70]](#footnote-70))

شیخ صدوق (ره) می گوید: (مراد از این حدیث ذکر قرآن است که در آن یاد شده، و معنایی که در آن نهفته است- غیر مخلوق- این است که دروغی نیست- و در عین حال در محدث بودن آن نیز منافاتی وجود ندارد چرا که حدیث می گوید که محدث است. شیخ صدوق می گوید که: مخلوق در لغت می تواند به معنی دروغین و ساختگی هم باشد و گفته می شود کلام مخلوق یعنی کلام دروغ.... الی آخر کلام شیخ... مقام شریفش بلند باد).([[71]](#footnote-71))

حالا اگر در این روایات تدبر شود،در آن عده ای امور یافت می شود که عبارتند از:

1 – همانا اهل بیت ۏ می خواستند شیعیانشان را از فتنه خلق قرآن که در زمان خلفای بنی عباس اتفاق افتاد و سبب اتهام کسانی که در این فتنه درگیر شدند، به زندیق بودن گردید دور سازند که نتیجه این فتنه جز زندان و قتل بعضی از کسانی که به دلایل سیاسی درگیر آن شدند چیز دیگری نبود.

2 – همانا اهل بیت ۏ تأکید داشتند که ازلی فقط خداوند است و هر چه غیر از اوست محدث است.

3 – اهل بیت ۏ کلام در قرآن را با همه تفاصیل بیان نکرده اند چرا که زمان آن نرسیده است و اهل آن یعنی کسی که بتواند علم قرآن را درک کند حاضر نگردیده بود.([[72]](#footnote-72))

4 – شیخ صدوق (ره) و هر کس که در مسیر فکری وی باشد در این مورد متحمل مسئولیت این خواهد بود که کلمه مخلوق را به عنوان مکذوب معنی کرده است. در حالی که اعراب اگر بخواهند این کلمه را در مورد کذب به کار گیرند می گویند (اختلق الکلام) کلام خلق کرد یعنی دروغ گفت. و نمی گویند - خلق الکلام - و اگر مقصود کذب باشد به هیچ عنوان از کلمه مخلوق استفاده نمی شود بلکه کلمه مختلق به کار می رود و در کلمه مخلوق به هیچ عنوان معنی کذب وجود ندارد و احتیاجی به خود داری از آن وجود ندارد که اهل بیت ۏ از آن خود داری کنند.

قرآن محدث است نه ازلی، قرآن همان نور خدای تبارک و تعالی است که محمد  را از آن خلق فرمود، و قرآن به این معنا خالق محمد  است، پس محمد  از قرآن (نور خداوند) خلق گردید به قدرت و تقدیر خدای تبارک و تعالی، و تبارک الله احسن الخالقین.

و قرآن همان نقطه نون است، و همان فیض نازل از جانب خداوند است بر محمد  بنده خداوند و قرآن همان وجه الله است که با آن با محمد (ص) مواجه گردید، و قرآن همان حجاب نوری است بین الله و محمد  بنا به روایتی که از امام صادق ڠ وارد شده: (**... وبينهما حجاب يخفق...**).([[73]](#footnote-73))

( و در بین آنها حجابی بود که متحرک ودر حال رفت وبرگشت[نوسان داشت]).

و قرآن همان: سرادق عرش اعظم الله است، و همان عرش اعظم الله است که با دروازه الله یا ذات (الرحمن) مواجه است، در دعای امام حسین ڠ در عرفه آمده است: (**ای آنکه با رحمانیت خود مستولی شد و عرش در ذات مقدسش غیب شد، همانا آثار در آثار محقق شد و اغیار[همه موجودات] با محیطهای افلاک انوار محو گشت ای آنکه در سرادقات عرش خویش محجوب گردید.**..).

و خداوند می فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾.

[همان بخشنده‏اى كه بر عرش مسلط است].([[74]](#footnote-74))

پس دروازه الله (الرحمن) است كه با عرش محجوب شده، و برای محمد  كه با عرش اعظم یا قرآن تجلی کرد، و در لحظاتی این حجاب برای محمد  برداشته می شد، و آن برای این است که محمد  حاوی حجابهای نور یا قرآن گردد و در او تجلی یابد، و در این لحظات محمد و قرآن یکی می شدند، یا این که محمد  و عرش اعظم یکی می شدند، سپس محمد  یا عرش اعظم یا قرآن باقی نمی ماند: (… **فصار العرش غيباً في ذاته محقت الآثار بالآثار ومحوت الأغيار**...).

(عرش در ذات مقدسش غیب شد، آثار در آثار محقق گردید و اغیار محو شد...).

و در این لحظات چیزی جز خدای واحد قهار باقی نمی ماند، پس این چنین محمد  همراه حجاب در حال نوسان است.

\*\*\*

سؤال/82: معنی این فرموده خداوند چیست: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾.

[موسى به قوم خود گفت: «اى قوم من! شما با انتخاب گوساله (براى پرستش) به خود ستم كرديد! پس توبه كنيد ; و به سوى خالق خود باز گرديد! و خود را (يكديگر را) به قتل برسانيد! اين كار، براى شما در پيشگاه پروردگارتان بهتر است» سپس خداوند توبه شما را پذيرفت; زيرا كه او توبه‏پذير و رحيم است].([[75]](#footnote-75))

جواب: در واقع موسی ڠ از قوم خود کشتن نفسهای اماره و عقیده فاسدی که نفسهایشان را به سوی آن سوق پیدا کرده بود را طلب کرد، البته این طلب علاوه بر قتل اجسامشان بود.

و هر مسلمانی باید از قصه سامری و گوساله مطلع شده و از آن پند بگیرد، که سامری در این امت و در حال حاضر همان عالِم بی عمل است، عالِم گمراهی که دین خدا را تحریف می کند، و گوساله او هم عقیده فاسد و گمراهی است که علماء سوء و بی عمل آن را در بین مردم منتشر می کنند.

و بر هر مسلمانی واجب است که قبل از هر کس خویش را مورد حساب و کتاب قرار دهد که مبادا در روز قیامت از پیروان سامری یا عالِم بی عمل گمراه مبعوث شود، و مبادا در روز قیامت جزو کسانی که گوساله را می پرستند شمرده شود.

از حذیفه به نقل از پیامبر  آمده است که فرمود: (**و شما از هر لحاظ شبیه ترین امتها به بنی اسرائیل هستید، طوری که دقیقاً راهی را که آنها می پیمایند خواهید پیمود، پا به پا و سایه به سایه ي آنها حرکت خواهید کرد، جز اینکه نمی دانم که آیا گوساله راخواهید پرستید یا خیر**)؟.([[76]](#footnote-76))

عالمی که جهاد دفاعی را تعطیل کند سامری این امت است، و تعطیل جهاد دفاعی گوساله ای است که به جای خداوند پرستیده می شود، پس سزاوار است که مسلمانان به درگاه خدای خود توبه کرده و نفسهای خود را در راه خدا به قتل برسانند، و با جان و مال خویش در راه اعتلای کلمه الله جهاد کنند، نه اینکه گوساله را پرستش کرده و از سامریان، علمای بی عمل گمراه پیروی کنند، کسانی که شریعت خدای تبارک و تعالی را تحریف کرده و نعمت خدا را با کفر پاسخ دهند کسانی که هر کدامشان دوست دارد که هزار سال زندگی کند، آنهایی که خداوند درباره آنها می فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا﴾.

[كسانى كه مكلف به تورات شدند ولى حق آن را ادا نكردند]([[77]](#footnote-77))

یعنی قرآن را، چرا که آنها قرآن را حمل نکردند قرآنی که در آن آمده است:

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ﴾.([[78]](#footnote-78))

[بگو: «بارالها! مالك حكومتها تويى; به هر كس بخواهى، حكومت مى‏بخشى; و از هر كس بخواهى، حكومت را مى‏گيرى].

یعنی اینکه حاکم را خداوند تعیین می کند نه مردم و نه با انتخاباتی که علمای گمراهی به آن اقرار کرده اند، چرا که قرآن خود قانون الهی است نه اینکه قانون را مردم وضع کنند آن گونه که علمای گمراه اقرار کرده اند. ﴿كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾.

[مانند درازگوشى (خران) هستند كه كتابهايى حمل مى‏كند، (آن را بر دوش مى‏كشد اما چيزى از آن نمى‏فهمد) گروهى كه آيات خدا را انكار كردند مثال بدى دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدايت نمى‏كند]([[79]](#footnote-79))

پس این علمای بی عمل آیات خداوند را دروغ می پندارند و قرآن را تعطیل می کنند و قبول ندارند که حاکم را خداوند تعیین می کند نه مردم، و با متنی قرآنی و فرقانی و محکم که اختلافی در آن نیست بر انتخابات باطل اعتراض نمی کنند و در واقع آنها با اقرارشان به انتخابات با آنان که حق امیر المؤمنین ڠ را غصب کرده اند موافقند.

\*\*\*

سؤال/83: فرق بین مخلَصین و مخلِصین چیست؟

جواب: در حقیقت واژه ای به عنوان (مخلِصین) وجود ندارد به این معنی که اخلاص به شکلی تام از جانب آنها واقع شود. چیزی که وجود دارد این است که بنده نیت می کند برای خدای تبارک و تعالی اخلاص داشته باشد، پس توفیق الهی بر این بنده که در قلب خود نیت و طلب اخلاص کرده نازل می شود پس به توفیق خداوند، اخلاص برای خداوند از جانب این بنده واقع می شود. و این همان (تخلیص) است، و بنده ای که این توفیق و انتخاب و سازندگی بر او واقع شده (مخلَص) خواهد بود. با علامت فتحه بر روی (لام) نه کسره بر روی (لام).

\*\*\*

سؤال/84: فرق بین فرقان و قرآن چیست؟

جواب: فرقان همان: محکمات است که حق و باطل را از هم تفریق می کند و به واسطه آن حدود و شریعت خداوند شناخته می شود؛ که آن هم نزد پیامبر یا وصی ڠ اوست. و صاحب فرقان در این زمان امام مهدی ڠ می باشد، اما قرآن همه آن چیزی است که خدای تبارک وتعالی بر پیامبر خود  نازل کرد و پیامبر  نیز آن را به بندگان خدای سبحان ابلاغ کرد.

\*\*\*

سؤال/85: معنی این فرموده خداوند ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.

[ولى (اى پيامبر!) تا تو در ميان آنها هستى، خداوند آنها را مجازات نخواهد كرد; و (نيز) تا استغفار مى‏كنند، خدا عذابشان نمى‏كند]([[80]](#footnote-80)) چیست؟.

جواب: سنت خدای تبارک و تعالی این است که همیشه معجزه مادی با عذاب همراه است، پس به مجرد اینکه معجزه تکذیب شود عذاب نازل می شود، بلکه سنت خداوند سبحان نزول عذاب بر امتهایی است که صاحبان رسالتهای الهی را تکذیب می کنند که آن هم بعد از این است که رسول از کلیه وسایل تبلیغ و هدایت آنها خالی شود همانند حال نوح ڠ و هود ڠ ، که معجزه های آنها چیزی نبود جز عذابی که امتهایی را که آنها را تکذیب کردند هلاک کرد و لیکن در آنجا دو راه برای دفع این عذاب وجود دارد:

اول: دعای آن رسول و طلب او از خداند سبحان در رفع عذاب از امتی که به تبلیغ و هدایت آنها موظف شده بود و این امر رسول را متحمل مشقت و سختی بسیاری می کند، برای اینکه این امر به معنی تحمل بیشتر تکذیب و تمسخر است که معمولاً رسول از امتی که او را تکذیب کرده اند با آن روبرو می شوند و این دعایی که باعث رفع عذاب از امت متمرد می شود اين اتفاق نيفتاد مگر از جانب رسول الله محمد  [كه دعا نمود عذاب از امت اسلام رفع شود]: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾([[81]](#footnote-81)) (یعنی تو دعا کنی برای رفع عذاب از امت).

و اما امر دوم: چیزی که باعث رفع عذاب می شود: توبه و استغفار از جانب امت است و البته این امر حاصل نشد مگر برای قوم حضرت یونس ڠ وقتی توبه کردند و از خداوند طلب استغفار کردند بعد از اینکه نزديكي عذاب و وقوع علايم آن باعث ذلت آنها شد: ﴿فَلَوْلا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ﴾([[82]](#footnote-82)) پس عذاب را از آنها دفع کرد بعد از اینکه ضجه کنان توبه کردند و از خدای سبحان طلب استغفار کردند. ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾.([[83]](#footnote-83))

\*\*\*

سؤال/86: معنی این آیات چیست؟ ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِير﴾؟

(هر حكمى را نسخ كنيم، و يا نسخ آن را به تاخير اندازيم، بهتر از آن، يا همانند آن را مى‏آوريم. آيا نمى‏دانستى كه خداوند بر هر چيز توانا است)؟.([[84]](#footnote-84))

﴿وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ﴾.

[و هنگامى كه آيه‏اى را به آيه ديگر مبدل كنيم (حكمى را نسخ نماييم) -و خدا بهتر مى‏داند چه حكمى را نازل كند- آنها مى‏گويند: «تو افترا مى‏بندى» اما بيشترشان (حقيقت را) نمى‏دانند].([[85]](#footnote-85))

جواب: ناسخ و منسوخ سنتی از سنتهای خداوند سبحان است و جزئی از شرائع آسمانی که قبل از اسلام هم وجود داشته. خداوند بعضی امور را بر قوم یهود حرام کرد سپس حضرت عیسی ڠ را مبعوث کرد تا اموری که بر آنها حرام کرده بود را برای آنها حلال گرداند.

خداوند می فرماید: ﴿فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيراً﴾.

[بخاطر ظلمى كه از يهود صادر شد، و (نيز) بخاطر جلوگيرى بسيار آنها از راه خدا، بخشى از چيزهاى پاكيزه را كه بر آنها حلال بود، حرام كرديم].([[86]](#footnote-86))

و حضرت عیسی ڠ در قرآن می فرماید: ﴿وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ﴾.

[(آمده‏ام) تا پاره‏اى از چيزهايى را كه (بر اثر ظلم و گناه) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضى از چهارپايان و ماهيها،را) حلال كنم; و نشانه‏اى از طرف پروردگار شما، برايتان آورده‏ام; پس از خدا بترسيد، و مرا اطاعت كنيد].([[87]](#footnote-87))

و در آن حکمتهای بسیاری وجود دارد که دست کمی از حکمتهایی که در محکم و متشابه موجود است ندارد، در واقع ناسخ و منسوخ از متشابه است، و علم آن را کسی جز معصوم یا کسی که علم خود را از معصوم می گیرد ندارد. و منسوخ چه شریعتی کامل یا حکمی معین باشد، یک زمان و در روزی از روزها قانون و شریعت خداوند بوده پس ایمان به آن و احترام و مقدس شمردن آن واجب است، چرا که امری از اوامر خدای تبارک و تعالی است.

و می ماند اینکه برای منسوخ رجعت و بازگشتی در زمان حضرت قائم ڠ می باشد، و ایشان ڠ با شرائع گذشته حکم می کند و پیش می آید تا به شرائع اسلام برسد، که بنا به روایات وارده از اهل بیت ۏ بعضی از انصارش به او اعتراض می کنند چرا که با حکم و شریعت انبیاء گذشته حکم می کند، همان طور که معلوم است این امر با شریعت اسلام مخالف است.

و از اسباب حکم قائم ڠ با شرائع سابق این است که ایشان ڠ مجری دین خداوند بر روی زمین است و جمیع انبیاء و فرستادگان بشارت دهنده و بیم دهنده بودند و شرائع آنها آن گونه که باید و شاید بر روی زمین اجرا نشده است خداوند می فرماید: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحاً وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾.

[آيينى را براى شما تشريع كرد كه به نوح توصيه كرده بود; و آنچه را بر تو وحى فرستاديم و به ابراهيم و موسى و عيسى سفارش كرديم اين بود كه: دين را برپا داريد و در آن تفرقه ايجاد نكنيد! و بر مشركان گران است آنچه شما آنان را به سويش دعوت مى كنيد! خداوند هر كس را بخواهد برمى‏گزيند، و كسى را كه به سوى او بازگردد هدايت مى‏كند].([[88]](#footnote-88))

کسانی که خداوند دین را برایشان شرع فرمود، آل محمد ۏ هستند ([[89]](#footnote-89))، چرا که آنها وارث انبیاء هستند، و این آیه مختص حضرت قائم ڠ و در وصف ایشان ڠ نازل گشت.

خداوند خطاب به حضرت سلیمان ڠ می فرماید: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (و به او گفتيم: اين عطاى ما است، به هر كس مى‏خواهى (و صلاح مى‏بينى) ببخش، و از هر كس مى‏خواهى امساك كن، و حسابى بر تو نيست (تو امين هستى).([[90]](#footnote-90))

و حضرت قائم ڠ سلیمان آل محمد ۏ است و قضاوت امر در اختیار ایشان ڠ می باشد با آنچه که خداوند از علم خویش به ایشان ڠ عطا فرموده است.

در روایتی از امام باقر ڠ آمده است: (حضرت قائم ڠ بعضی قضایا را قضاوت می کند که بعضی از اصحابش از کسانی که در رکابش شمشیر زده اند به قضاوتش که قضاوت حضرت آدم ڠ است اعتراض می کنند که آنها را به صف کرده و گردن می زند، پس برای بار دوم قضاوت می کند و افراد دیگری از اصحابش که در رکابش شمشیر زده اند به قضاوتش که قضاوت حضرت داود ڠ است اعتراض می کنند که باز هم آنها را پیش می آورد و گردن می زند پس از آن برای بار سوم قضاوت می کند که افراد دیگری از اصحابش که در رکاب وی شمشر زده اند به قضاوت او که قضاوت حضرت ابراهیم ڠ است اعتراض می کنند که آنها را به صف کرده و گردن می زند و در آخر برای بار چهارم قضاوت می کند و آن قضاوت حضرت محمد  است که این بار کسی به وی اعتراض نمی کند).([[91]](#footnote-91))

و از آیات منسوخ که حضرت قائم ڠ به آن عمل می کند این آیه: ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَو تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّه﴾ (آنچه در آسمانها و زمين است، از آن خداست. و (از اين رو) اگر آنچه را در دل داريد، آشكار سازيد يا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه مى‏كند).([[92]](#footnote-92))

و این آیه با آیاتی که بعد از آن می آید در سوره بقره منسوخ شده اند با این حال حضرت قائم ڠ به این آیه منسوخ عمل می کند طبق روایاتی که از اهل بیت ۏ آمده است. و حضرت قائم ڠ مردی را که در رکابش شمشیر زده به قتل می رساند، و به افرادش دستور می دهد که او را بیاورید و گردنش را بزنید در حالی که چیزی که در ظاهر مخالف شریعت باشد از او صادر نشده است که مستحق قتل باشد. و لکن حضرت قائم ڠ آن مرد را بنا به چیزی که در نفس و فطرت اوست محاکمه می نماید.

و از امام صادق ڠ آمده است: (در حالی که آن مرد بالای سر حضرت قائم ڠ [به خدمت] ایستاده و او را امر و نهی می کند، حضرت قائم ڠ می فرماید: او را بگیرید و گردنش را بزنید... بعد از اين اتفاق کسی

باقی نمی ماند که ترس از قائم ڠ در دلش نباشد).([[93]](#footnote-93))

از امام باقر ڠ آمده است: (همانا مهدی به این نام نامیده شد چون به امری مخفی هدایت می کند حتی به دنبال مردی می فرستد که مردم گناهی در او نمی بینند و او را به قتل می رساند).([[94]](#footnote-94))

معاویه دهنی به نقل از ابی عبدالله ڠ در فرموده ی خداوند:

﴿يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ﴾.

(مجرمان از چهره‏هايشان شناخته مى‏شوند; و آنگاه آنها را از موهاى پيش سر، و پاهايشان مى‏گيرند (و به دوزخ مى‏افكنند).([[95]](#footnote-95))

روایت می کند که امام صادق ڠ ( گفت: ای معاویه در مورد این آیه چه می گویند؟ گفتم: ادعا می کنند که خدای تبارک و تعالی در روز قیامت مجرمان را از سیمایشان می شناسد. و دستور می دهد که آنها را از موی پیشانی و پاهایشان گرفته و در آتش دوزخ می افکنند، ایشان ڠ فرمود: و چگونه خدای جبار و تبارک و تعالی به شناخت خلقی احتیاج پیدا می کند که خود آنها را آفریده است و خلق او هستند، گفتم: فدایتان شوم پس به چه معناست، فرمود: اگر قائم ما قیام کند خداوند علمی به او می دهد که کافران را از چهره هایشان می شناسد و دستور می دهد که آنها را از موی پیشانی و پاهایشان گرفته سپس آنها را با شمشیر چاک چاک می کند).([[96]](#footnote-96))

برای توضیح بیشتر به این آیه منسوخ ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَو تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّه﴾ (هرانچه در اسمانها وزمین است از ان خداوند است و اگر چیزی در نفس خود را نمایان سازی و یا مخفی خداوند بر ان شما را حساب خواهد کرد).

و آیاتی که آنرا نسخ کرده اند اشاره ای خواهیم داشت: ﴿لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾.

[خداوند هيچ كس را، جز به اندازه تواناييش، تكليف نمى‏كند. (انسان،) هر كار (نيكى) را انجام دهد، براى خود انجام داده; و هر كار (بدى) كند، به زيان خود كرده است].([[97]](#footnote-97))

و در حقیقت مشروط به آیاتی است که قبل از آن می باشند که همان ایمان به خداوند و به چیزی که بر حضرت رسول  نازل شده است و ایمان به ملائکه و کتابهای آسمانی و عدم تفریق بین آنها. و از ایمان به این کتابها و پیامبرانی که این آیه را آورده اند، قبول عمل حضرت قائم ڠ به آن می باشد، و همچنین تسلیم او بودن اگر به حکمی که در مورد این آیه وارد شده حکم کند، حتی اگر مخالف حکم اسلام باشد چرا که حضرت قائم ڠ معصوم است و جز حق از او صادر نمی شود، همچنین در روایات آمده که حضرت قائم ڠ با اسلامی جدید خواهد آمد.

به نقل از عبدالله بن عطا که می گوید: از امام باقر ڠ پرسیدم: اگر حضرت قائم ڠ قیام کند با چه سیره ای در میان مردم عمل می نماید؟ فرمودند: (همه چیز را اکه قبل از او بوده ویران می کند همان گونه که رسول الله  عمل فرمود و اسلام را از نو بر پا می کند).([[98]](#footnote-98))

از امام باقر ڠ روايت شده که فرمودند: (همانا قائم ما اگر قیام کند مردم را به امری جدید دعوت می نماید مانند امری که رسول الله  به سوی آن دعوت فرمود و این که اسلام غریب شروع شد و غریب بر خواهد

گشت آن گونه که شروع شد پس بهشت نصیب غریبان باد).([[99]](#footnote-99))

در واقع خضر و حضرت ایلیا ڠ و حضرت عیسی ڠ باقی نمانده اند مگر برای اینکه برای مردم شهادت بدهند به اینکه: همانا حکم حضرت قائم ڠ همان است که حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ڠ آورده اند سپس این که حضرت قائم ڠ در نهایت با حکم اسلام و حکمی که حضرت محمد  آورده است حکم می کند چراکه هیچ تعارض حقیقی بین حکم انبیاء سابق و چیزی که حضرت محمد  آورده است وجود ندارد.

\*\*\*

سؤال/87: آیا دلیلی برای ولادت حضرت علی ڠ در کعبه وجود دارد؟

جواب: کعبه یا بیت الله الحرام در واقع تجلی و ظهور (بیت المعمور) است که در آسمان گذاشته شد که ملائکه بر آن طواف کرده به سبب مجادله آنها با خدای تبارک و تعالی در امر خلیفه او آدم ڠ که استغفار کنند. و بعد از تعدی حضرت آدم ڠ بر شجره علم آل محمد ۏ و شجره ولایت، ﴿وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً﴾ [پيش از اين، از آدم پيمان گرفته بوديم; اما او فراموش كرد; و عزم استوارى براى او نيافتيم!]([[100]](#footnote-100)) یعنی در تحمل ولایت آل محمد ۏ([[101]](#footnote-101)) در او عزم راسخى نيافتيم، روی زمین پایین آورده شد و به طواف حول کعبه امر گردید که خداوند كوتاهى او در اطاعت امر الهى را مغفرت فرماید.

سپس این که خداوند حج به سوي خانه اش بیت الله الحرام (کعبه) را شریعت قرار داد تا مردم با آن ولایتشان را بر حجت خداوند در زمان خویش عرض کرده و در تقصیر در حق او اعتراف کرده و از تقصیر در حق او استغفار کنند([[102]](#footnote-102)) کما اینکه خداوند به مسلمین امر فرمود بر خلاف امتهای سابق کعبه را قبله خویش سازند زمانی که قبله اديان سابق بیت المقدس بود.

در این جا چند امر مهم وجود دارد:

1 – کعبه ارتباط تنگاتنگی با ولایت دارد همانگونه که حج کعبه برای دیدار حجت خداوند و عرض ولایت بر وی از جانب مردم و استغفار از تقصیر در حق وی قرار داده شده است.

2 – کعبه قبله نماز و سجود برای خدای تبارک و تعالی است با اینکه سجود قبل از آن برای حضرت آدم ڠ خلیفه خداوند و حجت او بود بلکه همانا سجود برای نوری بودکه در صلب او بود که همان نور امیر المؤمنین ڠ می باشد پس اولین قبله ای که ملائکه رو به آن سجده کردند در واقع علی بن ابی طالب ڠ است پس قبله حقیقی کعبه و این سنگها نیست بلکه قبله همان جواهری است که در کعبه زاده شده که همان ولی خدا و حجت تام خداوند علی بن ابی طالب ڠ است. و برای این است که حجرالاسود در رکن کعبه گذاشته شده چرا که این سنگ کتاب میثاقی است که خدای تبارک و تعالی برای ولایت علی بن ابی طالب ڠ از مردم گرفته است.

پس کسی که رو به کعبه می کند ناچار و ناگریز به ولایت علی بن ابی طالب ڠ با فعل خود اعتراف می کند حتی اگر در دل و زبان به او کافر باشد خداوند می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾ [تمام انکه در آسمانها و زمين هستند -از روى اطاعت يا اكراه براى خدا سجده مى‏كنند]([[103]](#footnote-103)) به رغبت و اشتیاق آن کس که ولایت را قبول داشته باشد و به جبر و الزام آن کس که به ولایت اعتراف نمی کند.

و نیز می فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوُابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ [آيا نديدى كه تمام كسانى كه در آسمانها و كسانى كه در زمينند براى خدا سجده مى‏كنند؟! و (همچنين) خورشيد و ماه و ستارگان و كوه‏ها و درختان و جنبندگان، و بسيارى از مردم! اما بسيارى فرمان عذاب درباره آنان حتمى است; و هر كس را خدا خوار كند، كسى او را گرامى نخواهد داشت! خداوند هر كار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام مى‏دهد].([[104]](#footnote-104))

پس کسانی که سجده می کنند و عذاب حق !!بر آنها نازل می شود همان کسانی هستند که به ولایت علی ڠ به دل و زبان اعتراف نمی کنند لیکن مجبور به اعتراف به آن با افعال خود و سجودشان بر حسب اتفاق بر جایی است که علی ڠ در آن زاده شده که همان کعبه است و خدای تبارک و تعالی آنها را با این سجود خار و ذلیل گردانیده و حسرتی خواهد بود بر آنها: ﴿وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ﴾.

[هر كس را خدا خوار كند، كسى او را گرامى نخواهد داشت].([[105]](#footnote-105))

می ماند اینکه قبله آن است که به واسطه آن به سوی خداوند روی آورده شود و با آن خداوند را شناخت و قبله حقیقی همان انسان کامل است که با آن خداوند شناخته می شود واو صورت یا وجه خداوند است که با آن با خلق مواجه گردید، پس توجه به او توجه به خداوند است و انسان کامل همان علی بن ابی طالب ڠ است سرور اوصیاء و اولیاء و خداوند او را از کعبه به سوی مردم خارج فرمود که به انسانها بگوید همانا این انسان قبله شماست و حج شما به سوی اوست و نیز به مردم بگوید که همانا من کعبه را نیافریدم مگر برای علی ڠ و برای اینکه علی ڠ در آن به دنیا بیاید پس اگر مرا فرزندی بود کسی که در خانه ام به دنیا آمد به فرزند من اولی تر است: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ﴾.

[بگو: «اگر براى خداوند فرزندى بود، من نخستين پرستنده او بودم!»].([[106]](#footnote-106))

پس چه کسی اولی تر است که قبله باشد سنگها یا کسی که سنگها را با ولایت خود قداست بخشید.

حضرت عیسی ڠ می فرماید: (شما علمای سوء می گویید هر که به هیکل قسم بخورد برقسم خود استوار نمی ماند و لیکن هر که به طلای هیکل قسم بخورد بر قسم خود استوار می ماند، کدام برتر است ای گمراهان کور دل طلا یا هیکل که به طلا قداست و ارزش بخشیده است)([[107]](#footnote-107)).

\*\*\*

سؤال/88: چگونه است که ابلیس به واسطه یک مار وارد بهشت گردید که حضرت آدم ڠ را وسوسه کند بنا به روایتی که از امام حسن عسکری ڠ وارد شده: (ابلیس میان موهای آن مار بزرگ پنهان شد و آن موجود ابلیس را وارد بهشت کرد)؟

جواب: مقصود از مار همان حیات دنیوی است و ابلیس (لعنت خدا بر او باد) حضرت آدم ڠ را از جهت حیات دنیوی وسوسه کرد. و مار - حیه- همچون حیات این دنیا است و شما اگر به دنبال آن بروید یا اینکه موفق به گرفتن آن می شوید در نتیجه شما را نیش خواهد زد و یا اینکه آن قدر به دنبال آن می روید تا اینکه شما را به دور دست و در صحرای خشک و بی آب و علف می کشاند و باعث گمراهی شما می شود و در تعبیر آب به معنای علم و غذا به معنای دین است و وسوسه ابلیس ( لعنت خدا بر او باد) به حضرت آدم ڠ از جهت حیات دنیا بوده که سابق بر اين به طور کامل به این سؤال پاسخ داده شده لطفاً مراجعه شود.([[108]](#footnote-108))

\*\*\*

سؤال/89: این آیه به چه معنا است؟:﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لَأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ [(به خاطر بياور) هنگامى را كه يوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب ديدم كه يازده ستاره، و خورشيد و ماه در برابرم سجده مى‏كنند!»].([[109]](#footnote-109))

جواب: این رؤیایی بود که یوسف ڠ دید و به حقیقت پیوست البته بعد از زمانی طولانی، و معنای آن خورشید وماه ( یعقوب) و (راحیل) مادر یوسف ڠ است و یازده ستاره هم برادران یوسف ڠ هستند و سجود آنها برای یوسف ڠ به این معناست که یوسف ڠ قبله آنهاست.

وقبله هدف است و بر ان حج می کنند، آنان در پي قبله حقيقى به حج رفتندو این امربعدها تحقق یافت وآنها درنهایت به سوی یوسف ڠ عزیمت کردند و به حج یوسف ڠ رفتند و همراه او در مصر مستقر شدند، و نسل حضرت یعقوب ڠ در مصر باقی ماند تا وقتی که زمان بعثت حضرت موسی ڠ رسید و آنها را از مصر خارج کرد این در مورد زمان گذشته و کسانی که قبل از شما بوده اند، می باشد.

اما بعد از آن و در حال حاضر خورشید رسول خداوند محمد  و ماه علی ڠ و یازده ستاره فاطمه ڠ و امام حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی می باشند و اما خود یوسف امام مهدی ڠ است.

و سجودشان برای او به معنی این است که مقصودشان و قبله آنهاست که خلق را به سوی او هدایت می کنند درود خدا بر آنها باد. و او خاتم آنهاست و امام مهدی ڠ در واقع مجری شریعت خداوند بر روی زمین است، حضرت محمد  شریعت اسلامی را آورد که در نهایت امام مهدی ڠ آن را به طور کامل اجرا کند پس حضرت رسول  و امام علی ڠ و فاطمه ﮋ و امامان ۏ همگی زمينه سازانی برای حكومت لا اله الا الله هستند که امام مهدی ڠ آن را بر روی زمین بر پا خواهد کرد و امام مهدی ڠ در واقع قبله ي همه انبیاء و مرسلین است و همه آنها برای اعتلای کلمه الله وحکوت عدل الهی تمهید و زمینه سازی کرده و می کنند و امام مهدی ڠ همان کسی است که کلمه الله را به جایگاه اصلی خود در این دنیا می رساند پس او قبله آنها به حساب می آید از این جهت که مجری شریعت الهی است.

و باید دانست که قبله همیشه برتر از کسی که به سوی آن می آید نیست به طور مثال حضرت محمد  به سوی کعبه می رود در حالی که حضرت محمد  قطعاً از کعبه برتر است. اما در مورد امام مهدی ڠ هنگامی که حضرت رسول  او و امامان ۏ را در معراج دید او را از بین همه امامان تشخیص داده و فرمود: قائم آنها در وسط آنها همچون ستاره ای درخشان می درخشید ([[110]](#footnote-110)). و آن هم برای این است که نور حضرتش ڠ بر تمامی نقاط این کره خاکی خواهد تابید و دنیا را زیر سلطه خویش خواهد آورد، خداوند می فرماید: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ [و زمين (در آن روز) به نور پروردگارش روشن مى‏شود]([[111]](#footnote-111)) و خدوندگار زمین امام مهدی ڠ است طبق روایاتی که از اهل بیت ۏ وجود دارد.([[112]](#footnote-112))

\* \* \*

سؤال/90: در روایات اهل بیت ۏ آمده است که بهترین اعمال ( ولایت و برائت- (الولاية والبراءة) هستند یعنی پیروی از اولیای الهی که همان انبیاء و اوصیاء هستند و دشمنی با دشمنان خداوند که همان دشمنان اولیای الهی و دشمنان پیروان آنها هستند حال کدام عمل مقدم تر است ولایت یا برائت؟

جواب: برائت بر ولایت تقدم دارد، بلکه ولایت محقق نمی شود مگر با برائت. خداوند می فرماید:

﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾.

(راه درست از راه انحرافى، روشن شده است. بنابر اين، كسى كه به طاغوت كافر شود و به خدا ايمان آورد، به دستگيره محكمى چنگ زده است، كه گسستن براى آن نيست. و خداوند، شنوا و داناست).([[113]](#footnote-113))

پس خدای تبارک و تعالی کفر به طاغوت را بر ایمان به خداوند مقدم فرموده، و کفر به طاغوت همان؛ برائت و دوری از دشمنان خداوند؛ و ایمان به خداوند همان پیروی (تولی) از اولیاء خداوند تبارک و تعالی است.

پس ایمان به خداوند سبحان و پیروی از اولیای الهی به طور حقیقی محقق نمی شود مگر بعد از برائت از دشمنان خداوند و دشمنان اولیای خداوند. و خدا در آخر سوره مجادله بر این معنا تأکید می فرماید به این معنی که: همانا کسانی که به خداوند و روز آخر ایمان دارند را، دوست دار کسانی که مخالف و دشمن خداوند و رسول  و ائمه ۏ او هستند نخواهی یافت؛ حتی اگر این افراد از نزدیکترین افراد به آنها باشند. خداوند می فرماید: ﴿لا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْأِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.

[هيچ قومى را كه ايمان به خدا و روز رستاخيز دارند نمى‏يابى كه با دشمنان خدا و رسولش دوستى كنند، هر چند پدران يا فرزندان يا برادران يا خويشاوندانشان باشند; آنان كسانى هستند كه خدا ايمان را بر صفحه دلهايشان نوشته و با روحى از ناحيه خودش آنها را تقويت فرموده، و آنها را در باغهايى از بهشت وارد مى‏كند كه نهرها از زير (درختانش) جارى است، جاودانه در آن مى‏مانند; خدا از آنها خشنود است، و آنان نيز از خدا خشنودند; آنها «حزب الله اند; بدانيد «حزب الله‏» پيروزان و رستگارانند].([[114]](#footnote-114))

و این راه و روش اولیای الهی است، در واقع آنها اول از طاغوت برائت می جویند که نشان دهنده برائت از طاغوت بر ایمان و تسلیم به خداوند متقدم است و قبل از آن می آید، چگونه ممکن است که انسان تسلیم خداوند باشد در حالی که با طاغوت رابطه داشته و دوستدار آن است یا دوستدار کسی باشد که مخالف خداوند و ررسول خداوند  باشد حتی اگر این مخالف از خانواده او باشد.

و حضرت یوسف ڠ که بر این معنی تأکید داشته و برائت را بر ولایت مقدم می داند: ﴿إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ \* وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَشْكُرُونَ﴾.

(من آيين قومى را كه به خدا ايمان ندارند، و به سراى ديگر كافرند، ترك گفتم (و شايسته چنين موهبتى شدم)!   
من از آيين پدرانم ابراهيم و اسحاق و يعقوب پيروى كردم! براى ما شايسته نبود چيزى را همتاى خدا قرار دهيم; اين از فضل خدا بر ما و بر مردم است; ولى بيشتر مردم شكرگزارى نمى‏كنند).([[115]](#footnote-115))

\*\*\*

سؤال/91: معنی این چیست؟: ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [بر كسانى كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‏اند، گناهى در آنچه خورده‏اند نيست; اگر تقوا پيشه كنند، و ايمان بياورند، و اعمال صالح انجام دهند; سپس تقوا پيشه كنند و ايمان آورند; سپس تقوا پيشه كنند و نيكى نمايند. و خداوند، نيكوكاران را دوست مى‏دارد]([[116]](#footnote-116)) چرا واژه های ایمان آوردن و نیکوکاری و تقوا تکرار می شوند؟

جواب: ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا﴾:

بر آنان که ایمان آورده اند و نیکوکار شدند باکی نیست در آنچه از خوراکی ها خوردند:

یعنی کسانی که به رسول الله  ایمان آوردند، و نیکوکار شدند یعنی تابع ولایت بوده و از خلفاء و ائمه بعد از او پیروی کنند که همان ائمه اهل بیت ۏ هستند، -باکی نیست در آنچه از خوردنی ها خورند-، غذا در اینجا به معنی طعام روح است که همان علم می باشد یعنی در چیزی که از علم رسول الله  و اهل بیت ۏ او می گیرند باکی بر آنها نیست و علم آنها همان درختی است که خداوند حضرت آدم ڠ را از خوردن میوه آن نهی فرمود و در روایتی در مورد فرموده خداوند: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْأِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ [انسان بايد به غذاى خويش بنگرد]([[117]](#footnote-117))([[118]](#footnote-118)) یعنی اینکه به علم خود بنگرد که آن را از کجا کسب می کند.

﴿إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَات﴾**:** هر گاه تقوا پیشه کرده ایمان آورند و کارهای نیک کنند:

یعنی بر آنها باکی نیست اگر تقوا پیشه کرده و از خداوند ترسیده و به علمی که از حضرت رسول  و اهل بیت او ۏ گرفته اند ایمان آورند، این علم از شجره علم آل محمد ۏ است و این شجره در وسط بهشت قرار دارد و همان شجره طیبه و سدرة المنتهی است.

﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَات﴾: و کارهای نیک کنند:

یعنی به علمی که کسب کرده اند عمل کردند، و به طور کل علم حجت است مگر آنچه بدان عمل شود، و انسان اگر علم داشته باشد و به علم خود عمل نکند علم او فایده ای نخواهد داشت به طور مثال اگر فرد مؤمن بداند که کمک به یک شخص مؤمن نیکو است و به او کمک نکند در علم او فایده ای نخواهد بود.

﴿ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا﴾: و باز پرهیزکار شوند و ایمان آورند:

انسان اگر به آن علمی که از حضرت رسول  و اهل بیت او ۏ آموخته عمل کند و با مداومت بر عبادت و فرمان برداری از خداوند که همان اصل عمل است بی شک دروازه های غیب به روی او باز خواهد شد البته اگر در عمل خود مخلص باشد، که در این صورت آیاتی از پروردگارش خواهد دید، حال با رؤیای صادقه یا با کشف و مشاهده یا به هر طریقی که خدای تبارک و تعالی برای اولیای مخلص خویش می گشاید. و این چیزی که مؤمن در ملکوت آسمانها مشاهده می کند را باید بعد از اینکه تقوا پیشه کرده و از خدای خود ترس داشته به آن ایمان آورد و با تأمل و اطمینان فراوان به آن بنگرد تا به تأویل و تفسیر چیزی که مشاهده کرده.   
پی ببرد، و در این آیه (**- ثُم -** سپس) برای بیان کندی و تأخیر به کار رفته، یعنی این گونه گشوده شدن دروازه های ملکوت برای مؤمن، صرفاً با عمل محقق نمی شود بلکه با تداوم بسیار در عمل و اخلاص در طاعت می طلبد که دروازه های ملکوت آسمانها برای اولیای خدای تبارک و تعالی باز شود.

﴿ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا﴾**:** و باز پرهیزکار و نیکوکار شوند:

یعنی اینکه ترس از خداوند و نیکوکاری پیشه کرده و به آموزش مؤمنین و مردم و شناساندن آنها به چیزی که در ملکوت آسمانها دیده اند پرداختند و این همان مرحله تبلیغ است و برای این است که خداوند نفرمود ایمان آوردند چرا که آنها به چیزی که دیده اند به یقین رسیده اند و حالا در مرحله تبلیغ از خداوند متعال هستند.

﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾: که خدا نیکوکاران را دوست دارد:

چرا که مثال این افراد همچون انبیاء ۏ است و آنها مبلغینی برای خداوند به سوی خلقش هستند که حق را به آنها می شناسانند و آنها را به صراط مستقیم هدایت می کنند حضرت امیر المؤمنین ڠ در شرح حال این اولیاء می فرماید: ( ایام الله را یادآور می شوند و از مقام و منزلت او می ترسند و راهنمایانی هستند در جاهايي كه ذهن انسان به خطا مي رود و گویی دنیا را به قصد آخرت طی کرده و در حالی که در آن هستند ماوراء آنرا مشاهده کرده اند و انگار بر غیبهای اهل برزخ در طول اقامتشان در آن مطلع شده اند و قیامت برای آنان محقق شده و برای اهل دنیا پرده از اسرار آن برداشته اند تا آنجا که گویی چیزی را می بینند که دیگران نمی بینند و و چیزی را می شنوند که دیگران قادر به شنیدن آن نیستند).([[119]](#footnote-119))

\*\*\*

سؤال92: معنی این آیه چیست؟: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ﴾.

(همان كسى كه براى شما از درخت سبز، آتش آفريد و شما بوسيله آن، آتش مى‏افروزيد).([[120]](#footnote-120))

جواب: درخت سبز به معنی دین است؛ و این آیه به این معنی است که خداوند از دین برای شما نوری قرار داد که به واسطه آن به آسمانها ارتقاء پیدا کنید و نیز برای شما از دین نوری قرار داد که با آن در بین مردم سیر کرده و حق را از باطل تشخیص دهید، و با عبادت و فرمانبرداری از خداوند انسان ارتقاء پیدا کرده و خداوند برای او نوری قرار می دهد که با آن حق را بشناسد و آنرا ببیند، و این در واقع حقیقت مراد از این آیه است.

و اما ظاهر آیه مشخص است و احتیاج به توضیح ندارد و هر کس که از عملیات ترکیب نور در نباتات مطلع باشد می داند که همانا چوب نتیجه ای از نتایج این ترکیب است که به ماده سبزی که معمولاً در برگها موجود است بستگی دارد واین آیه ای از آیات خداوند است و نبات به طور مختصر مانند کارخانه ای عمل می کند که حرارت خورشید را به صورتي خاص در چوب ذخیره می کند و این چوب ممکن است این حرارت را در هر وقت باز پس دهد.

\*\*\*

سؤال/93: لطفاً توضیح دهید که سرّ اربعین چیست؟ و چرا در مواردی چون مرگ یا به دنیا آمدن نوزاد و در مواردی برای اخلاص در عملی به کار می رود؟

جواب: نامهای خداوند سبحان چهار نام است که سه تای آن ظاهر و یکی غایب است. و نامهای ظاهر خدای تبارک و تعالی همان ( الله، الرحمن، الرحیم) و اما نام غایب او کنه و حقیقت نام دارد و اسم رمز آن هم معروف به (هو) يا اسم اعظم اعظم اعظم است.

و با تجلی این اسماء در همه عالمها همه موجودات تجلی و ظهور پیدا می کنند، بعد از اینکه چیز قابل ذکری نبودند یعنی اینکه دارای وجود نبودند. و عالمهای موجو ده عالم می باشند که عبارتند از هفت آسمان و کرسی و عرش اعظم و سرادق عرش اعظم، که آنها سه تا در حج و هفت عالم اگر برگشتیم ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾.([[121]](#footnote-121))

(و حج و عمره را براى خدا به اتمام برسانيد! و اگر محصور شديد، (و مانعى پیش امد) آنچه فراهم شود و سرهاى خود را نتراشيد، تا هدایت به محلش برسد! و اگر كسى از شما بيمار بود، و يا ناراحتى در سر داشت، بايد فديه و كفاره‏اى از قبيل روزه يا صدقه يا گوسفندى بدهد! و هنگامى كه (از بيمارى و دشمن) در امان بوديد، هر كس با ختم عمره، حج را آغاز كند، آنچه از هدایت براى او ميسر است و هر كه نيافت، سه روز در ايام حج، و هفت‏روز هنگامى كه باز مى‏گرديد، روزه بدارد! اين، ده روز كامل است. (البته) اين براى كسى است كه خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد و از خدا بپرهيزيد! و بدانيد كه او، سخت‏كيفر است).

و سه عالم که در حج است – یعنی در خانه خدا - همان کرسی و عرش اعظم و سرادق عرش اعظم، می باشد. و هفت عالم هنگام برگشت همان هفت آسمان است برای آنکس که از اهل مسجد نباشد یعنی کسی که از آل محمد ۏ نباشد.

و روزه در اینجا در واقع روزه از - **منیت** - (خودخواهی و خودبینی) است در (ده مقام) سه مقام در حج، کرسی و عرش و سرادق عرش و هفت مقام در برگشت عبارت از هفت آسمان است و در هر مقام چهار حالت وجود دارد که مربوط به تجلی چهار نام خداوند است؛ به این ترتیب روزه منیّت و خودبینی و خودخواهی به چهل حالت می رسد. در نهایت هر کس که چهل شبانه روز برای خداوند مخلص شود چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد.([[122]](#footnote-122))

و نفس انسان برای انتقال از عالمی به عالم دیگر به طور کلی محتاج این چهل حالت می باشد و نفس نوزاد مستقر نمی شود مگر بعد از چهل شبانه روز و همچنین نفس متوفی مستقر نمی شود مگر بعد از چهل شبانه روز و کلام در مورد اربعین بسیار طولانی است و به نظر می رسد که شرح این مسئله تا این جا کافی می باشد.

\*\*\*

سؤال/94: خداوند می فرماید: ﴿وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْآكِلِينَ﴾.

[و (نيز) درختى را كه از طور سينا مى‏رويد (درخت زيتون)، و از آن روغن و «نان خورش‏» براى خورندگان فراهم مى‏گردد (آفريديم)]([[123]](#footnote-123)) معنی این آیه چیست؟

جواب: خداوند می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ﴾.

[و از آسمان، آبى به اندازه معين نازل كرديم; و آن را در زمين (در جايگاه مخصوصى) ساكن نموديم; و ما بر از بين بردن آن كاملا قادريم]([[124]](#footnote-124)) و آب: همان نور محمد  که همان علم است:

﴿فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾.

(سپس بوسيله آن باغهايى از درختان نخل و انگور براى شما ايجاد كرديم; باغهايى كه در آن ميوه‏هاى بسيار است; و از آن ميخوريد).([[125]](#footnote-125))

جنات – یا باغهای بهشت، آل محمد ۏ و درختان خرما و انگور و میوه های مختلف هم شیعیان و اولیای مخلص آنها می باشند.

﴿وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآكِلِين﴾.([[126]](#footnote-126))

(نیز) درختی را که از طور سینا خارج و در روغن می‌روید و رنگش برای خورندگان فراهم می‌گردد - و این درخت: قائم آل محمد ۏ ، و طور: نجف اشرف می باشد که همانا در روایات اهل بیت ۏ آمده است که ملائکه کوه طور سیناء را به نجف اشرف منتقل کردند.([[127]](#footnote-127))

﴿تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ﴾: بر روی روغن رشد كرده: درختان معمولاً با آب که مایع رقیقی است رشد می کنند اما زیت یا روغن مایعی غلیظ و سنگین است و درختان با آن رشد نمی کنند لکن این درخت درختی خاص با خصوصیتهای متفاوت می باشد و این درخت به جای رشد با استفاده از آب از زیت یا روغن سیرآب می شود که اشاره به علم سنگین و نور خالص دارد ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ﴾**.**([[128]](#footnote-128))

نزديك است آتش شعله‏ور شود اگر اتش ان را لمس نمی نمود نورى است بر فراز نورى.

﴿وَصِبْغٍ لِلْآكِلِينَ﴾: رنگی برای خورندگان: برای خوردن غذا تقدیم می شود نه رنگ، پس این رنگ نتیجه خوردن از این درخت می باشد منظور کسانی است که از ثمره این درخت می خورند و از علم آن برداشت می کنند از علم امام مهدی ڠ سیرآب می شوند و به عبارتی به رنگ الهی رنگ می شوند: ﴿صِبْغَةَ اللّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّهِ صِبْغَةً﴾([[129]](#footnote-129)).اين است نگارگرى الهى و كيست‏خوش‏نگارتر از خدا و ما او را پرستندگانيم.

\*\*\*

سؤال/95: آیا طلب حضرت ابراهیم ڠ از خداوند در مورد زنده کردن مردگان طلبی به جا و مناسب و لایق جایگاه او است یا خیر؟ خداوند می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْياً وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.

(هنگامى را كه ابراهيم گفت: «خدايا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده مى‏كنى؟» فرمود: «مگر ايمان نياورده‏اى؟!» عرض كرد: «آرى، ولى مى‏خواهم قلبم آرامش يابد.  فرمود: «در اين صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب كن! و آنها را (پس از ذبح كردن) قطعه قطعه كن سپس بر هر كوهى، قسمتى از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوى تو مى‏آيند! و بدان خداوند قادر و حكيم است).([[130]](#footnote-130))

جواب: طلب حضرت ابراهیم ڠ این گونه بود که (به من بنما که چگونه مردگان را به دست من زنده گردانی) و مطلقا این گونه نبودکه بخواهد زنده شدن مردگان به دست خداوند را ببیند، در آخر آیه می فرماید: (سپس آن مرغان را بخوان تا به سوی تو شتابان پرواز کنند) یعنی تو آنها را بخوان ای ابراهیم به این معنی که اجرا کننده مستقیم برای زنده کردن خود ابراهیم ڠ است. و این طلب از جانب ابراهیم ڠ از خداوند به این خاطر بود که انبیاء و اولیای خود را گناهکار و مقصرمی دانند و از شدت تواضع خود را مناسب این که حجت خداوند بر خلقش و محل نزول فیض و عطا و کرمش می باشند نمی. در روایتی از آنها ۏ آمده است که طلب ابراهیم ڠ برای این بود که مطمئن شود که او خلیل الله است).([[131]](#footnote-131))

\*\*\*

سؤال/96: (يامن دل على ذاته بذاته [ای آنکه نشانگر ذات خود با ذات خویش است]) معنی این کلمات که در دعای صباح آمده است چیست؟

جواب: یعنی نشانگر ذات خود یا مدینه کمالات الهی یا الله تبارک و تعالی است با ذات خود در خلق که همان شهر علم یا محمد . پس محمد  وجه خداوند تبارک و تعالی و صورت او در خلق می باشد، و در واقع شما اگر تصویر کسی را ببینید صاحب آن را خواهید شناخت.

\*\*\*

سؤال/97: عبادت یحیی ڠ که ترس از آتش دارد طبق روایاتی که وارد شده چگونه با عبادت آزادگان تناسب دارد؟

جواب: عبادت آزادگان - ا حرار- به این معنی نیست که از آتش جهنم و غضب خداوند نمی هراسندو در طلب بهشت و ثواب خداوند نیستند؛ و کسی که خداوند را از روی عشق و شوق و حمد و سپاسگذاری عبادت می کند چگونه ممکن است از خدای تبارک و تعالی ترس و واهمه ای نداشته باشد در حالی که او عبد (بنده) است و حقیقت عبودیت اش شائبه ای ظلمت و عدم اوست؛ همان منیت وجود است که هرگز از انسان جدا نمی شود؛ و ان گناه ملازم و همراه آنهاست؛گناهي كه از آغاز زندگي بوده و تا آخر عمر خواهد بود) چگونه ممکن است از خداوند ترسی نداشته باشد در حالی که او گناهکاری مقصر است:

﴿وَلَوْلا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَداً﴾.([[132]](#footnote-132))

(اگر فضل و رحمت الهى بر شمانبود، هرگز احدى از شما پاك نمى‏شد).

این در صورتی است که بنده گناه و معصیتی نداشته باشد و این بنده از لغزش معصوم باشد، که در این صورت حقش این است که تمام اندامش از ترس خداوند به لرزه افتد چه رسد به جنایتکاران معصیت کار.

و اما عطای خداوند و بهشت و ثوابش، چگونه است کسی است که خداوند را دوست دارد ان را طلب نمی کند، هر کس خداوند را دوست داشته باشد عطایش را نیز دوست دارد در واقع هر نعمتی که از خداوند به او برسد را دوست دارد؛ نه به این خاطر که از آن لذت می برد بلکه به این خاطر که از عطاهای حبیبش تبارک و تعالی است. در این مورد در حدیثی قدسی آمده است، به این معنی که: (ای پسر عمران مرا بخوان برای بند کفشت و علف استرت و نمک نانت) .([[133]](#footnote-133))

\*\*\*

سؤال/98: خداوند می فرماید: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا \* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا \* وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ [به خورشيد و گسترش نور آن سوگند، و به ماه هنگامى كه بعد از آن درآيد، و به روز هنگامى كه صفحه ان را روشن سازد،([[134]](#footnote-134)) چگونه ممکن است که روز به خورشید روشنی بخشد و آیا این خورشید نیست که در واقع روز را روشنی می بخشد و آن را ظاهر می سازد؟

جواب: در این آیه خورشید به معنی رسول الله  است، و ماه که پیرو آن است علی بن ابی طالب ڠ است که وصی او و خلیفه اوست، و روز در این آیه امام مهدی ڠ است. و به طور حتمی امام مهدی ڠ از حضرت محمد  و امام علی ڠ و از نسل آنهاست و امام مهدی ڠ در واقع از حضرت محمد  تجلی و ظهور پیدا کرده است، امام مهدی ڠ همان کسی است که حقیقت رسول الله  یا خورشید را برای خلق ومردم ظاهر و روشن می سازد و این امر هنگامی است که امام ڠ ظهور می کند و مردم را با حقیقت رسول الله  آشنا می سازد. پس ظهور و تجلی امام مهدی ڠ از رسول الله  بوده و نیز ظهور و تجلی حضرت محمد  برای خلق از امام مهدی ڠ خواهد بود.

\*\*\*

سؤال/99: معنی این آیه چیست؟ ﴿إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرائيلُ عَلَى نَفْسِهِ﴾.

[جز آنچه اسرائيل (يعقوب)، پيش از نزول تورات، بر خود تحريم كرده بود].([[135]](#footnote-135))

جواب: در احادیث آمده است که یعقوب خورن گوشت شتر را بر خود حرام کرده بود([[136]](#footnote-136)) که این امر مصداق این آیه است، اما در بعضی موارد انبیاء ۏ از جمله انها یعقوب ڠ یا اسرائیل حق انتخاب داشتند. بنابراین در مواردی حق حلال کردن یا تحریم چیزی یا قبول و عدم قبول حکمی را داشتند، و در موارد زیادی این امر در کلام اهل بیت ۏ دیده می شود، مانند فرموده ایشان ۏ که اگر رسول الله  در موردی چنین عمل می فرمود آن امر واجب می شد یا فرموده ایشان ۏ که رسول الله  نماز را در فلان مورد هنگام سفر و هنگام حضور و سكون دو رکعت تعیین فرمود؛ یا اینکه دو رکعت اضافه فرمود.([[137]](#footnote-137))

همچنين حضرت داود ڠ و حضرت سلیمان ڠ چنین حکم می فرمودند: ﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ \* فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلّاً آتَيْنَا حُكْماً وَعِلْما... ﴾ (و داوود و سليمان را (به خاطر بياور) هنگامى كه درباره كشتزارى كه گوسفندان بى شبان قوم، شبانگاه در آن چريده (و آن را تباه كرده) بودند، داورى مى‏كردند; و ما بر حكم آنان شاهد بوديم\*ما (حكم واقعى) آن را به سليمان فهمانديم; و به هر يك از آنان (شايستگى) داورى، و علم فراوانى داديم).([[138]](#footnote-138))

هر دو حکم صحیح و هر دو حکم خداوند است با وجود اینکه مخالف هم بودندخداوند فرمود: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾([[139]](#footnote-139)). اين بخشش ماست بى‏شمار ببخش يا نگاه دار.

البته دایره حرکتی آنها مقید به حدود خدای تبارک و تعالی و در چهار چوب شریعت خداوند است و حرکت آنها در مسیری غیر از این نخواهد بود و به طور مثال در حدیثی از اهل بیت ۏ آمده، در مورد عدم قبول همه انبیاء ۏ در مورد این آیه یا مفهوم معنی آن ﴿لِّلَّهِ ما فِي السَّمَاواتِ وَمَا فِي الأَرْضِ وَإِن تُبْدُواْ مَا فِي أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ اللّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.([[140]](#footnote-140))

(هر آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند است و آنچه در نفس و نیت شماست را اگر آشکار یا پنهان کنید خداوند شما را مورد حساب و کتاب قرار خواهد داد و خداوند هر که را بخواهد می بخشاید یا عذاب می دهد و خداوند به هر کاری تواناست).

به جز رسول الله محمد  و ائمه ۏ و امت محمد  که در واقع امت خاص محمد  که همان سیصدوسیزده نفر اصحاب قائم ڠ می باشند است.

پس انبیاء ۏ در قبول یا عدم قبول این حکم مختار هستند و آنهایی که این حکم را پذیرفنتد و شروع به محاسبه نفس خود بنابر چیزی که در درونشان وجود داشت پرداختند قبل از اینکه مورد محاسبه قرار گیرند، که در نتیجه به یک پیروزی عظیم و مقامی رفیع دست یافتند و رضایت پروردگار را کسب کردند.

\*\*\*

سؤال/100: در حدیثی قدسی آمده است که: (مادامی که بنده ام به وسیله نافله ها همچنان به من نزدیک می شود تا آنجا که او را دوست بدارم که اگر او را دوست داشتم برای او دستی که با آن عمل می کند و چشمی که با آن می بینید خواهم شد).

و در حدیثی دیگر آمده است: (بنده ام به من با فرائض همچنان نزدیک می شود... تا آنجا که دست من و گوش و چشم من خواهد شد).([[141]](#footnote-141))

و به طور معلوم نافله ها نمازهای مستحب و فرائض نمازهای واجب هستند و معمولاً انسان نماز مستحب را به جا نمی آورد مگر بعد از به جا آوردن نمازهای واجب و سؤال در اینجا این است که چگونه است که تقرب به خداوند با واجبات به خودی خود فضل بیشتری نسبت به تقرب به خداوند به وسیله واجبات و مستحبات باهم داشته باشد، طوری که نتیجه در حدیث دوم عظیم تر بیان شده است، یعنی اینکه انسان دست و چشم خداوند باشد؟.

جواب: نافله ها در این حدیث قدسی صرفاً نماز مستحب نمی باشد، بلکه آن تمام چیزهایی که خداوند بر انسان فرض فرمود و به سوی آن رهنمون شد، از نماز و روزه و زکات و حج.... الی آخر، پس نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء همه برحسب این حدیث قدسی نافله هستند به این معنی که زائد یا اضافه شده به یک عمل اساسی دیگر می باشند که در واقع همان عمل مهم و مطلوب است، چرا که این اعمال بدون این عمل مهم سودی به بنده نخواهد رساند، که این عمل همان ولایت ولی خداوند و خلیفه او ڠ بر روی زمین است.

مثلاً اگر یک شخص مسیحی تمام عبادات دین اسلام را به جا آورد بدون پیروی از ولایت حضرت محمد  سودی برایش نخواهد داشت یا اگر یک فرد مسلمان تمام عبادات دین اسلام را به جا آورد بدون داشتن ولایت حضرت علی ڠ برای او سودی نخواهد داشت، یا اینکه اگر یک مسلمان شیعی همه عبادات دین اسلام و ولایت حضرت علی ڠ و ائمه ۏ را داشته باشد بدون داشتن ولایت امام مهدی ڠ سودی برایش نخوهد داشت، مگر اینکه در این دنیا از آنها استفاده کرده و آنها را وسیله ای برای شناخت و معرفت ولی خدا قرار دهد.

بلکه کسی که به وسیله نافله ها تقرب می جوید حتی اگر پیرو ولایت ولی خدا باشد، سودی نخواهد برد و ارتقایی پیدا نخواهد کرد مگر به اندازه پیروی و موالاتی که در سینه اش حمل می کند.

اما فرائض همان ولایت ولی خداست، و ولایت همان نماز واجب و حج و زکات واجب و صیام واجب است، پس نماز همان توجه همراه با تضرع و دعا به سوی قبله است، و بهترین قبله ای که انسان می تواند در زمان خویش به آن روی آورد ولی و حجت خداوند بر بندگانش است و همچنین بهترین دعا و تضرع برای خداوند دوست داشتن و ارادات نسبت به ولی و حجت او بر بندگان می باشند: ( دوست داشتن علی ڠ حسنه ای است که هیچ خطايي به آن ضرر نمی رساند).([[142]](#footnote-142))

و نیز حج که سفر به یک مقصد مشخص است، بهترین سفر، سفر به سوی خداوند و به قصد ولی خداوند و حجت او بر بندگان است چرا که این حجت قبله ای است که از طریق آن خداوند شناخته می شود (بكم عرف الله)([[143]](#footnote-143)) به وسیله ی شما خداوند شناخته می شود؟.

رسول الله  می فرماید: (ا**بن آدم إفعل الخير ودع الشر فإذا أنت جواد قاصد**).([[144]](#footnote-144))

(ای انسان به نيكي عمل كن و شر را واگذار اگر قصد خداوند كريم را خواهی).

فعل خیر همان ولایت ولی الله و ترک شر همان کفر به طاغوت می باشد، و به طور حتمی پیروی از ولی الله مراتب مختلف دارد، و آن کس که نهایت سعی خویش را مبذول می دارد که در تمام امور و لحظات موالی و پیرو حجت الهی باشد مسلماً مانند کسی نیست که صرفاً با زبان خود پیروی می کند ، و هر چه ملازمت و پیروی از ولی خداوند بیشتر و عمیق تر باشد تقرب به سوی خداوند متعال بیشتر و عظیم تر خواهد بود و این امر تا آنجا پیش می رود این بنده ملازم و پیرو ولی الله تا به تصویری دیگر از ولی و حجت خداوند تبدیل گردد و به این ترتیب این بنده چشم خداوند و دست خداوند خواهد شد همانطوری که ولی الله و حجت او بر خلق خود چشم خداوند و دست خداوند است.([[145]](#footnote-145))

\*\*\*

سؤال/101: خداوند می فرماید: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلاةِ الْوُسْطَى﴾.

[در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطى كوشا باشيد! و از روى خضوع و اطاعت، براى خدا بپاخيزيد]([[146]](#footnote-146)) در اینجا نماز وسط به چه معناست؟

جواب: نماز وسط خاصا"، همان نماز جمعه است؛ و قرینه آن در باقی روزها نماز ظهر است، واین امر مخصوصاً برای محافظت بر نماز جمعه و برای تأکید بر آن است، چرا که در آن مسلمین برای اصلاح آنچه از دین و دنیای آنها تباه شده و بردن فیض از فضل الهی گرد هم می آیند و این به حسب ظاهر امر است.

اما در حقیقت نماز همان ولایت ولی خداوند و حجت او بر بندگان است، پس نماز وسط یا نماز جمعه در واقع عمل و جهاد در رکاب قائم ڠ می باشد، و نماز قائم ڠ همان نماز جمعه است؛ چرا که امت اسلامی را بر حق و طریق مستقیم گرد هم می آورد بعد از اینکه حاكمان جور و گمراهی و علمای غیر عامل امت اسلامی را پراکنده کرده اند. نماز قائم ڠ همان نماز وسط است چرا که اصحاب او ڠ - خود نماز و خود عمل و جهاد و خود امت وسط([[147]](#footnote-147)) می باشند-: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً﴾ [شما را نيز، امت وسطی قرار داديم تا بر مردم گواه باشيد; و پيامبر هم بر شما گواه است].([[148]](#footnote-148))

به طور حتم اکثر مسلمین نمی توانند شاهدی بر مردم باشند، چگونه ممکن است فردی شراب خوار یا زناکار یا هر عصیانگر دیگری در محکمه الهی بر مردم شاهد باشد، بلکه همانا اینها امت وسط هستند، که همان سیصدوسیزده نفر هستند پس آنها هستند که بر مردم شاهدند چرا که آنها بندگان واقعی خداوند هستند و آنها قومی عابد و مخلص و نیز مستضعف هستند که در آسمان معروف و بر روی زمین مجهول هستند و در راه خداوند ملامت هیچ ملامت کننده ای شامل آنها نمی شود خداوند می فرمايد:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾.([[149]](#footnote-149))

\*\*\*

سؤال/102: امام صادق ڠ می فرماید: (**إن استطعت أن لا تأكل إلا الله فافعل**).

(اگر توانستی که جز خداوند نخوری انجام بده) معنی این حدیث چیست؟

جواب: یعنی این که در همه حال ذاکر خدای تبارک و تعالی باشید با علم به اینکه ذکر غذای روح است سپس غذای جسد را به مقدار حاجت کم كنيد به این معنی که مصرف غذا برای قوت گرفتن باشد نه برای شهوت، حضرت عیسی ڠ می فرماید: (انسان صرفاً با طعام زنده نمی ماند بلکه با کلمه الله است که زنده می ماند) و این گونه است که انسان در آسمان هاي ملکوتی به مقامات می رسد، و بدون غذای جسمانی و مادی، می خورد و می آشامد، و شخص روزه دار اگر در هنگام روز به خواب رود در خواب غذا می خورد و سیرآب می شود بنابر حدیثی که از معصومین ۏ آمده است ([[150]](#footnote-150))، و بسیاری از کسانی که در ایام روزه داری و در هنگام روز به خواب می روند در خواب می بینند که غذا خورده و سیرآب شده اند و وقتی که از خواب بیدار می شوند احساس می کنند که گرسنگی و تشنگی آنها رفع شده است؛ و انگار که در این عالم جسمانی خورده و نوشیده اند، امام صادق ڠ مردم را به ذکر بیشتر خداوند و تقلیل طلب دنیا ارشاد می نماید.

و در واقع حقیقتی را که باید مردم بدانند این است که: (انسان با طعام می میرد) با طعام و شهوات روح انسان از ارتقای خود باز می ماند، و به تدبیر این بدن جسمانی محصور می شود؛ و این انحصار و مشغول شدن روح به جسم برای آن به معنی یک مرگ تدریجی خواهد بود؛ اما ذکر و سعی و تلاش و انشغال در راه خداوند تبارک و تعالی خود گونه ای از حیات و ترقی تدریجی می باشد.

\*\*\*

سؤال/103: خداوند می فرماید: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكاً رَسُولاً﴾ (بگو:اگر در روى زمين فرشتگانى با آرامش گام برمى‏داشتند، ما فرشته‏اى را به عنوان رسول، بر آنها مى‏فرستاديم).([[151]](#footnote-151))

سبب عدم اطمینان فرشتگان در تبلیغ رسالت چیست؟

جواب: فرشتگان ۏ آن گونه که فکر می کنید یا بنا به درک شما از آیه در تبلیغ رسالت غیر مطمئن نیستند، اما آنها از نزول بر هر نقطه ای از زمین و بر هر کس مطمئن نیستند، فرشتگان مقدس و پاکند و جز به بقعه ای (قطعه) پاك و مقدس یا نفسی طاهر و مقدس نزدیک نمی شوند و اگر مجبور به نزول بر بقعه ای ناپاک یا نفسی غیر منزه شوند با آن مطمئن و آسوده خاطر نخواهند بود و به این خاطر است که کافران و منافقین رؤیای صالحه به ندرت می بینند یا به طور کل نمی بینند، و غالباً فرشتگان بر بقعه غیر طاهر نزول نمی کنند مگر برای انزال عذاب باشد،

پس نزول فرشتگان مكان هاي پاك و مقدس و بر انفس پاک و مقدس مانند نفس انبیاء و مرسلین و ائمه ۏ خواهد بود.

برای توضیح بیشتر در مورد عدم اطمینان حرکت فرشتگان بر روی زمین معمولاً این مثال را عرض می کنم، آیا شما بر روی زمینی که در آن مقدار یک وجب نجاست بالا امده باشد به شكلي كه برای خروج از آنجا به زحمت بتوان جای پا پیدا کرد می توانید به طور مطمئن حرکت کنید. یا به طور مثال اگر وارد فاضلاب شوید آیا مطمئن خواهید بود كه آلوده نخواهيد شد؟! (خداوند ما و شما را از این گونه اماکن به دور دارد)، تصویر زمین از ديد فرشتگان این گونه است چگونه ممکن است با اطمینان روی آن حرکت کنند، بله درست است که روی زمین اماکنی وجود دارد که برای عبادت و طاعت خداوند در نظر گرفته شده و خداوند در آن اماكن عبادت می شود و این اماکن طاهر تنها جایی است که فرشتگان در آنجا نازل می شوند و نیز نفوس پاک و مقدسی وجود دارد که ملائکه بر آنها نازل می شود پس این نفوس طاهر و اماکن مقدس است که فرشتگان بر آنها نازل می شوند و در آنها قرار و اطمینان می گیرند نه هر جای دیگری که بنی آدم با پیروی از شهوات و معصیت خداوند آن را آلوده کرده اند.

\*\*\*

سؤال/104: معنى این فرموده خداوند چيست؟

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾.

(آيا نديدند كه ما پيوسته به سراغ زمين مى‏آييم و از اطراف (و جوانب) آن كم مى‏كنيم؟! و خداوند حكم مى‏كند; و هيچ كس را ياراى جلوگيرى يا رد احكام او نيست; و او سريع الحساب است).([[152]](#footnote-152))

و نیز: ﴿أَفَلا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾.

[آيا نمى‏بينند كه ما پيوسته به سراغ زمين آمده، و از اطراف آن مى‏كاهيم؟! آيا آنها غالبند (يا ما)]؟.([[153]](#footnote-153))

جواب: زمین با نزول نطفه ها بر آن اضافه و با بالا رفتن نطفه ها از آن کاسته می شود و این اضافه شدن و کاستن بسبب تولد انسان جدیدی در این عالم جسمانی است یا خروج یک انسان از این عالم جسمانی با مرگ می باشد، که در آیات ذکر شده. یعنی با خروج نطفه از آن به سبب مرگ انسان ها.

اما اطراف زمین همان حجتهای خداوند از انبیاء و مرسلین و ائمه ۏ هستند، و طرف هر چیز نهایت و آخر آن یا ابتدا و اول آن است، و در اطراف زمین حجت الهی ۏ بر خلق می باشد؛ چرا که او سبب فیض نازل از آسمان بر روی زمین می باشد، پس موضع اتصال این فیض همان اطراف زمین است، و این فیض همانا نوری است که بر روی زمین از یک طرف به سوی طرف دیگر تجلی پیدا می کند که بدون آن زمین بر اهل خود نابود می شد و به عدم تبدیل می گشت.

پس حجت های الهی ۏ همان اطراف زمین و همان ابتدا و نهایت و اول و آخرآن هستند، پس با مرگ حجت ۏ زمین از اطراف آن کاسته می شود و بدون وجود کسی كه جانشین او باشد، کسی که حجت الهی بر روی زمین باشد، زمین بر اهل خود نابود می شد به این دلیل که از موضع نزول فیض الهی و نور الهی خالی می شود: ﴿وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ \* أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾.([[154]](#footnote-154))

[و اگر پاره‏اى از مجازاتها را كه به آنها وعده مى‏دهيم به تو نشان دهيم، يا (پيش از فرا رسيدن اين مجازاتها) تو را بميرانيم، در هر حال تو فقط مامور ابلاغ هستى; و حساب (آنها) برماست. \* آيا نديدند كه ما پيوسته به سراغ زمين مى‏آييم و از اطراف (و جوانب) آن كم مى‏كنيم؟! و خداوند حكومت مى‏كند; و هيچ كس را ياراى جلوگيرى يا رد احكام او نيست; و او سريع الحساب است].

﴿بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾.

[ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهره‏مند ساختيم، تا آنجا كه عمر طولانى پيدا كردند (و مايه غرور و طغيانشان شد); آيا نمى‏بينند كه ما پيوسته به سراغ زمين آمده، و از اطراف آن مى‏كاهيم؟! آيا آنها غالبند (يا ما)]؟.([[155]](#footnote-155))

و در هر دو آیه یادآوری به مرگ و رجوع به سوی خدای تبارک و تعالی که انسان ناگزیر از آن است دیده می شود، که اگر مرگ حجتهای الهی ۏ و وفاتشان امری حتمی باشد پس مرگ هر کسی غیر از آنها از انسانهایی که از ذکر خداوند غافلند اولی تر و منطقی تر است:

﴿وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ﴾.([[156]](#footnote-156))

[پيش از تو (نيز) براى هيچ انسانى جاودانگى قرار نداديم; آيا اگر تو بميرى، آنان جاويد خواهند بود]؟.

\*\*\*

سؤال/105: سنت امام مهدی ڠ همان سنت انبیاء و مرسلین است آیا ممکن است امام ڠ یا فرستاده ایشان بعضی امور را که ظاهراً حرام است انجام دهد یا دستور آنرا صادر کند، به طور مثال مانند اموری که در سوره کهف ذکر شده، و در صورتی که امام ڠ این گونه دستورات را به اصحاب خود یا بعضی مردم دادند چگونه می توان دانست که این امور، اموری باطنی و مشروع است؟

جواب: بله امام مهدی ڠ بسیاری از امور را که بعضی مردم و حتي بعضی از اصحاب خود امام ڠ معتقدند مخالف شریعت است انجام می دهد، همان گونه که در بعضی از روایات اهل بیت ۏ آمده است که امام ڠ به حکم بعضی از انبیاء سابقین ۏ حکم می نماید که بعضی از انصار ایشان به وی اعتراض می کنند.([[157]](#footnote-157))

و بعد روشن می شود که امر، امری مشروع و صحیح می باشد چرا که کسی که اقدام به انجام آن می کند امام مهدی ڠ است، و اگر امر برای کسی مشتبه شود می تواند به دلیل متحیرین که ارحم الراحمین و قادر مطلق است رجوع کند که امر را برایش با رؤیایی صادقه یا به هر طریقی که بین او و خدایش است روشن کند.

\*\*\*

سؤال/106: فرموده خداوند در این آیه به چه معنا است: ﴿إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَاراً سَآتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ \* فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [(به خاطر بياور) هنگامى را كه موسى به خانواده خود گفت: «من آتشى از دور ديدم; بزودى خبرى از آن براى شما مى‏آورم، يا شعله آتشى تا گرم شويد.» \*هنگامى كه نزد آتش آمد، ندايى برخاست كه: «مبارك باد آن كس كه در آتش است و كسى كه در اطراف آن است و منزه است خداوندى كه پروردگار جهانيان است].([[158]](#footnote-158))

جواب: برای بیان واضح تر مراد در این آیه های مبارک، این مثال را برای سهولت فهم آن به طور مقدمه عرض می کنم، اگر آتشی در جایی معین روشن باشد و شما باور داشته باشید که این آتش در آن مکان روشن وجود دارد برای روشن شدن آن بايد با یکی از طرقی که ذکر خواهد شد یقین حاصل می کنید:

1 – اینکه عده ای از افراد شما را از روشن بودن آن مطلع سازند.

2 – یا اینکه خود به آنجا رفته و به عینه آن را مشاهده کنید.

3 – یا شما به آنجا رفته و آنرا به چشم دیده و دست خود را در آن گذاشته تا انگشتتان بسوزد.

4 – ویا اینکه به آنجا رفته و آتش را به چشم ببیند و خود را در آن افکنده تا بسوزيد.

و در مورد اول و دوم ممکن است که نقض شوند، یعنی اگر مجموعه ای از افراد شما را از عدم وجود این آتش با خبر سازند نسبت به خبر اول دچار شک خواهید شد، و نیز اگر مجموعه ای از افراد به شما بگویند که چیزی که به چشم می بینید جادویی عظیم است نسبت به چیزی که می بینید دچار شک می شوید. اما موراد سوم و چهارم نقض نمی شوند چرا که اثر آتش روی دست شما موجود است یا اینکه شما در آتش سوخته اید و خود جزئی از آتش شده اید.

و به طور حتمی معرفت آن کس که انگشتش در آتش سوخته از معرفت آن که دستش یا جزء بزرگتری از جسمش در حقیقت آتش سوخته است کمتر است و معرفت اینها هم از آتش کمتر از آن است که به طور کل در آتش سوخته و خود به آتش تبدیل شده.

و اگر این مثال را به سوی معرفت خلق از خداوند سوق دهیم خواهیم یافت آن کس که همچون سوراخ سوزنی از عظمت الهی برایش گشوده شد و در نور الهی در لحظاتی شائبه عدم از وجودش پاک شد کسی است که خدای تبارک و تعالی در مورد او می فرماید: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا \* لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾.

[ما براى تو پيروزى آشكارى فراهم ساختيم!.تا خداوند گناهان گذشته و آينده‏اى را كه به تو نسبت مى‏دادند ببخشد].([[159]](#footnote-159))

فتح: همان محمد بن عبدالله ، عبدالله، و اسرئیل الله، و وجه الله در خلقش و بلکه خود الله در خلق است ( و ظهور تو در کوههای فاران) یعنی ظهور الله در مکه با بعثت محمد .

و آتش در این آیه محمد  است و خود برکتی است که خداوند با آن کسی را که در آتش و اطراف آن است مبارک می گرداند و اما کسی که در آتش است علی بن ابی طالب ڠ است. امام علی ڠ در یکی از خطبه هایش می فرماید: **أنا من كلّم موسى**)([[160]](#footnote-160))، من مکلم موسی هستم) و منکر این کلمات از امیر المؤمنین ڠ نباشید که مبادا در هلاکت بیفتید، خداوند می فرماید: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ (خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض مى‏كند).([[161]](#footnote-161))

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْت﴾ [بگو: «فرشته مرگ كه بر شما مامور شده، (روح) شما را مى‏گيرد].([[162]](#footnote-162))  
 ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِم﴾ [همانها كه فرشتگان (مرگ) روحشان را مى‏گيرند در حالى كه به خود ظلم كرده بودند].([[163]](#footnote-163))

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِكَةُ طَيِّبِينَ﴾ [همانها كه فرشتگان (مرگ) روحشان را مى‏گيرند در حالى كه پاك و پاكيزه‏اند].([[164]](#footnote-164))

﴿حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا﴾ [(در اين موقع) فرستادگان ما جان او را مى‏گيرند].([[165]](#footnote-165))

﴿حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ﴾[تا زمانى كه فرستادگان ما به سراغشان روند و جانشان را بگيرند].([[166]](#footnote-166))

در این آیات تدبر کنید تا بدانید امام علی ڠ با این کلمات قصد رساندن چه چیزی را دارد، کلماتی که امروزه متأسفانه بسیاری از مردم با جهل و عدم تدبیر خود منکر آنها شده اند، پس خدای تبارک و تعالی قبض روح می کند چون خالق مطلق و مسلط بر همه عالمها و جان دهنده و گیرنده است، و ملک الموت (عزرائیل ڠ) قبض روح می کند چرا که رئیس ملائکه قبض روح است، و ملائکه قبض روح می کنند چرا که آنها مجری امر ملک الموت که او نیز مجری امر خداوند سبحان است.

اما کسانی که اطراف آن - یعنی اطرف آتش هستند- همان ائمه معصومین ۏ می باشند، همچون حلقه ای که به مرکز آتش نزدیکتر است و بعد از آنها حلقاتی که گرداگرد مرکز هستند و آنها دوازده مهدی بعد از قائم ڠ و انبیاء و مرسلین و شیعیان خاص که ترس و اندوهی بر آنها نیست همچون سیصدوسیزده نفر اصحاب قائم ڠ و سلمان محمدی و نظیر آنها.

پس موسی ڠ می خواست برای اهل بیتش خبر و هدایتی از آتش بیاورد که با آن گرم شوند یعنی در آن بسوزند، که به یقینی برسند که هیچ شکی همراه آن نباشد. ﴿وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى \* إِذْ رَأى نَاراً فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَاراً لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدىً﴾.([[167]](#footnote-167))

(و آيا خبر موسى به تو رسيده است؟ هنگامى كه (از دور) آتشى مشاهده كرد، و به خانواده خود گفت: درنگ كنيد كه من آتشى ديدم! شايد شعله‏اى از آن براى شما بياورم; يا بوسيله اين آتش راه را پيدا كنم  
اما در حیات این دنیا آتش همان مصائب و دردهایی است که اهل بیت ۏ از آزار طواغیت و فراعنه (لعنت خدا بر آنها باد) دیده اند، و روایت است که دجال می آید و کوهی از آتش همراه اوست که هر کس وارد آن شود وارد بهشت می شود([[168]](#footnote-168))  و آمریکا همان دجال است و کوه آتش آلت جنگی عظیم آنهاست و مؤمنین با مبارزه با آمریکا وارد بهشت می شوند؛ و ابراهیم ڠ در این دنیا وارد آتش شد، آتشی که نمرود و طاغوتيانش (لع) با ظلم و جور و فساد برافروختند که هر کس را که رو در روی ظلم و جور و فسادشان بایستد در آن بسوزانند، لکن این آتش بر ابراهیم ڠ گلستان شد،- برداً وسلاماً).

و نیز برای هر کس که خود را در آن بیاندازد گلستان خواهد شد و این سنت خداوند است و تحویل و تبدیلی برای آن نیست.

\*\*\*

سؤال/107: چگونه با منیت و غرور مبارزه کنیم؟

جواب: مبارزه با منیت و خودبینی از دو جهت است: اول در این عالم جسمانی و دوم در ملکوت و عالم روحانی است چون انسان مرکب از جسم و روح (یا نفس که ناطق است و در بهشت در پایین ترین مراتب روح قرار دارد).

اما مبارزه با منیت و خودبینی در این عالم جسمانی، با مکارم اخلاقی که مهمترین آنها کرم و سخاوت است امکان پذیر می شود خداوند می فرماید: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ [آنها را بر خود مقدم مى‏دارند هر چند خودشان بسيار نيازمند باشند; كسانى كه از بخل و حرص نفس خويش باز داشته شده‏اند رستگارانند].([[169]](#footnote-169))

و بر هر مؤمنی واجب است که در راه خدا بر فقرا و مساکین انفاق کند و در فراهم آوردن تجهيزات نظامی برای مجاهدین برای مبارزه با دشمنان خدا کمک کند و بهترین کرم آن است که خود شخص نيز به نوعی به آن نيازمند باشد، (هر چند به چیزی نیازمند باشند دیگران را بر خویشتن مقدم می دارند و هر کس را از حرص و بخل دنیا نگاه دارند) همان گونه که بر مؤمن واجب است که تقدم بر مؤمنین یا مراکز رهبری را دوست نداشته باشد، در حدیثی از حضرت رسول  آمده است که: (**من تقدم على قوم مؤمنين وهو يعلم أن فيهم من هو خير منه أكبه الله على منخريه في النار**)**.**([[170]](#footnote-170))

(هر کس بر قومی مؤمن تقدم جوید در حالی که بداند در میان آنها شخصی بهتر از او موجود است، خداوند او را با سر در میان آتش می افکند) بنده به این مقدار بسنده کرده و تفریع و تفصیل را به مؤمنین می سپارم.

اما مبارزه با منیت و خودبینی در عالم روحانی به واسطه تدبر و تفکر صورت می گیرد، حضرت رسول  به حضرت علی ڠ می فرماید:(**يا علي ساعة تفكر خير من عبادة ألف عام**). (ای علی یک ساعت تفکر بهتر از عبادت هزار سال است).

ای برادران مؤمن من بیایید در حال خفت بار خود در محضر الهی تفکر کنیم، حال هر یک از ما هر که می خواهد باشد، بگذار یکی از سیصدوسیزده نفر باشید، یا یکی از نقبای دوازده گانه باشید، و این افراد از بهترین افراد روی زمین هستند، که امیرالمؤمنین ڠ در مورد آنها می فرماید: **(بأبي وأمي هم من عدة أسماؤهم في السماء معروفة وفي الأرض مجهولة** …)([[171]](#footnote-171)) ( پدرم و مادرم فدایشان باد از کسانی هستند که نامشان در آسمان معروف و بر زمین مجهول است) و نیز ڠ در مورد آنها فرموده اند که: (**إنّ الأرض تفتخر بسيرهم عليها**)([[172]](#footnote-172))، (زمین بر راه رفتن آنها بر روی خود افتخار می کند) و امام صادق ڠ قبل از هزار سال برای آنها گریه کردند و بر ایشان دعا کردند و فرمودند: (**يا رب إن كنت تريد أن تعبد في أرضك فلا تسلط عليهم عدواً لك**) (خداوندا اگر می خواهی بر روی زمین عبادت شوی احدی از دشمنانت را بر آنها مسلط نگردان) و نیز امام صادق ڠ می فرماید: (**ما كانوا كذلك لولا أنهم خلقوا من نور خلق منه محمد  ومن طينة خلق منها محمد **).([[173]](#footnote-173)) (آنها این چنین نبودند اگر از نوری که محمد  از آن و گلی که محمد  از آن خلق شد خلق نمی شدند).

و در فضل این افراد نزد عامه مردم و شیعه اهل بیت ۏ تدبر کنید، شیعه اهل بیت از نور آنها ۏ و گل آنها آفریده شده اند و این شیعه مخلص، اصحاب قائم ڠ از نوری که حضرت محمد از آن خلق شد و از گلی که حضرت محمد  از آن خلق شده خلق شده اند، و با وجود این فضل عظیم و مقام بلند در حالی که آنها از مقربین و اولیای خداوند هستند کسانی که ترس و اندوهی بر آنها نیست، لیکن بیایید لحظه ای همراه من به عرصات روز قیامت برویم که احوال آنها بلکه احوال جمیع خلق را غیر از حضرت محمد  ببینیم، پس اگر قیامت بر پا شود هیچ کس جرأت تکلم در حضور خداوند را نخواهد داشت تا وقتی که حضرت محمد  سجده کند و تا وقتی که خداوند را ستایش کند و تا وقتی که حضرت محمد  سخن گوید و خلق خداوند و بندگانش را مورد شفاعت قرار دهد، به چه دلیل در آن موقف هیچ کس سجده و حمد و سپاس و تکلم نمی کند مگر بعد از سجود و حمد و کلام حضرت محمد ؟.

آیا همه خلق دارای تقصیرند غیر از حضرت محمد ؟ آیا در ساحت خدای تبارک و تعالی ظلم و ستمی موجود است، حاشا و کلا؟.

برادر عزیز:

حضرت امیرالمؤمنین ڠ بهترین خلق خداوند بعد از حضرت محمد  است و می فرماید:

(**إلهي قد جرت على نفسي في النظر لها، فلها الويل إن لم تغفر لها**)([[174]](#footnote-174)).

(خداوندا من بر نفس خود با نظر به آن ستم کردم پس وای بر آن اگر مرا مورد مغفرت قرار ندهی)

و اگر در کلام سابق من تدبر کنید خواهید فهمید که مقصود همه آن چیزی است که امیرالمؤمنین ڠ می فرماید به معنی واقعی کلمه است، پس ما چه حالی خواهیم داشت.

**وحق اين است كه به شما می گویم**: همانا انسان هر قدر دارای مقامی رفیع و جایگاهی وجیه در ساحت خدای تبارک و تعالی باشد باید انگشت حسرت و پشیمانی به دندان بگیرد از كمي حیائش از خداوند تبارک و تعالی، خدای الرحمن الرحیم الحلیم الکریم و دائماً این کلمات را تکرار کند که واحسرتا بر من از انچه در کنار جنب الله افراط نمودم تا وقتی که قیامت بر پا شود. و حمد و سپاس فقط از آن خداوند است.

\*\*\*

سؤال/108: معنی این آیه چیست؟ ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً﴾.

(آيا زمانى طولانى بر انسان گذشت كه چيز قابل ذكرى نبود)؟([[175]](#footnote-175))

جواب: انسان همان علی بن ابی طالب ڠ است، و روزگاری نگذشته که چیز قابل ذکری نباشد به اين معني این است که او در علم خدای تبارک و تعالی ذکر شده است، اما در خلق روزگاری آمده است که چیز قابل ذکری نبود، همانا اول حضرت محمد  خلق شد سپس علی ڠ خلق شد.

\*\*\*

سؤال/109: آیه: ﴿وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾.

(به عصر سوگند، \* كه انسان هميشه در زيان است)([[176]](#footnote-176)) به چه معنا است؟

جواب: امیرالمؤمنین ڠ همان انسان است و او در خیر و زیان است نسبت به حضرت محمد ، مقام حضرت محمد  بالاتر و عظیم تر از مقام امام علی ڠ است، حضرت محمد  مدینه کمالات الهی در خلق یا مدینه علم است در حالى كه علی ڠ دروازه این مدینه یا شهر است، و حضرت محمد  صاحب مقام محمود. صاحب مقام قاب قوسین یا نزدیکتر است و او  کسی است که همچون سوراخ سوزن از عظمت الهی برایش باز شد و بین حق و خلق در حال حرکت بود و امیرالمؤمنین ڠ پایین تر از این مرتبه است و ایشان ڠ می فرماید:(**لو كشف لي الغطاء لما ازددت يقيناً**)([[177]](#footnote-177)) (اگر حجاب برایم برداشته می شد چیزی به یقینم اضافه نمی شد) یعنی پوشش و حجاب لاهوت که برای حضرت محمد  برداشته شد.

\*\*\*

سؤال/110: در حدیثی از اهل بیت ۏ آمده است که هر کس در رکاب امام مهدی ڠ باشد و یکی از دشمنانش را به هلاکت برساند اجر بیست شهید را خواهد داشت چرا این فضیلت به کسی که در رکاب امام مهدی ڠ شهید می شود داده نشده؟

جواب: ظاهراً فضل این امر بالاتر از شهادت است، چرا که کسی که یکی از دشمنان امام مهدی ڠ را به هلاکت برساند خشتی در بنای دولت عدل و حق الهی نهاده است، در اینجا از حضرت علی ڠ و حمزه ڠ یاد می کنم وقتی در حال جهاد بودند علی ڠ بهتر از حمزه ڠ بود زیرا علی ڠ با احتیاط مبارزه می کرد ولی حمزه ڠ بی احتیاط و با هیجان مبارزه می کرد، پس مجاهدین باید غلبه و پیروزی بر جنگجویان دشمن کافر را طلب کنند نه اینکه فقط طلب شهادت کنند با اینکه شهادت خیر دنیا و آخرت است.

اما بر حسب باطن معنی حدیث که می گوید هر کس یکی از دشمنان ما را به هلاکت برساند یعنی عقیده فاسد او را بکشد و او را به طریق حق و پیروزی از قائم آل محمد ۏ هدایت کند.

رسول الله  می فرماید: (**علي لئن يهدي الله بك رجلاً خير لك من حمر النعم**)([[178]](#footnote-178)). (ای علی اگر خداوند مردی را به دست تو هدایت کند برای تو بهتر از همه آن چیزهایی است که خورشید بر آنها می تابد).

و همچنین بر حسب باطن قتل نفسی که دشمن امام مهدی ڠ باشد به معنی قتل خودخواهی و خودبینی و منیت است.

\*\*\*

سؤال/111: معنی این آیه چیست؟ ﴿وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾.

(و آسمان را نگه مى‏دارد، تا جز بفرمان او، بر زمين فرو نيفتند)؟([[179]](#footnote-179))

جواب: یعنی با ستونی که با آن آسمان را برافراشته آن را نگه داشته که بر زمین نیفتد: ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾

(خدا همان كسى است كه آسمانها را، بدون ستونهايى كه براى شما ديدنى باشد، برافراشت).([[180]](#footnote-180))

و ستونی که آسمان را نگه داشته و آنرا برافراشته همان ستون نوری است که از آسمان به زمین نازل شده است و آن الله در خلق و وجه الله که همان رسول الله محمد  است و همچنین در هر زمان همان حجت الهی بر خلق است که بدون او زمین بر اهل خود نابود شده و به عدم تبدیل می شود پس او همان ستون نور نازل از آسمان بر زمین که زمین و آسمان را به دستور خدای تبارک و تعالی نگه داشته است.

\*\*\*

سؤال/112: معنی این آیه چیست؟﴿إنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً﴾ (کسانى كه با تو بيعت مى‏كنند با خدا بيعت مى‏نمايند، و دست خدا بالاى دست آنهاست; پس هر كس پيمان‏شكنى كند، تنها به زيان خود پيمان شكسته است; و آن كس كه نسبت به عهدى كه با خدا بسته وفا كند، بزودى پاداش عظيمى به او خواهد داد).([[181]](#footnote-181))

جواب: محمد  خود دست خداوند است، و در حدیثی قدسی که به این معناست آمده که:(**لا يزال عبدي يتقرب إليَّ بالفرائض حتى يكون يدي وعيني** …)([[182]](#footnote-182))، (همچنان بنده ام با انجام فرائض به من تقرب می یابد تا آنجا که دست و چشم من گردد) پس حجت الهی بر خلق همان دست و چشم خداوند در خلق است، و همچنین در دعای سمات آمده است که:(**وظهورك في جبل فاران**)([[183]](#footnote-183))،(و ظهور تو در کوههای فاران) یعنی ظهور خداوند در مکه با محمد .

\*\*\*

سؤال/113: به چه دلیل خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾؟.

(منکرترین صداها صداى خران است).([[184]](#footnote-184))

جواب: خداوند می فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ﴾ (كسانى كه مكلف به حمل تورات شدند ولى حق آن را ادا نكردند، مانند درازگوشى هستند كه كتابهايى حمل مى‏كند، (آن را بر دوش مى‏كشد اما چيزى از آن نمى‏فهمد).([[185]](#footnote-185))

عالم غیر عامل در ملکوت آسمانها و به چشم ملائکه همچون الاغ است، خداوند در وصف حال علمای غیر عامل که از دعوتهای انبیاءو مرسلین می گریزند می فرماید: ﴿كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ \* فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾.

[گويى گورخرانى رميده‏اند \* كه از (مقابل) شيرى فرار كرده‏اند].([[186]](#footnote-186))

بله گویی خرانی هستند که از دست شیر درنده می گریزند، و صدای علمای غیر عامل منکر است و بلکه زشت ترین و منکر ترین صداهاست، چرا که صدای باطل است که با حق خالص که انبیاء و مرسلین و حجت های الهی با آن می آیند جدل می کنند.

\*\*\*

سؤال/114: معنی این آیه چیست؟: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلا تَذَكَّرُونَ﴾.

(شما عالم نخستين را دانستيد; چگونه متذكر نمى‏شويد).([[187]](#footnote-187))

جواب: نشائت یا بر پای اول، همان عالم ذر که امتحان اول در آن بود می باشد؛ و همانا بنی آدم از آن آگاه شدند لکن وقتی به این عالم آمدند این حقیقت با حجاب جسمانی بر آنها پوشیده شد سپس با شهوت ها و گناهان و غفلت آنها از ذکر خداوند بر این حجاب افزوده شد، و انبیاء و مرسلین و اولیاء و حجتهای الهی ۏ این رستاخيز را به یاد دارند و اولیای خود را در آن می شناسند، پس هر کس که دارای فطرتی پاک باشد این عالم سابق را به یاد دارد و حال خود را در آن می داند اما عموم مردم ﴿نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾.

(خدا را فراموش كردند و خدا نيز آنها را به «خود فراموشى‏» گرفتار كرد، آنها فاسقانند).([[188]](#footnote-188))

پس به سبب غفلت شان از خداوند و اهتمام به عالم جسمانی و غوطه ور شدن در شهوت ها، چیزی از نفوس خود و عالم سابق که در آن زندگی کرده اند را به یاد نمی آورند.

\*\*\*

سؤال/115: رسول الله  می فرماید: (حسین از من است و من از حسین هستم) معنی: (من از حسین هستم) چیست؟

جواب: امام حسین ڠ در همه عالمها از رسول الله  و پایین تر از رسول الله  است و این امر مؤکد می باشد، لکن کسی که امر رسول الله  و فضل و مقام رفیع و حق او را ظاهر می کند و به اهل دنیا معرفی می کند امام مهدی ڠ است: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾.

[او كسى است كه رسولش را با هدايت و آيين حق فرستاد، تا آن را بر همه آيين‏ها غالب گرداند].([[189]](#footnote-189))

پس دین اسلام اصیل محمدی با امام مهدی ڠ بر روی زمین ظهور می کند، و امام مهدی ڠ از فرزندان امام حسین ڠ است و اساس و کانون انقلاب امام مهدی ڠ انقلاب همانا قيام امام حسین ڠ است، پس آیه: (تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری و غالب گرداند) با امام مهدی ڠ تحقق می یابد، و مردم دنیا محمد  و شأن عظیم و مقام رفیع وی را می شناسند، و امام مهدی ڠ ثمراه ای از ثمرات امام حسین ڠ است، و انقلاب اصلاحی و جهاني امام مهدی ڠ چیزی نیست مگر ثمره ی حقیقی که انقلاب امام حسین ڠ آن را به وجود آورد. پس با امام حسین ڠ دین اسلام و محمد  باقی مانده و با امام حسین ڠ اسلام و محمد  ظهور می کند و با امام حسین اسلام و محمد  شناخته می شود.

\*\*\*

سؤال/116: معنی صلوات بر محمد و آل محمد چیست؟

جواب: صلوات به معنی دعا و تضرع و توسل به خداوند در طلب چیزی از خدای تبارک و تعالی است یا تقرب به سوی خداوند که ان نیز نوعی طلب است، پس هنگامی که می گوییم اللهم صلی علی محمد  به این معنی که ما از خدای تبارک و تعالی طلب می کنیم که شأن و مقام محمد را بالا ببرد، و به طور قطع مقام محمد  بالاترین مقام که بعد از آن مقامی نخواهد بود و مقام حضرت محمد  ثابت است و او  صاحب مقام قاب قوسین یا نزدیکترین است، پس طلب از خداوند با صلوات بر محمد ، در واقع بالا بردن شأن و مقام محمد  نزد مردم خواهد بود؛ یعنی اینکه خلق را با شأن عظیم محمد  آشنا سازد، و این امر هنگام ظهور امام مهدی ڠ خواهد بود، چرا که امام مهدی ڠ بیست و پنج حرف از علم را منتشر خواهد کرد و خلق را با توحید و رسالت و کتب و ملائکه و به خلق خدای تبارک و تعالی و محمد  آشنا می سازد، پس وقتی می گوییم: اللهم صلی علی محمد و آل محمد، یعنی اینکه می گوییم خداوندا حق محمد و آل محمد  و مقام عظیم محمد و آل محمد  را ظاهر گردان و به عبارتی انگار که می گوییم خدایا در فرج محمد و آل محمد  تعجل فرما، و انگار که می گوییم الهی عدل و حق و قسط را ظاهر کن و جور و فساد و ظلم را بمیران یا از بین ببر، به این دلیل این ذکر: (**اللهم صلِّ على محمد وآل محمد**) بالاترین ذکر است و ثوابی عظیم دارد. بنابر چیزی که از امام مهدی ڠ شنیدم این است که بهترین ذکرها گفتن: (**بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم صلِّ على محمد وآل محمد وسلم تسليماً**).است. و هر کس این عبارت را در پنجاه مرتبه بگوید از غافلین به حساب نمی آید وهر کس آنرا یکصد مرتبه بگوید از ذاکرین به حساب می آید و اگر آنرا هزار مرتبه بگوید نزد خداوند و امام مهدی ڠ از پیروزمندان به حساب می آید.

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً﴾.([[190]](#footnote-190))

[خدا و فرشتگانش بر پيامبر درود مى‏فرستد; اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، بر او درود فرستيد و سلام گوييد و كاملا تسليم (فرمان او) باشيد].  
یعنی این که مؤمنین از خداوند طلب می کنند که بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و می گویند ( اللهم صلی علی محمد و آل محمد و سلم تسلیما) و مفهوم (و سلم تسلیما) به این معنی است که به آنها امنیت و آرامش عطا فرما و امنیت همان بیعت قائم ڠ است و آرامش در دولت قائم ڠ خواهد بود.

خداوند می فرماید: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنا﴾ [هر كس داخل آن شود; در. امان خواهد بود].([[191]](#footnote-191))

و نیز می فرماید: ﴿سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّاماً آمِنِينَ﴾ (شبها و روزها در اين آباديها با ايمنى (كامل) سفر كنيد).([[192]](#footnote-192))

\*\*\*

سؤال/117: (خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات بفرست همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی)، مسلماً محمد و آل محمد  در فضیلت برتر از ابراهیم و آل ابراهیم هستند پس چگونه ممکن است که طلب صلوات از خداوند بر محمد و آل محمد مانند صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم باشد و آیا نباید فرض بر این باشد که صلوات بر محمد و آل محمد برتر از صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم باشد؟

جواب: صلوات بر محمد و آل محمد به معنی طلب از خدای تبارک و تعالی در فرج محمد و آل محمد و ظهور قائم آنها است. و برای همین است که با صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم مقارن گردید، چرا که خداوند در فرج ابراهیم و آل ابراهیم ڠ تعجیل فرمود و قائم آنها را ظاهر ساخت که آن هم پیامبر خدا حضرت موسی ڠ بود. پس طلب از خداوند در صلوات بر محمد و آل محمد آن گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستاد به این معناست که خدایا قائم آل محمد ڠ را ظاهر گردان همانگونه که قائم آل ابراهیم ڠ که حضرت موسی ڠ است را ظاهر ساختی. بنی اسرائیل در انتظار حضرت موسی ڠ بودند همان گونه که مسلمین در این زمان در انتظار امام مهدی ڠ هستند.

\*\*\*

سؤال/118: روح القدس چیست؟ آیا در میان آنها کوچک و بزرگ وجود دارد، همچون روحی که همراه کسی است که حق را می گوید و آن که همراه معصوم ڠ است؟

جواب: روح القدس همان: (**روح طهارت یا عصمت**) است، پس اگر بنده ای در نیت خود را برای خداوند اخلاص داشته باشد و مرادش وجه الله باشد، خداوند او را دوست داشته و فرشته ای را مسئول او می گرداند که او را در هر خیر وارد و از هر شر خارج می سازد و او را در مسیر مکارم اخلاق سیر می دهد؛ و روح القدس واسطه انتقال علم به شخصی که مسئول او گردیده است، می شود. ارواح القدس در واقع بسیارند ویکی نیست و آن روحی که همراه عیسی ڠ و همراه انبیاء است پایین تر از روحی است که همراه محمد  و علی ڠ و فاطمه ﮋ و ائمه ۏ است و این همان روح القدس اعظم است که جز با حضرت محمد  با هیچ کس نازل نشده بود و بعد از وفات پیامبر اعظم  به علی ڠ سپس به ائمه ۏ و بعد از آنها به مهدیین دوازده گانه منتقل خواهد شد.

روایت است از ابی بصیر که: می گوید از ابا عبدالله ڠ پرسیدم: معنی این آیه چیست؟ ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلا الْأِيمَانُ﴾ [بر تو نيز روحى را بفرمان خود وحى كرديم، تو پيش از اين نمى‏دانستى كتاب و ايمان چيست ولى ما آن را نورى قرار داديم كه بوسيله آن هر كس از بندگان خويش را بخواهيم هدايت مى‏كنيم]([[193]](#footnote-193)) امام ڠ فرمود: (خلقی از خلق خدای عز وجل و عظیم تر از جبرائیل و میکائیل که همراه رسول الله  بود و او را یاری و آگاهی می بخشید و بعد از پیامبر  همراه ائمه ۏ خواهد بود).([[194]](#footnote-194))

از ابی بصیر روایت شده که از ابا عبدالله ڠ پرسیدم این فرموده خداوند به چه معناست: ﴿وَيَسْأَلونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾ (و از تو درباره «روح‏» سؤال مى‏كنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است).([[195]](#footnote-195))

فرمود: (خلقی عظیم تر از جبرائیل و میکائیل ۏ که همراه رسول الله  بوده و بعد همراه ائمه ۏ خواهد بود و این روح از ملکوت است)([[196]](#footnote-196)).

روایتی از ابو حمزه وجود دارد که می گوید: از ابا عبدالله ڠ درباره علم پرسیدم: که آیا علم را عالم از زبان مردان می آموزد یا اینکه در کتاب و نزد شماست و آن را می خوانید و از آن می آموزید؟ امام ڠ فرمود: (این امر عظیم تر و واجب تر از آن است، آیا فرموده خداوند را نشنیده ای که: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلا الْأِيمَانُ﴾ (بر تو نيز روحى را بفرمان خود وحى كرديم، تو پيش از اين نمى‏دانستى كتاب و ايمان چيست ولى ما آن را نورى قرار داديم كه بوسيله آن هر كس از بندگان خويش را بخواهيم هدايت مى‏كنيم).([[197]](#footnote-197))

سپس امام ڠ فرمود: اصحاب شما در مورد این آیه چه می گویند؟ آیا اقرار می کنند در حالی بود که نمی دانست کتاب و ایمان چیست؟ گفتم فدایتان گردم نمی دانم چه می گویند فرمود: بله زمانی بود که نمی دانست کتاب و ایمان چیست تا وقتی که خداوند روحی را که در کتاب ذکر کرده به سوی او مبعوث فرمود، پس وقتی آن روح به سویش وحی فرمود به واسطه آن از علم و فهم و ایمان آگاهی یافت، و این همان روحی است که خداوند به هر که بخواهد عطا می فرماید و اگر آن را به بنده ای عطا فرمود فهم و درک را به او خواهد آموخت.([[198]](#footnote-198))

پس حضرت رسول  وقتی به این عالم جسمانی نزول کرد که امتحان دوم را که بعد از امتحان اول در عالم ذر بود سپری کند با این جسم مادی محجوب گردید از خود اخلاصی برای خداوند نشان داد که زمین نظیر آن را به خود ندیده بود و خداوند او را دوست داشت و روح القدس اعظم را وکیل او گردانید و حضرت محمد  در امتحان و رقابت این دنیا پیروز گردید بعد از این که در رقابت و امتحان اول در عالم ذر اول پیروز شده بود.

\*\*\*

سؤال/119: آیا روح دارای دو قابلیت یا دو قسم است طوری که هنگام خواب یا نماز مؤمن قسمتی در جسد می ماند و قسمتی دیگر به آسمان می رود؟

جواب: روح همچون خورشید است و اگر به آسمان رفته یا خداوند در خواب آن را استیفاء کند شعاع آن در جسد متصل می ماند که آن را تدبیر کند.

\*\*\*

سؤال/120: در ارسال امام معصوم ڠ در بنیانگذاری و اصلاح در عقاید و عدم انجام این کار در فقه چه حکمتی وجود دارد با علم به اینکه نیاز امت به احکام واقعی در فقه شدیدتر است؟

جواب: امام مهدی ڠ با سیرت جدش رسول الله  و انبیاء و مرسلین ۏ رفتار می کند و اعتقادی به غیر از آن از سیرت اهل باطل از علمای غیر عامل ندارد، و اگر به سیرت رسول الله  و انبیاء و مرسلین ۏ برگردید خواهید یافت که آنها در ابتدا رسالتشان را با عقاید و خصوصاً توحید آغاز مي کردند سپس به تشریع یا فقه منتقل مي شدند، نسبت عقاید و توحید به تشریع و فقه همچون نسبت پی ساختمان و دیوارها با سقف است، سقف ساختمانی ساخته نمی شود مگر بعد از ساختن پی و دیوارهای آن.

حالا اگر به زمان رسالت حضرت موسی ڠ برگردیم خواهیم یافت که در ابتدای رسالت او به عقاید و توحید دعوت می کرد تا اینکه چهل سال را در مصر و در دعوت و تبلیغ عقاید سپری کرد و حتی بعد از مصر یعنی بعد از عبور از دریای نیل مدت بسیار زیادی را در دعوت به سوی توحید و اصلاح عقیده نزد بنی اسرائیل سپری کرد و موسی ڠ شریعتی را نیاورد مگر بعد از مدتی طولانی، هنگامی که به میقات پروردگارش رفته بود که آن هم در زمان تیه بنی اسرائیل بود، و آیات قرآنی در بیان این ماجرا صریح هستند در اینکه وقتی از میقات پروردگارش بازگشت حامل الواح تشریع بود، و الاّ قبل از اینکه الواح تشریع را بیاورد، به انجام چه کاری مشغول بوده جز اینکه در حال نشر توحید و عقیده صحیح باشد، خداوند می فرماید: ﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفاً قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِين﴾.

[و هنگامى كه موسى خشمگين و اندوهناك به سوى قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشينانى برايم بوديد ! آيا درمورد فرمان پروردگارتان، عجله نموديد» سپس الواح را افكند، و سر برادر خود را گرفت به سوى خود كشيد; او گفت: «فرزند مادرم! اين گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان كردند; و نزديك بود مرا بكشند، پس كارى نكن كه دشمنان مرا شماتت كنند و مرا با گروه ستمكاران قرار مده!»].([[199]](#footnote-199))

حضرت محمد  سیزده سال را در مکه به دعوت پرداخت که بخش اعظم آن در اصلاح عقیده و توحید سپری شد و به اصلاح شریعت نپرداخت الا بعد از گذشت سیزده سال از دعوت مبارک اسلام. و امام مهدی ڠ از سنت رسول الله  و سنت انبیاء و مرسلین ۏ خارج نیست بلکه همان سنت خداوند است که از قبل یا بعد بوده و تبدیلی برای آن نخواهد یافت.

پس برادر عزیز با دقت و تدبر ملاحظه کنید که شریعت در هر دیانتی به مقدار توحید در آن دیانت است، و شریعت اسلامی کامل تر از شریعتهای سابق است چرا که توحیدی که در قرآن از جانب رسول اعظم  و امامان معصوم ۏ برای ما بیان شده کامل تر از توحیدی است که توسط پیامبران گذشته آورده شده و بنا به روایات اهل بیت ۏ جمیع چیزی که انبیاء و مرسلین ۏ از [علم] توحید آورده اند دو جزء می باشد و غیر از این دو جزء چیزی در بین مردم منتشر نشده، و امام مهدی ڠ با بیست و پنج جزء از [علم]توحید می آید و عقاید حقی که خداوند آنها را می پسندد در بین مردم منتشر و اجرا مي نمايد تا تمام بیست و هفت حرف توحید که تمام توحید است به انسانها شناسانده شود، همان توحید الهی که با حضرت محمد  مبعوث شد لکن در آن زمان غیر از دو جزء آن منتشر نشد، و همانا شریعتی که امام مهدی ڠ با آن می آید بسیار وسیع تر از چیزی است که در حال حاضر در دستان ما موجود است، آیا ممکن است که امام مهدی ڠ شریعت بیست و هفت جزء را منتشر کند قبل از آنکه توحید بیست و هفت جزء را منتشر کند همان توحیدی که قرار است شریعت بر اساس آن و روی آن بنا شود؟

و مسلماً جواب (خیر) خواهد بود، و آن هم به خاطر اسباب و دلایلی است که آنها را بیان خواهيم کرد، همانا مردم آمادگی و تحمل بیست و هفت جزء شریعت را نخواهند داشت الا بعد از اینکه به بیست و هفت جزء توحید که امام مهدی ڠ مأمور نشر آن بین مردم است برسند. حمد و سپاس فقط از آن خداوند است..

\*\*\*

سؤال/121: بسیاری از علماء را (آیة الله العظمی) لقب داده اند، معنی آیة الله العظمی چیست؟ و آیا این اصطلاح مختص ائمه ۏ است یا عام و به همه علما نسبت داده می شود؟

جواب: ﴿قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى﴾ [موسى به آنان گفت: «واى بر شما! دروغ بر خدا نبنديد، كه شما را با عذابى نابود مى‏سازد! و هر كس كه (بر خدا) دروغ ببندد، نوميد (و شكست خورده) مى‏شود!»].([[200]](#footnote-200))

آیت همان علامت یا دلیل است، و نسبت آن به خداوند تبارک و تعالی یا از جهت اثبات وجود خدای سبحان و یا از جهت معرفت خدای تبارک و تعالی می باشد.

اما از جهت اثبات وجود خداوند همه مخلوقات و موجودات آیات خداوند هستند که انسان عظیم ترین آنهاست پس همه موجودات اشاره به وجود خالق دارد چرا که مخلوق هستند و همچنین اشاره به وجود مؤثر دارند چون آثار هستند و انسان بیشترین اشاره و دلالت را بر وجود خالق تبارک و تعالی دارد.

و اما از جهت معرفت خدای تبارک و تعالی، ایاتی و جود ندارد جز حجتهای خداوند بر خلق که آیات خداوند به حساب می آیند، به این دلیل که به واسطه آنها خداوند شناخته می شود در واقع آنها به حق و یقین نشانگر خداوند هستند، و با این معنی آیات خداوند ائمه اطهار ۏ هستند، و آیت الله العظمی انحصاراً، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ڠ می باشد، و آیت الله در این زمان امام مهدی ڠ خواهد بود، بلکه نامگذاری به نام ایت الله العظمی برای امام مهدی محمد بن الحسن العسکری ڠ هم صحیح نمی باشد، چرا که این مقام عالي به وصی اوصیاء علی بن ابی طالب ڠ اختصاص دارد، به این دلیل که بعد از حضرت محمد  اوست که خداوند را شناخت و به خلق شناساند.

و اما علماء از این نامگذاری قطعاً خواهان معنای اول نمی باشند چرا که شامل هر انسانی می شود چه صالح باشد و چه غیر صالح. بلکه دیدگاه معنای اول به جنس مخلوق نظر دارد، و استفاده از آن برای تشخیص افراد از جنسی واحد سفسطه و سبک عقلی بیش نیست، بنابراین آنها مسلماً خواهان معنای دوم هستند، که به این ترتیب خود را وارد امری غیر مجاز کرده اند، و این نامگذاری یعنی آیت الله بر غیر از ائمه اطهار ۏ حرام است و نامگذاری آیت الله العظمی برای کسی غیر از امیرالمؤمنین ڠ نیز حرام است.

و در روایات صحیح اهل بیت ۏ نامگذاری فاطمه ﮋ و ائمه ۏ به آیت الله دیده می شود، در روایاتی از امام کاظم ڠ که از پدرش ۏ نقل می کند آمده است که رسول الله  می فرماید:

(وارد بهشت شدم و دیدم که با طلا بر دروازه آن نوشته شده: لا اله الا الله، محمد حبیب الله، علی بن ابی طالب ولی الله، فاطمة آیه الله).([[201]](#footnote-201))

و در روایتی ديگر امیرالمؤمنین ڠ می فرماید: (امام کلمة الله و حجت خدا و وجه خدا و نور خدا و حجاب خدا و آیت خدا است، خداوند او را انتخاب کرده و هر چه بخواهد در او می گرداند و با آن ولایت و طاعت بر جمیع خلق را برایش واجب می گردد و او ولی خداوند در آسمانها و زمین است).([[202]](#footnote-202))

در مورد نامگذاری امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ڠ به نام آیت الله العظمی، شیخ مفید و شهیداول و سید بن طاووس[ در کتاب اقبال] می گویند، روایت است که جعفر بن محمد صادق ڠ به زیارت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می رود و این گونه ایشان ڠ را زیارت می نماید:(... السلام علیک یا آیت الله العظمی).([[203]](#footnote-203))

و نیز نهی و انکار بر آنکه، کسی غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ڠ را به امیرالمؤمنین بنامد نیز در روایات آمده است روایت است از امام صادق ڠ که مردی از ایشان درباره قائم ڠ می پرسید و قائم ڠ را امیرالمؤمنین می نامید، امام صادق ڠ به او فرمود: (خیر، این نامی است که خداوند با آن امیرالمؤمنین ڠ را نامید و کسی قبل از او به این نام نامیده نشده و کسی بعد از او به این نام نامیده نمی شود الا کافر باشد) گفتند فدایتان شوم چگونه بر ایشان درود بفرستیم؟ فرمودند: (می گویند السلام علیک یا بقیة الله) سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿بَقِيَّةُ اللّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ﴾.([[204]](#footnote-204)) ([[205]](#footnote-205))

از امام رضا ڠ پرسیده می شود: چرا امیرالمؤمنین ڠ به این نام نامیده شد؟ امام ڠ فرمودند: (چرا که او مؤمنين را با علم روشن می سازد، آیا در کتاب خداوند نشنیده ای که: ﴿وَنَمِيرُ أَهْلَنَا﴾ (و اهل خود را روشن می سازیم).([[206]](#footnote-206))

حال اگر کسی بعد از امیرالمؤمنین علی ڠ به این نام نامیده نمی شود مگر این که کافر باشد پس دلیل آنها چیست که خود را به نامی که مختص امیرالمؤمنین ڠ است می نامند و همانا او آیت الله العظمی است:

﴿إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى \* أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى … وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً \* فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى﴾.

[اينها فقط نامهايى است كه شما و پدرانتان بر آنها گذاشته‏ايد (نامهايى بى‏محتوا و اسمهايى بى مسما)، و هرگز خداوند دليل و حجتى بر آن نازل نكرده; آنان فقط از گمانهاى بى‏اساس و هواى نفس پيروى مى‏كنند در حالى كه هدايت از سوى پروردگارشان براى آنها آمده است! \* يا آنچه انسان تمنا دارد به آن مى‏رسد؟ \*....\* آنها هرگز به اين سخن دانشى ندارند، تنها از گمان بى‏پايه پيروى مى‏كنند با اينكه «گمان‏» هرگز انسان را از حق بى‏نياز نمى‏كند!\*حال كه چنين است از كسى كه از ياد ما روى مى‏گرداند و جز زندگى مادى دنيا را نمى‏طلبد، اعراض كن! \* اين آخرين حد آگاهى آنهاست; پروردگار تو كسانى را كه از راه او گمراه شده‏اند بهتر مى‏شناسد، و (همچنين) هدايت‏يافتگان را از همه بهتر مى‏شناسد].([[207]](#footnote-207))

پس مردم باید بدانند که نباید از حدود خود فراتر روند و خصوصاً علما که باید به این حدود احترام گذاشته و از آن پیروی کنند و همگان باید بدانند که حکمت با تواضع پرورش می یابد نه با تکبر.

احمد الحسن

تصحيح بن تمام ربيع الاول 1433

سايت انصار امام مهدى خداوند در زمين تمكينش دهد

http://farisy.almahdyoon.org/

روم انصار امام مهدى در بالتوك

middle east >> Iran >> IiI Ansar Imam Mahdi IiI

لینک ارسال سؤالات به امام احمد الحسن (ع)

[www.almahdyoon.org/contact -us.html](http://www.almahdyoon.org/contact%20-us.html)

1. - یوسف 88. [↑](#footnote-ref-1)
2. - یوسف: 21. [↑](#footnote-ref-2)
3. - فتح: 29 [↑](#footnote-ref-3)
4. - النجم: 39 – 41. [↑](#footnote-ref-4)
5. - المائده: 24 [↑](#footnote-ref-5)
6. - البقره: 249 [↑](#footnote-ref-6)
7. - یوسف: 11- 13. [↑](#footnote-ref-7)
8. - یوسف: 37 – 38. [↑](#footnote-ref-8)
9. - شعراء : 62. [↑](#footnote-ref-9)
10. - شمس: 1 – 3. [↑](#footnote-ref-10)
11. - ذاریات: 10 – 12. [↑](#footnote-ref-11)
12. 1 – مضمون ;كلامي از امام حسین (ع) برای کسی که در آن تعقل و تدبر نموده کافی است جایی که می فرماید: ( مردم بنده دنیا هستند، و دین فقط مانند کلمه ای است که بر زبانهایشان جاری است، و آنان را تا زمانی که درآمدشان جاری باشد گرد آن می بینی، و اگر به واسطه ی بلایی متضرر شوند دینداران را کم خواهی یافت.) [↑](#footnote-ref-12)
13. 2 – توضیح بسیار مفیدی در این باره از سید یمانی (ع) در کتاب ( حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم) وجود دارد به موضوع ( چرا مصلح منتظر؟ ) ص 38 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-13)
14. - بگو آيا شما را از زيانكارترين مردم آگاه گردانم (103) [آنان] كسانى‏اند كه كوشش‏شان در زندگى دنيا به هدر رفته و خود مى‏پندارند كه كار خوب انجام مى‏دهند (104) سوره کهف [↑](#footnote-ref-14)
15. 4 – در فقره ای از دعای عهد امام (ع) می فرماید: ( خداوندا این غم و اندوه را با حضورش از این امت برطرف فرما، و در ظهورش برای ما تعجیل فرما، که همانا آنها این امر را دور و ما آنرا نزدیک می بینیم، به رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان). [↑](#footnote-ref-15)
16. - کهف: 13. [↑](#footnote-ref-16)
17. - کهف: 16. [↑](#footnote-ref-17)
18. - نقل از مفضل بن عمر ازابی عبدالله (ع) که فرمود: قائم خارج می شود از پشت کوفه بیست هفت مرد پنج نفر از قوم موسی که به حق هدایت و عدل داشته اند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابا دجانه انصاری ومقداد و مالک اشتر که بین دستانش انصار و حکام خواهند بود. ارشاد شیخ مفید ج2ص386. [↑](#footnote-ref-18)
19. - نقل از زید بن ارقم: هنگامی که سر مبارک امام حسین (ع) از کنارش گذشت و ان بر سر نیز بود ومن در غرفه برای خود بودم شنیدم که می گفت – گمان كردى اصحاب كهف و رقيم از آيات عجيب ما بودند؟! – پس ایستادم وگفتم سر مبارک شما عجیب تر است ای فرزند رسول الله – مستدرک بحار الانوار ج 4ص11. [↑](#footnote-ref-19)
20. - کهف: 9. [↑](#footnote-ref-20)
21. - شعرا:٢٢٧. [↑](#footnote-ref-21)
22. - بحار ج 45 ص304. [↑](#footnote-ref-22)
23. - بحار الأنوار: ج45 ص188. [↑](#footnote-ref-23)
24. - از حسن بن علی خزاز گفت:(علی بن ابی حمزه برابی الحسن رضا(ع) واردشد وگفت:شما امام هستید. فرمودند:بله.پس به اوگفت:من از جدت جعفربن محمد(ع) شنیدم که میگوید:امامی نخواهدبود مگربرای او عقب (نسلی)باشد . پس فرمودند:فراموش کردی ای شیخ یا خود را به فراموشی می زنی امام جعفر(ع)به این صورت نگفت بلکه فرمودند:امامی نخواهد بود مگربرایش عقبی(فرزندی)باشدمگرامامی که حسین بن علی(ع) براو خارج می شود زیرا برای او عقبی وجود ندارد پس گفت:فدایت شوم راست گفتی به این صورت شنیدم جدت می گوید) (غیبه الطوسی ص150). [↑](#footnote-ref-24)
25. 1- ص: 39. [↑](#footnote-ref-25)
26. - بحار الأنوار ج13 ص312. [↑](#footnote-ref-26)
27. - بحار الأنوار ج13 ص307. [↑](#footnote-ref-27)
28. - مختصر بصائر الدرجات: ص 179، بحار الأنوار: ج53 ص3. [↑](#footnote-ref-28)
29. - بحار الأنوار ج 52. [↑](#footnote-ref-29)
30. - بحار الأنوار: ج12 ص178. [↑](#footnote-ref-30)
31. - بحار الأنوار: ج12 ص183 نقل از بصائر الدرجات. [↑](#footnote-ref-31)
32. - ذاریات: 56. [↑](#footnote-ref-32)
33. - فاطر: 1. [↑](#footnote-ref-33)
34. - مزمل:7. [↑](#footnote-ref-34)
35. - تکاثر: 8. [↑](#footnote-ref-35)
36. - در روایات کثیری وارد شده که، (از جميل،از أبي عبد الله گفتم: قول خداو.ند: "لتسئلن يومئذ عن النعيم "، فرمود: این امت از انچه خداوند نعمتی مانند نعمت رسول الله (ع) داده شده سوال می شود سپس از اهل بیت (ع) سوال می شود) بحار الأنوار: ج7 ص272. [↑](#footnote-ref-36)
37. - از ابی خالد کابلی: از ابا جعفر (ع) از قول خداوند – به خداوند و سول ونوری که بر ان نازل شد ایمان اورید – سوال شد فرمود ای با خالد نور به خدا قسم ائمه از ال محمد (ص) تا روز قیامت هستند وبه خدا قسم انها نور خدا است که نازل شد و به خدا قسم انها نور خداوند در زمین واسمانها هستند ای ابا خالد نور امام در قلب مومن از نور افتاب روشنتر است و انها قلوب مومنین را نورانی می کنند – کافی ج 1 ص194ح 1. [↑](#footnote-ref-37)
38. - بحار الأنوار ج10 ص124. [↑](#footnote-ref-38)
39. - از عبدالله بن مغیره از ابی عبدالله (ع): قائم از ال محمد (ع) اگر قیام کرد پانصد نفر از قریش را گردن خواهد زد سپس پانصد نفر دیگر را گردن خواهد زد تا اینکه شش بار انکار را تکار خواهد کرد – بحار انوار ج52ص338 [↑](#footnote-ref-39)
40. - از ابی جعفر(ع): قائم(ع) اگر قیام کند به کوفه می رود و از ان چندین هزار نفر را خارج می سازد که بتریه نام دارند که سلاح بر انها است پس به او می گویند از همان جا که امدی باز گرد نیازی به فرزندان فاطمه نیست ؛ پس شمشیر را در انها قرار می دهد تا به اخر انها می رسد و بعد وارد کوفه می شود و هر منافق شک کننده ی را می کشد و قصر های ان را ویران می کند و جنگ اوران ان را می کشد تا خداوند راضی گردد- بحار الانوار ج 52ص 338 . [↑](#footnote-ref-40)
41. - النجم: 39 – 40 – 41. [↑](#footnote-ref-41)
42. - از امام باقر (ع) بنده ی نیست مگر در قلب او نقطه سفید باشد و اگر گناه نمود در ان نقطه سیاه ظاهر می شود واگر توبه کرد ان نقطه سیاه حذف می شود و اگ در گناهان غوطه ور شد ان سیاهی زیاد می گردد تا اینکه سفیدی را بپوشاند و اگر سیاهی قلب را پوشاند صاحبش به خیر باز نمی گردد و ان کلام خداوند است - كلا بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون) الكافي: ج2 ص273. [↑](#footnote-ref-42)
43. - فتح: 1 – 2. [↑](#footnote-ref-43)
44. - **المناقب لابن شهر اشوب: ج1 ص317.** [↑](#footnote-ref-44)
45. - أسراء: 110. [↑](#footnote-ref-45)
46. - مریم: 50. [↑](#footnote-ref-46)
47. - فاطر: 10. [↑](#footnote-ref-47)
48. - بحار أنوار ج66 ص64. [↑](#footnote-ref-48)
49. - بحار الانوار ج66 ص64. [↑](#footnote-ref-49)
50. - آل عمران: 26. [↑](#footnote-ref-50)
51. - مائده: 44. [↑](#footnote-ref-51)
52. - بقره: 246. [↑](#footnote-ref-52)
53. - عيون أخبار الرضا : ج1 ص144، بحار الأنوار: ج3 ص7. [↑](#footnote-ref-53)
54. - المحاسن للبرقي: ج1 ص260. [↑](#footnote-ref-54)
55. - بحار الأنوار: ج64 ص111. [↑](#footnote-ref-55)
56. - مستدرك الوسائل: ج4 ص250. [↑](#footnote-ref-56)
57. - مفاتيح الجنان ص618. [↑](#footnote-ref-57)
58. - أعمال روز جمعه: مفاتيح الجنان ص85. [↑](#footnote-ref-58)
59. - الكافي: ج1 ص286 ح4. [↑](#footnote-ref-59)
60. - عيون أخبار الرضا : ج2 ص246، مختصر بصائر الدرجات: ص9. [↑](#footnote-ref-60)
61. - بحار الأنوار ج53 ص145. [↑](#footnote-ref-61)
62. - بحار ألأنوار ج53 ص148. [↑](#footnote-ref-62)
63. - بحار ج53 ص148. [↑](#footnote-ref-63)
64. - بحار ج53 ص145. [↑](#footnote-ref-64)
65. - نهج البلاغة: ص126 / الخطبة 187. [↑](#footnote-ref-65)
66. - التحصين لابن فهد الحلي: ص23، ومن مصادر العامة: المعجم الأوسط للطبراني: ج5 ص341، السنن الكبرى للبيهقي: ج1 ص82. [↑](#footnote-ref-66)
67. - ابو عبدالله (ع) در مورد قول لوط (ع) فرمودند ( قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ - فرمود آرزوی داشتن قدرت قائم (ع) و قدرت یارانش را نمود زیرا که به هر مردی از آنها قدرت چهل مرد داده می شود و همین طور قلب هایشان از فولاد شدید تر و اگر با کوه های فولاد جنگ کرده آنرا تکه پاره می کنند شمشیر های خود را در قلاف نگذاشته تا اینکه خداوند راضی شود. کمال الدین ص 673.) بحار الأنوار: ج21 ص 158.

    نقل از ابی جعفر (ع) فرمود یاران قائم را می بینم که خافقین را احاطه نمودند وچیزی نیست مگر مطیع انهاست حتی پرندگان اسمان وحیوانات زمین طلب رضای انها را دارند تا اینکه زمین بر زمین دیگر فخر می فروشد و می گوید امروز مردی از یاران قائم بر من پا نهاد. کمال دین تمام نعمت ص673. [↑](#footnote-ref-67)
68. - بحار ج89 ص118. [↑](#footnote-ref-68)
69. - بحار ج89 ص118. [↑](#footnote-ref-69)
70. - بحار ج89 ص118. [↑](#footnote-ref-70)
71. - التوحيد للصدوق: ص229. [↑](#footnote-ref-71)
72. - از اهل بیت (ع) نقل شده – هر انچه را که دانستید نگوید، وهرانچه باید گفته شود شاید وقتش نرسیده، و حتی اگر وقتش رسید شاید اهلش حاضر نباشند- مختصر بصائر الدرجاتص212 [↑](#footnote-ref-72)
73. - تفسير الصافي - سورة النجم: ج5 ص84، فما بعد. [↑](#footnote-ref-73)
74. - طه: 5. [↑](#footnote-ref-74)
75. - بقره: 54. [↑](#footnote-ref-75)
76. - الطرائف - السيد ابن طاووس الحسني ص 380. [↑](#footnote-ref-76)
77. - جمعه: 5. [↑](#footnote-ref-77)
78. - آل عمران:26. [↑](#footnote-ref-78)
79. - جمعه: 5. [↑](#footnote-ref-79)
80. - انفال: 33. [↑](#footnote-ref-80)
81. - انفال: 33. [↑](#footnote-ref-81)
82. - یونس: 98. [↑](#footnote-ref-82)
83. - انفال: 33. [↑](#footnote-ref-83)
84. - بقره: 106. [↑](#footnote-ref-84)
85. - نحل: 101. [↑](#footnote-ref-85)
86. - نساء: 160. [↑](#footnote-ref-86)
87. - آل عمران: 50. [↑](#footnote-ref-87)
88. - شوری: 13. [↑](#footnote-ref-88)
89. - از ابی عبدالله (ع) از علی بن حسین (ع) در مورد کلام خداوند انچه از شرایع دین به نوح وصیت نمود- فرمود ما همانی هستیم که خداوند دین را در کتابش برای ما شرع نمود وان فرموده خداوند – شرع لکم – ای ال محمد – از دین انچه به نوح و انچه به ابراهیم موسی وعیسی که دین را به پا دارید " یا ال محمد " و در ان متفرق نشوید بزرگ است بر مشرکان انچه بر ان دعایشان می کنید – ولایت علی (ع) خداوند انکه را برای خود بخواهد اختیار انکه منیب اوست هدایت می شود – یعنی کسی که به سمت ولایت علی (ع) می اید. بحار الانوار ج 23ص365. [↑](#footnote-ref-89)
90. - ص: 39. [↑](#footnote-ref-90)
91. - بحار الأنوار: ج52 ص389. [↑](#footnote-ref-91)
92. - البقره: 284. [↑](#footnote-ref-92)
93. - بحار ج52 ص355، غيبة النعمانى. [↑](#footnote-ref-93)
94. - بحار ج52 ص390. [↑](#footnote-ref-94)
95. - رحمن: 41. [↑](#footnote-ref-95)
96. - بحار ج52 ص321. [↑](#footnote-ref-96)
97. - بقره: 286. [↑](#footnote-ref-97)
98. - بحار الانوار: ج 53: ص 354. [↑](#footnote-ref-98)
99. - بحار:ج 52: ص 366 غیبت نعمانی. [↑](#footnote-ref-99)
100. - طه: 115. [↑](#footnote-ref-100)
101. - نقل از ابی جعفر(ع): خداوند عهد ومیثاق را از انبیاء گرفت، وفرمود من پرودگار شما نیستم و محمد رسول من است وعلی امیر مومنین است گفتند بلی پس نبوت برای انها ثابت شد سپس عهد ومیثاق بر الولی العزم گرفته شد که من پروردگار شما ومحمد رسول من و علی امیر المومنین و اوصیاء بعد از او والیان امرش و خزائن علم او و اینکه با مهدی پیروز می شوم و دینم را با ان ظاهر می سازم و با او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و با او چه با اکراه چه رضایت عبادت خواهم شد همه گفتند اقرار کردیم ای پروردگار و شاهد هستیم پس ادم (ع) نه اقرار و انکار نمود پس عزم برای این پنج پیامبر گرفته شد و برای ادم عزمی بر اقرار نماند و ان در قول خداوند است که فرمود: وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً)[پيش از اين، از آدم پيمان گرفته بوديم; اما او فراموش كرد; و عزم استوارى براى او نيافتيم!] (طه: 115 – بصائر الدرجات ص90ح2. [↑](#footnote-ref-101)
102. - از فضیل نقل از امام صادق( ع) می فرمایند: اینگونه در جاهلیت طواف می کردند.ولی امر شده اند که بعد از طواف به سمت ما متفرق شوند تا ولایت و نصرتشان ومحبتشان را به ما نشان دهند سبس این ایه را خواند که... و تمنا و هوای قلبهای بعضی از انسانها را برای انها قرار بده. کافی: ج1ص392. [↑](#footnote-ref-102)
103. - رعد: 15. [↑](#footnote-ref-103)
104. - حج: 18. [↑](#footnote-ref-104)
105. - حج: 18. [↑](#footnote-ref-105)
106. - زخرف: 81. [↑](#footnote-ref-106)
107. - الكتاب المقدس / العهد الجديد – الكنيسة: ص42، وفيه: ( 16 ويل لكم أيها القادة العميان القائلون من حلف بالهيكل فليس بشئ. ولكن من حلف بذهب الهيكل يلتزم. 17 أيها الجهال والعميان أيما أعظم الذهب أم الهيكل الذي يقدس الذهب...). [↑](#footnote-ref-107)
108. - [متشابهات ج 3 ] سيد احمد الحسن (ع). [↑](#footnote-ref-108)
109. - یوسف: 4. [↑](#footnote-ref-109)
110. - از امام جعفرصادق (ع) روایت شده که می فرماید: ( رسول خدا (ص) فرمود وقتی مرا به آسمان بردند خداوند عز و جل به من فرمود ند: ای محمد همانا من نگاهی به زمین انداختم و از آن تو را انتخاب کردم و تو را به عنوان پیامبر خود برگزیدم و برای تو اسمی از نام خود جدا کردم پس من محمود و تو محمد هستی، سپس نگاهی دیگر به زمین انداختم و علی را از آن انتخاب کردم و او را خلیفه و وصی و همسر دخترت و پدر نسل تو قرار دادم و نامی از نام های خودم را برایش جدا کردم،...... ای محمد دوست داری آنها را ببینی؟ گفتم بله ای خدای بزرگ, فرمود سرت را بالا بگیر پس سرم را بالا گرفتم و خود را در برابر انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن حسن حضرت قائم که در وسط آنها همچون ستاره ای درخشان بود دیدم) کمال الدین و اتمام النعمه الشیخ الصدوق ص 252. [↑](#footnote-ref-110)
111. - الزمر: 69. [↑](#footnote-ref-111)
112. - امام صادق (ع) در باره ی آیه شریفه ی: « و اشرقت الارض بنور ربها »(و زمين به نور پروردگارش روشن گردد.) فرمود: رب الارض امام الارض است. گفته شد: اگر خروج کرد چه می شود؟ فرمود: مردم با نور امام از نور خورشید بی نیاز می شوند و با نور امام (ع) مکتفی می گردند. (مستدرک سقینه البحار: ج4 ص 47). [↑](#footnote-ref-112)
113. - بقره:256. [↑](#footnote-ref-113)
114. - مجادله: 22. [↑](#footnote-ref-114)
115. - یوسف: 37 – 38. [↑](#footnote-ref-115)
116. - مائده: 93. [↑](#footnote-ref-116)
117. - عبس: 24. [↑](#footnote-ref-117)
118. - نقل از زید حشام در قول خداوند:- انسان بايد به غذاى خويش بنگرد! – گفتم غذا در این ایه چیست؟ فرمود علمی است که برادشته نموده از که برداشت کرده- کافی ج1ص49ح8. [↑](#footnote-ref-118)
119. - نهج البلاغة: ص212 / الخطبة 222. [↑](#footnote-ref-119)
120. - یس: 80. [↑](#footnote-ref-120)
121. - البقره: 196. [↑](#footnote-ref-121)
122. - رسول اکرم (ص) فرمود: هر بنده که چهل شبانه روز برای خداوند مخلص شود چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد. عیون الاخبار الرضا ج1ص74 [↑](#footnote-ref-122)
123. - مؤمنون: 20. [↑](#footnote-ref-123)
124. - مؤمنون: 18. [↑](#footnote-ref-124)
125. - مؤمنون: 19. [↑](#footnote-ref-125)
126. - مؤمنون: 20. [↑](#footnote-ref-126)
127. - امام ابی جعفر (ع) فرمود: در وصیت امیر المومنین (ع) آمده است که مرا از سمت پشت حرکت دهید و اگر پاهایتان آسیب دید (سنگين شد) و نسیمی به استقبالتان آمد مرا در آنجا به خاک بسپارید, آنجا ابتدای طور سیناء است واین کار را انجام دادند. امام باقر (ع) در جواب کسی که از ایشان پرسید: مرا باخبر ساز از پرنده ای که فقط یکبار پرید وقبل و بعد از آن دیگر نپرید و خداوند نیز در قران از آن یاد نمود؟ امام (ع) فرمود: طورسینا که خداوند آن را بر روی بنی اسرائیل به پرواز درآورد وقتی که آنها را زیر بالی از جانب خویش که در آن انواع واقسام عذاب وجود داشت قرار داد, تا اینکه تورات را قبول کردند, وآن هم فرموده خداوند است که (وکوه را همچون سایه ای بر بالای سرشان به پرواز در آوردیم که فکر کردند بر سرشان خواهد ریخت......) الاحتجاج ج2ص65. [↑](#footnote-ref-127)
128. - نور: 35. [↑](#footnote-ref-128)
129. - بقرة: 138. [↑](#footnote-ref-129)
130. - بقره: 260. [↑](#footnote-ref-130)
131. - التوحيد للشيخ الصدوق: ص132. [↑](#footnote-ref-131)
132. - نور 21. [↑](#footnote-ref-132)
133. - بحار الأنوار: ج90 ص303، تفسير الرازي: ج1 ص234. [↑](#footnote-ref-133)
134. - الشمس: 1-3. [↑](#footnote-ref-134)
135. - آل عمران: 93. [↑](#footnote-ref-135)
136. - ابی یعفور گفت از ابا عبدالله (ع) سوال نمودم: تمام گوشت ها بر بنی اسرائیل حلال بود به جز انچه بنی اسرائیل بر خود حرام داشت. فرمود اسرائیل اگر گوشت شتر را می خورد درد شدیدی در خود احساس می کرد پس گوشت شتر را بر خود حرام نمود وان قبل از نزول تورات بود ووقتی که تورات نازل شد ان را حرام نداشت و نمی خورد. بحالانوار ج9ص191 تفسیر عیاشی. [↑](#footnote-ref-136)
137. - علی بن مهزیار گفت بعضی از اصحاب ابی عبدالله (ع) گفتند: چرا نماز مغرب را با وجود نافله اش رسول اکرم (ص) در سفر و حضر شکسته ننمود؟ فرمود چون نماز دو رکعت دو رکعت بود و رسول الله (ص) بر هر دو رکعت دو رکعت اضاف نمود و انها را بر مسافر ترک نمود و نماز مغرب را اقرار نمود در هر دو حالت بر وجه خود باقی بماند، و نیز در نماز صبح که تمام خوانده شود تا تمام نماز هفیده رکعت در سفر و حضر باشد – محاسن ج2ص327ح78. [↑](#footnote-ref-137)
138. - انبیاء 78-79. [↑](#footnote-ref-138)
139. - ص: 39. [↑](#footnote-ref-139)
140. - بقرة: 284. [↑](#footnote-ref-140)
141. - از ابی جعفر (ع) فرمود: هنگامی معراج رسول (ص) فرمود ای پروردگار حال مومن نزد شما چگونه است؟ فرمود... بنده به من با چیزی که ان را بر او فریضه نمودم و دوست دارم نزدیک می شود و او با نافله به من نزدیک می شود تا او را دوست بدارم و وقتی که او را دوست داشتم چشمی می شوم که با ان می بیند و گوشی که با ان می شنود و زبانی که با ان کلام می گوید و دستی که با ان حرکت می دهد اگر دعایم نمود جواب خواهم داد و از من طلب نمد به او خواهم داد. کافی ج2 ص352 – 353، باب من آذى المسلمين واحتقرهم، ح7 و 8. ونیز در صحيح البخاري: ج7 ص190، كتاب الرقاق. و از رسول اکرم (ص) خداوند عزوجل فرمود:... ما دامی که بنده با انچه بر او فریضه داشتم نزدیک می گردد و به سمت من منتقل می شود تا او را دوست بدارم و اگر او را دوست بدارم چشم وگوش و دست موید برای او خواهم شد و اگر از من طلب کند بدو خواهم داد... شیخ صدوق ص398-400باب62ح1. [↑](#footnote-ref-141)
142. - عوالي اللئالي: ج4 ص86، ينابيع المودة: ج1 ص375. [↑](#footnote-ref-142)
143. - از برید عجلی: گفت: شنیدم ابا جعفر (ع) فرمود: ( معرفت وعبادت خداوند به واسطه با ما بوده و وحدانیت خداوند تبارک و تعالی با ما شناخته شد و محمد (ص) حجاب خداوند تبارک و تعالی است. کافی: ج1 ص 145 [↑](#footnote-ref-143)
144. - نهج البلاغة: ص95 / الخطبة 176. [↑](#footnote-ref-144)
145. - نقل از امام ابی عبدالله (ع) فرمود: امیر المومنین (ع) می فرمود من علم خدا و قلب بیدار خداوند و زبان ناطق و چشم بینای او و من جنب الله و دست خداوند هستم. بصائر الدرجات: ص84، التوحيد للصدوق: ص164 باب 22 ح1، وانظر ايضاً الاختصاص للمفيد: ص248. [↑](#footnote-ref-145)
146. - بقره: 238. [↑](#footnote-ref-146)
147. - نقل از امیر المومنین (ع) در نهایت افتراق امت.... سپس فرمود سینزده فرقه از هفتاد و سه فرقه همه محبت و مودت مرا خواهند داشت, یکی از انها وارد بهشت خواهد شد و ان امت وسط است و دوازده فرقه دیگر در اتش دوزخ خواهند بود. امالی شیخ طوسی ص 524. [↑](#footnote-ref-147)
148. - البقره: 143. [↑](#footnote-ref-148)
149. - قصص: 5. [↑](#footnote-ref-149)
150. - نقل از حسن بن صدقه گفت که ابو حسن (ع) فرمود: قیلوله – خواب قبل از نماز ظهر – داشته باشید زیرا که خداوند در ان روزه دار را سیراب و سیر خواهد نمود. وسئل الشیعه ج10ص136ح13042. [↑](#footnote-ref-150)
151. - اسراء: 95. [↑](#footnote-ref-151)
152. - رعد: 41. [↑](#footnote-ref-152)
153. - انبیاء: 44. [↑](#footnote-ref-153)
154. - رعد: 40 – 41. [↑](#footnote-ref-154)
155. - انبیاء: 44. [↑](#footnote-ref-155)
156. - انبیاء: 34. [↑](#footnote-ref-156)
157. - امام باقر (ع) آمده است: ( حضرت قائم (ع) بعضی قضایا را قضاوت می کند که بعضی از اصحابش از کسانی که در رکابش شمشیر زده اند به قضاوتش که قضاوت حضرت آدم (ع) است اعتراض می کنند که آنها را به صف کرده و گردن می زند، پس برای بار دوم قضاوت می کند و افراد دیگری از اصحابش که در رکابش شمشیر زده اند به قضاوتش که قضاوت حضرت داود (ع) است اعتراض می کنند که باز هم آنها را پیش می آورد و گردن می زند پس از آن برای بار سوم قضاوت می کند که افراد دیگری از اصحابش که در رکاب وی شمشر زده اند به قضاوت او که قضاوت حضرت ابراهیم (ع) است اعتراض می کنند که آنها را به صف کرده و گردن می زند و در آخر برای بار چهارم قضاوت می کند و آن قضاوت حضرت محمد (ص) است که این بار کسی به وی اعتراض نمی کند) بحار انوار ج52ص389. [↑](#footnote-ref-157)
158. - نمل: 7 – 8. [↑](#footnote-ref-158)
159. - فتح: 1 – 2. [↑](#footnote-ref-159)
160. - انظر الخطبة التطنجية للامام علي ، مشارق أنوار اليقين: ص263 – 265. [↑](#footnote-ref-160)
161. - زمر: 42. [↑](#footnote-ref-161)
162. - سجده: 11. [↑](#footnote-ref-162)
163. - نحل: 28. [↑](#footnote-ref-163)
164. - نحل: 32 [↑](#footnote-ref-164)
165. - انعام: 61. [↑](#footnote-ref-165)
166. - اعراف: 37. [↑](#footnote-ref-166)
167. - طه:9 – 10. [↑](#footnote-ref-167)
168. - به خرائج و جرائح راوندی ج3ص1135و مسند احمد ج5ص435مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-168)
169. - حشر: 9. [↑](#footnote-ref-169)
170. - غدير شيخ اميني: ج7 ص291. [↑](#footnote-ref-170)
171. - نهج البلاغة: ص126 / الخطبة 187. [↑](#footnote-ref-171)
172. - انظر: كمال الدين وتمام النعمة: ص673. [↑](#footnote-ref-172)
173. **- الكافي: ج1 ص402 ح5،**  [↑](#footnote-ref-173)
174. **-** مناجاة شعبانية امير المؤمنين ، بحار الأنوار: ج91 ص97. [↑](#footnote-ref-174)
175. - انسان: 1. [↑](#footnote-ref-175)
176. - عصر: 1 – 2. [↑](#footnote-ref-176)
177. 2- **المناقب لابن شهر اشوب: ج1 ص317.** [↑](#footnote-ref-177)
178. - بحار الأنوار: ج1 ص184، صحيح البخاري: ج4 ص20. [↑](#footnote-ref-178)
179. - حج: 65. [↑](#footnote-ref-179)
180. - رعد: 2. [↑](#footnote-ref-180)
181. - فتح: 10. [↑](#footnote-ref-181)
182. - انظر الكافي: ج2 ص352 – 353، باب من آذى المسلمين واحتقرهم ح7 و 8. وكذلك انظر صحيح البخاري: ج7 ص190، كتاب الرقاق. [↑](#footnote-ref-182)
183. - مصباح المتهجد: 419. [↑](#footnote-ref-183)
184. - لقمان: 19. [↑](#footnote-ref-184)
185. - جمعه: 5. [↑](#footnote-ref-185)
186. - مدثر: 50 – 51. [↑](#footnote-ref-186)
187. - واقعه: 62. [↑](#footnote-ref-187)
188. - حشر: 19. [↑](#footnote-ref-188)
189. - توبه: 33. [↑](#footnote-ref-189)
190. - احزاب: 56. [↑](#footnote-ref-190)
191. - آل عمران:97. [↑](#footnote-ref-191)
192. - سبأ: 18. [↑](#footnote-ref-192)
193. - شوری: 52. [↑](#footnote-ref-193)
194. - الكافي: ج1 ص273 ح1. [↑](#footnote-ref-194)
195. - إسراء: 85. [↑](#footnote-ref-195)
196. - الكافي: ج1 ص273 ح3. [↑](#footnote-ref-196)
197. - شوری: 52. [↑](#footnote-ref-197)
198. - الكافي: ج1 ص274 ح5. [↑](#footnote-ref-198)
199. - اعراف: 150. [↑](#footnote-ref-199)
200. - طه: 61. [↑](#footnote-ref-200)
201. - كنـز الفوائد ج 1 ص 149. [↑](#footnote-ref-201)
202. - بحار ج 25 ص 169، مشارق أنوار اليقين: البرسي. [↑](#footnote-ref-202)
203. - (البحار ج 97 ص 373، الإقبال ص 608، مفاتيح الجنان ص 448 زيارت أمير المؤمنين در روز ميلاد پيامبر (ص) [↑](#footnote-ref-203)
204. - هود:86. [↑](#footnote-ref-204)
205. - الكافي ج 1 ص 411. [↑](#footnote-ref-205)
206. - الكافي ج1 ص 412 ح3. [↑](#footnote-ref-206)
207. - نجم: 23 الی 30. [↑](#footnote-ref-207)